



منستور روايت جنگ

آيت الله خامنه‌اي مدظله العالی

جنگ را چگونه روايت مي‌کند؟

(از تير ۱۳۶۷ تا تير ۱۴۰۴)

مرکز ادراک، روايت و شناخت اجتماعي

دانشکده و پژوهشکده فرهنگي و توليد قدرت نرم



دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

عنوان:

منشور روایت جنگ؛

آیت الله خامنه ای مدظله العالی جنگ را چگونه روایت می کند؟

پدیدآورنده:

رضا قیومی پور

صفحه آرا:

مقداد خداداد

ارتباط با ما:

دسترسی به سایر تولیدات، ارسال دیدگاه‌ها، یا درخواست

همکاری‌های پژوهشی، کانال «جهاد نخستین»

 @jahade1

حق تکثیر:

استفاده و بازنشر این اثر برای فعالان فرهنگی، رسانه‌ای و پژوهشی آزاد است. بهره‌برداری از محتوا با حفظ

امانت علمی و ذکر منبع توصیه می‌شود.





پیشگفتار

جنگ روایت‌ها، روایت جنگ‌ها





با پیروزی انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران در مقابل نظم فاسد و ظالم جهانی، یکی از ابزارهای دولت های مستکبر برای خاموش کردن پیام مقاومت و ایستادگی ملت ایران و پوشیمان کردن آنها از طی مسیر انقلاب، تحمیل ناجوانمردانه جنگ نظامی به کشور ایران بوده است. جنگی که بمب ها و موشک هایش نه تنها خاک، بلکه ذهن و دل ملت ایران را نشانه گرفته و هدفش نابود کردن عزم و اراده اوست. جنگ تحمیلی هشت ساله در سال های آغازین تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران و نیز جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونیستی با پشتوانه دولت جنایتکار امریکا نمونه های بارز این تهاجم اند.

بی تردید، جنگ با دربرگیری همه جانبه عرصه های زندگی، سرشار از تهدیدها و فرصت هایی است که آثار آن تا نسل های آینده امتداد می یابد. بهره برداری حداکثری از فرصت ها و کاستن از تهدیدها، در گرو نحوه مواجهه با جنگ و درک ژرف نگرانه تمامی ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و دیگر پیامدهای آن است. به ویژه آن گاه که درک ما از جنگ، از صرف درگیری فیزیکی فراتر رود و میدان های پنهان تر و پیچیده تری چون ذهن و فرهنگ را دربرگیرد.

امروزه، بخش بزرگی از جنگ های نظامی نه در میدان های سخت، که در سرزمین ذهن و ضمیر ملت ها رخ می دهد. این جبهه نرم، همگام با میدان نبرد پیش می آید، از آن تأثیر می گیرد و بدان جهت می دهد. چون اراده، باور و انگیزه، پیشران حرکت ملت هاست، تحقق اهداف جنگ را باید در نسبت آن با دگرگونی اراده ملت ها پیش و پس از نبرد سنجید. در این نسبت سنجی، ابعاد ذهنی و روانی جنگ، اهمیت و ضرورتی دوچندان می یابد. در چنین فضایی، روایت جنگ نه تنها بازتابی از نبرد، بلکه

خود به یکی از صحنه‌های اصلی آن بدل می‌شود؛ درواقع، «روایت جنگ» صرفاً ابزاری تبلیغاتی نیست، بلکه به مثابه هسته‌ای مرکزی، نقش آفرین در تعیین نتیجه نهایی نبرد است؛ نتیجه‌ای که صرفاً با اعلام آتش بس مشخص نخواهد شد؛ بلکه کارزار حقیقی در میدان سرنوشت‌ساز ذهن‌ها تداوم می‌یابد. این فهم از جنگ و روایت، در اندیشه شماری از متفکران معاصر نیز برجسته شده است. از جمله ادوارد سعید در مقدمه کتاب «فرهنگ و امپریالیسم» نقش روایت در جنگ را چنین توصیف می‌کند:

«جنگ اصلی امپریالیسم بر سر سرزمین است. البته وقتی صحبت از این بود که چه کسی مالک زمین باشد، چه کسی حق سکونت و کار کردن روی آن را دارد، چه کسی نگهداری و اداره‌اش می‌کند، چه کسی در گذشته بر آن سیطره داشته است و چه کسی در حال حاضر برای آینده‌ی آن برنامه‌ریزی می‌کند؟ همه‌ی این موضوعات در روایت منعکس و بر سر آن‌ها رقابت می‌شد و حتی گاهی تصمیم‌گیری به عمل می‌آمد.»

آنچه سعید از جایگاه روایت در منظومه امپریالیسم بیان می‌کند، اگرچه در بستر اندیشه غربی و تجربه استعمار کلاسیک است، اما به‌روشنی با تجربه تاریخی ایران اسلامی در مواجهه با تهاجم‌های نظامی و فرهنگی قابل تطبیق است. در این میان، رهبر معظم انقلاب با نگاهی راهبردی، مسئله روایت جنگ را نه فقط در سطح بازنمایی، بلکه در تراز یک جهاد تبیین تمدنی طرح کرده‌اند؛ نگاهی که هم به حافظه تاریخی ملت توجه دارد و هم به مهندسی افق آینده.

ایشان به عنوان راهبر و پیشران حرکت پرشتاب جمهوری اسلامی ایران نه تنها بر ضرورت روایت دفاع مقدس تأکید کرده‌اند، بلکه خود در فرصت‌های گوناگون به روایت جنگ‌های تحمیلی پرداخته‌اند؛ روایتی که می‌تواند الگویی مؤثر برای فعالان فرهنگی و پژوهشگران حوزه روایت جنگ باشد. اثر پیش رو تلاشی است برای صورت‌بندی یک «الگوی جامع و بومی روایت جنگ» بر اساس روایت رهبر معظم



انقلاب از جنگ های تحمیلی؛ الگویی که می تواند راهنمایی نظری و عملی برای مستندسازان، روایت گران، پژوهشگران علوم اجتماعی و همچنین برنامه ریزان حوزه فرهنگ و رسانه باشد.

آنچه با عنوان «منشور روایت جنگ» پیش روی شماست؛ در فصل نخست به چرایی تولید الگوی روایت جنگ و گونه های آن در بیان رهبر معظم انقلاب، و ضرورت روایت جنگ می پردازد. در فصل دوم، محورهای ده گانه روایت جنگ بر اساس مضامین مطرح شده از سوی معظم له تقسیم بندی، شرح و جمع بندی شده اند. نهایتاً، فصل سوم به بسترها، ابزارها و ظرفیت های روایت جنگ در اندیشه ایشان اختصاص دارد؛ از سوژه یابی و مخاطب شناسی تا شیوه های ترویج حداکثری و فنون روایتگری جنگ، که در پرده پایانی این منشور به آن پرداخته می شود.

در پایان، با ذکر کلامی از سردار سپهبد پاسدار شهید حسین سلامی، این اثر با نهایت تواضع، ارادت و احترام به محضر این فرمانده اندیشمند و سرافراز سپاه اسلام، تقدیم می گردد.

«پر قدرت ترین واقعیت در جهان، کلمات هستند. کلمات بسیار مقتدرند. کلمات مولد همه چیز هستند. می توانند امید ایجاد کنند یا ناامیدی. می توانند شجاعت ایجاد کنند یا ترس، دلهره و اضطراب. می توانند آرامش ایجاد کنند یا وحشت تولید کنند. تصاویر و واژه ها در دنیای امروز، بسیار مؤثرتر از موشک ها، بمب ها، توپ ها و گلوله ها هستند.»

نشست سردار سلامی با ریاست و معاونان سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۴۰۳/۵/۱۷





سخنرانی آیت الله خامنه ای در جمع

رزمندگان لشکر ۳۱ عاشورا، سال ۶۷



مسیح منشور

فصل اول

روایت؛ رمز ماندگاری برکات جنگ

- درباره ضرورت روایت جنگ
- چرایی تولید الگوی روایت جنگ
- انواع روایت جنگ

فصل دوم

محورهای روایت جنگ

از زمینه ها و چرایی تا برکات و پیامدهای جنگ

فصل سوم

هنر روایت جنگ

بسترها، ابزارها و ظرفیت های روایت جنگ

فصل اول: روایت؛ رمز ماندگاری برکات جنگ

« درباره ضرورت روایت جنگ

« چرایی تولید الگوی روایت جنگ

« انواع روایت جنگ



مقدمه

در فصل اول، به دو پرسش اساسی پرداخته می‌شود: «چرا جنگ باید روایت شود؟» و «ضرورت تولید الگوی روایت جنگ چیست؟» پاسخ به این پرسش‌ها اهمیت شکل‌دهی یک الگوی منسجم و دقیق را روشن می‌کند.

در پایان فصل، مسئله‌ای کلیدی مطرح می‌شود که پایه و اساس مهمی برای نوع نگاه به جنگ و در ادامه روایت آن به شمار می‌رود: بررسی انواع روایت جنگ و تعیین نوع با اهمیت‌تر آن. این تحلیل نه تنها به جهت‌گیری راهبردی روایت جنگ کمک می‌کند و به راویان مسیر و چارچوب مشخص می‌دهد، بلکه زمینه را برای فهم محورهای اولویت‌دار روایت جنگ در فصول بعدی فراهم می‌آورد.

ضرورت روایت جنگ



روایت جنگ، ۸۰ سال هم جا دارد

این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیتی که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است

امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهیدانشان، چه ایثارگرانسان، چه رزمندگانسان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز میشود؛... بعد از پایان جنگ، نوبت این خیل عظیمی است که این دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد.

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس ۱۳۷۹/۷/۶



روایت؛ رمز ماندگاری برکات جنگ

آری؛ ما در جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارتهای مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. این در زندگی ما اتفاق افتاد. عزیزان من! آنچه که این قضیه را تمام میکند، این است که روایت این حادثه به درستی صورت گیرد... اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس ۱۳۷۹/۷/۶

اگر جنگ روایت نشود دشمن روایت می کند

این یک خطر است؛ من دارم به شما میگویم. جنگ را شما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده‌اید؛ اگر شما جنگ را روایت نکردید، دشمن شما جنگ را روایت خواهد کرد آن‌طور که دلش می‌خواهد. از یک ضعفهایی هم استفاده میکنند -البته هر حرکت نظامی و غیرنظامی ممکن است ضعفهایی داشته باشد که حتماً دارد؛ از اینها استفاده میکنند- و طبق میل خودشان می‌سازند. ما باید در این زمینه خیلی احساس وظیفه کنیم، خیلی کار کنیم.

۳



بیانات در مراسم شب
خاطره دفاع مقدس
۱۳۹۷/۷/۴

منبت
روایت

چرایی تولید الگوی روایت جنگ



نیازمندی به نقشه جامع برای حرکات فرهنگی، اقتصادی و...

«بدون نقشه جامع دچار سردرگمی خواهیم شد همچنان که در طول سی سال به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاک مبتلا بودیم. و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را، هم در زمینه فرهنگ، هم در زمینه اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون انجام دادیم.»

بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی

» ۱۳۸۹/۹/۱۰

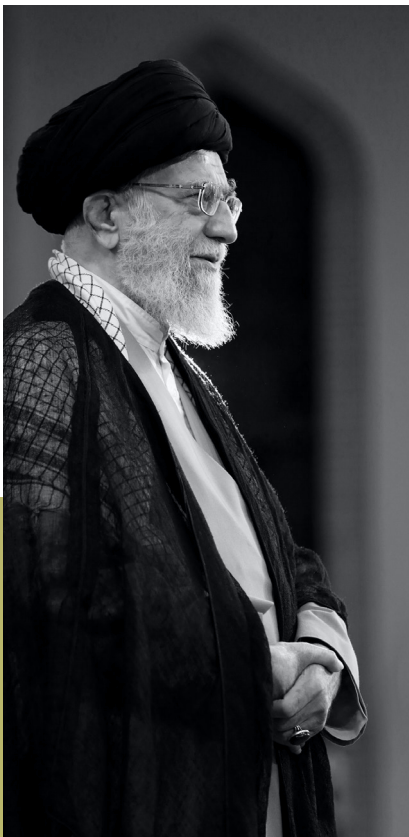
تسلط بر مغزها مقدمه تسلط بر سرزمین‌ها

برتری در جنگ روایتها زمینه ساز تثبیت ادراک صحیح از جنگ نظامی و در نتیجه پیروزی در جنگ اراده هاست. رهبر معظم انقلاب می فرمایند:
«دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند.»

تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌ها است.

«اگر مغز یک ملّتی را توانستند تصرف کنند، آن ملّت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم میکند.»
بیانات در دیدار بسیجیان

» ۱۴۰۱/۹/۵



کامل ترین و جامع ترین منبع استخراج الگو

کامل ترین و جامع ترین منبع استخراج الگوی روایت جنگ، بیانات رهبر معظم انقلاب می باشد.

معظم له از تیرماه ۱۳۶۷ یعنی چند روز پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ تحمیلی ۸ ساله تا تیرماه ۱۴۰۴ پس از توقف جنگ تحمیلی رژیم صهیونی، در بسترها و امکان های متعدد به بیان محورهای اصلی روایت جنگ نظامی پرداخته اند.

۳

فهم دقیق و استنباط عمیق از این بیانات، مقدمه استخراج الگوی روایت جنگ می باشد. این الگو، مبنای روایت و تبیین جنگ تحمیلی، برای صاحبان بیان و قلم، فعالان جهاد تبیین، رسانه های جمعی و اجتماعی و پژوهشگران عرصه فرهنگی، اجتماعی جنگ می باشد.

دو نوع نگاه به جنگ؛ دو نوع روایت جنگ

بیشتر آنچه تا امروز از جنگ شنیده‌ایم، روایت‌هایی هستند که صرفاً به توصیف ظواهر می‌پردازند: جنگ چگونه آغاز شد، چه مسیری را طی کرد، چه کسانی شرکت داشتند، و به چه نتایجی منتهی شد. این نوع روایت‌ها، اگرچه مهم‌اند، اما تنها بخشی از حقیقت جنگ را بازگو می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب، در کنار این نوع روایت، بر گونه دیگری از روایت تأکید دارند: روایتی که به روح و باطن جنگ می‌پردازد. روایتی که نه فقط حوادث، بلکه روحیه، ایمان و عزم و اراده را در میانه جنگ روایت می‌کند و این روایت است که به حقیقت نزدیک‌تر است. از نگاه ایشان، نسل امروز نیاز دارد هر دو نوع روایت را بشنود. اما آنچه تعیین‌کننده‌تر و شایسته‌تر توجه بیشتر است روایت تبیینی براساس روح و باطن جنگ است.





بیانات در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت؛ ۱۴۰۳/۷/۴

دو جور گزارش از جنگ میشود داد: یک گزارش، که بنده از آن تعبیر میکنم به توصیف، «گزارش توصیفی»، یک جور گزارش است که گزارش شکلی جنگ است: جنگ چه جوری آغاز شد، چه جوری ادامه پیدا کرد، به کجا منتهی شد، وضعیت دو طرف چگونه بود؛ این یک جور گزارش است؛ گزارش توصیفی.

یک جور گزارش دیگری هست که آن به نظر من مهم‌تر است: گزارش تبیینی است؛ باطن جنگ را، باطن جبهه را، روح جبهه را برای ما روشن میکند و بیان میکند. جوان امروز احتیاج به اطلاع در هر دو زمینه دارد که باید کار بشود.

گزارش توصیفی جنگ

گزارش شکلی

۱ جنگ چگونه آغاز شد؟

۲ جنگ چگونه ادامه یافت؟

۳ به کجا منتهی شد؟ نتیجه جنگ باید چه می شد و چه شد؟

(طبق موازین عادی و قواعد عادی مادی)

۴ تجهیزات، تسلیحات و سازماندهی طرفین در ابتدای جنگ

۵ کشورهای پشتیبان کدام ها بودند؟



گزارش تبیینی جنگ

گزارش باطن و روح جنگ

۱ جنگ فقط دفاع از وطن نبود؛ دفاع از اسلام بود

۲ اسلام رازنده نگه داشت

۳ ملت ایران را عزیز کرد

۴ روح معنوی را در کشور ترویج کرد

۵ جوهر واقعی انسانی و ایمانی را در جوانها زنده کرد

۶ جوانهایی که رفتند در میدان جنگ، از یک آدم معمولی تبدیل شدند به یک ولی الهی

بیانات در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت ؛ ۱۴۰۳/۷/۴



رهبر معظم انقلاب در بیاناتی پس از پایان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، با عباراتی دیگر نیز این دوگانه را ذکر و به روایت هر دو نوع آن پرداختند. همان طور که در ادامه می‌آید، سخن گفتن از اراده و اعتماد به نفس ملت ایران در زمره «گزارش تبیینی» قرار می‌گیرد، در حالی که توصیف عملیات نظامی و پاسخ کوبنده جمهوری اسلامی، نمونه‌ای از «گزارش توصیفی» جنگ است. ایشان همچنین در تبیین اولویت‌ها، به روشنی تأکید می‌کنند:

«مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است، همان ایستادگی است.»

«و اما ملت ایران در این جنگ تحمیلی اخیر کار بزرگی انجام داد؛ این کار بزرگ از جنس عملیات نبود؛ از جنس اراده بود، از جنس عزم بود، از جنس اعتماد به نفس بود. اینکه یک ملت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، در خودش این اعتماد به نفس را ملاحظه کند که آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری اش در منطقه [یعنی] رژیم صهیونی، سینه به سینه و روبه‌رو بشود، نفس این اراده، نفس این اعتماد به نفس، یک ارزش بسیار بسیار مهمی است. یک روزی بود - هم قبل از ما، هم زمان جوانی‌های ما قبل از انقلاب - که اسم آمریکا افراد را می‌ترساند؛ چه برسد به مواجهه و مقابله‌ی با او؛ چه مقابله‌ی زبانی، چه مقابله‌ی عملی. در این خاطراتی که از طرف عوامل رژیم قبلی نوشته شده و بعد از سالها پخش شده، مکرر این هست که مسئولین بالای کشور از یک کار آمریکا ناراحت بودند - [مثلاً] سر قضیه‌ی نفت، سر قضیه‌ی مسائل گوناگون ناراحت بودند و اوقاتشان تلخ بود - اما می‌گفتند هیچ چیزی نگویید؛ جرئت نمی‌کردند که حتی در خفا، در جلسه‌ی خصوصی اعتراض کنند و حرف بزنند. حالا همان ملت به اینجا رسیده که مستقیم می‌ایستد سینه به سینه‌ی این قدرت، از او نمی‌ترسد بلکه او را می‌ترساند و آنچه هم از دستش برمی‌آید، از لحاظ عملیاتی انجام می‌دهد که این مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است،

همان ایستادگی است. این اراده‌ی ملّی، این همت ملّی، همان چیزی است که این کشور را سربلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد که بنده گفتم پنجاه سال بعد باید این‌جوری باشد؛ این اراده همان عامل اصلی‌ای است که میتواند ایران را به آنجا برساند.

بنده عرض میکنم آنچه حالا همه باید بدانند - هم دوستان ما بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم خود ملت ایران بدانند که میدانند - این است که ملت ایران در هیچ میدانی به صورت طرف ضعیف ظاهر نخواهد شد. چون ما همه‌ی ابزارهای لازم را داریم؛ هم منطق داریم، هم نیرو داریم. ما هم در میدان دیپلماسی، هم در میدان نظامی ان‌شاءالله به توفیق الهی هر وقت وارد بشویم، با دست پُر وارد خواهیم شد. البته جنگ، زدن و خوردن دارد؛ معلوم است. در جنگ، هم زدن هست، هم خوردن هست؛ نمیشود توقع داشت که در جنگ حادثه‌ای پیش نیاید؛ ولیکن دستمان بحمدالله پُر است؛ هم در زمینه‌ی دیپلماسی دستانمان پُر است، هم در زمینه‌ی نظامی به توفیق الهی.

البته در این قضیه‌ی مهمی که پیش آمد، در این حادثه‌ی اخیر، ما از جنگ استقبال نکردیم؛ این را همه بدانند. بله، ما رژیم صهیونیستی را سرطان میدانیم، رژیم آمریکا را هم به خاطر پشتیبانی از او، جنایت‌کار میدانیم، اما ما از جنگ استقبال نکردیم، ما به پیشواز جنگ نرفتیم؛ ولی وقتی دشمن حمله کرد، پاسخ ما کوبنده بود. این را باید همه توجّه داشته باشند، بدانند؛ چون این مطلب مسلّمی است که دشمن میخواهد تشکیک کند در این. ما در جنگ محکم وارد شدیم؛ دلیلش هم این است، یعنی دلیل واضحش این است که رژیم صهیونیستی که طرف مقابل جنگ بود، مجبور شد به آمریکا متوسّل بشود. اگر خم نشده بود، اگر به زمین نچسبیده بود، اگر احتیاج نداشت، اگر قادر بود از خودش دفاع کند، این‌جور متوسّل به آمریکا نمیشد. به آمریکا متوسّل شد؛ یعنی دید از عهده‌ی جمهوری اسلامی برنمی‌آید. البته این مربوط به رژیم صهیونیستی است، در مورد آمریکا هم همین‌جور؛ آمریکا هم که حمله کرد، ضربه‌ی متقابل ما به آمریکا ضربه‌ی خیلی حسّاسی بود؛ حالا ان‌شاءالله مقداری می‌گذرد، چند ماه یا چند سال [بعد]، سانسورها برطرف میشود، بعد معلوم میشود ایران چه کار کرده. آن مرکزی که مورد تهاجم ایران قرار گرفت، مرکز فوق‌العاده حسّاس آمریکا در این منطقه بود. ضربه، ضربه‌ی بزرگی بود، البته از این بزرگ‌تر هم میتوان ضربه به آمریکا و به دیگران وارد کرد؛ ان‌شاءالله. خب، این حالا مربوط به عملیات و به این چیزها بود.»

فصل دوم: محورهای روایت جنگ



از زمینه ها و چرایی تا برکات و پیامدهای جنگ



مقدمه

رهبر معظم انقلاب در چند دهه گذشته، از زوایای گوناگونی به مسئله روایت جنگ پرداخته‌اند. با بررسی مجموعه این بیانات، محورها و شاخص‌هایی به دست آمده که در قالب ۱۰ محور دسته‌بندی شده‌اند. این محورها نشان می‌دهند که برای روایت جنگ، باید چه ابعاد و مؤلفه‌هایی را در نظر گرفت، کدام محورها نیازمند توجه بیشتری هستند، و در هر محور باید بر چه نکاتی تمرکز کرد.

۱۰ محور اصلی

روایت جنگ



محوهای روایت جنگ

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱ زمینه ها و چرایی جنگ | ۶ ملت تاریخی |
| ۲ کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران | ۷ فرصت ها و برکات جنگ |
| ۳ شناخت جبهه دشمن | ۸ معیار پیروزی چیست؟ |
| ۴ فتح الفتوح | ۹ بالاترین خسارت؟ مهمترین دستاورد؟ |
| ۵ دوگانه تفرقه انگیز ایرانیّت-اسلامیت | ۱۰ پیامدهای جنگ |

محور اول

زمینه‌ها و چرایی جنگ



تبیین چرایی تحمیل جنگ به ملت ایران

*

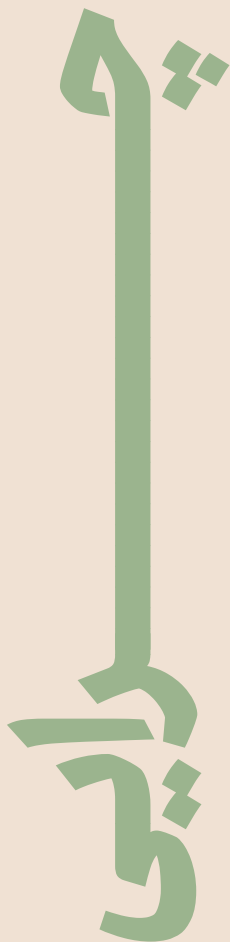
بدانیم...



« پرتکرارترین محوری که رهبر معظم انقلاب در روایت خود از جنگ تحمیلی به آن پرداخته‌اند، مسئله‌ی «چرایی آغاز جنگ» است. پرسشی اساسی که فهم و پاسخ درست آن، کل روایت جنگ را معنا می‌بخشد و جایگاه مقاومت ملت ایران را در تاریخ روشن می‌کند.

« رهبر انقلاب بارها بر ضرورت تبیین این موضوع تأکید کرده‌اند، چراکه درک دقیق چرایی جنگ، نسبت آن با انقلاب اسلامی، اهداف دشمنان و منطق ایستادگی ملت را به‌روشنی آشکار می‌سازد.

« در مقابل، دشمنان نیز بیشترین تمرکز خود را بر تحریف همین نقطه گذاشته‌اند و تلاش می‌کنند یا جمهوری اسلامی و ملت ایران را مقصر جلوه دهند یا دلایلی غیرواقعی برای انگیزه متجاوز ارائه دهند.



**هدف جنگ افروزان، درهم
کوبیدن نظام اسلامی بود**

اولاً هدف جنگ افروزان، آن کسانی که جنگ تحمیلی را بر ملت ایران تحمیل کردند، در هم کوبیدن نظام اسلامی بود، در هم کوبیدن انقلاب بود؛ هدف اصلی و نهایی‌شان این بود.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱

**هدف، از بین بردن
انقلاب اسلامی بود**

غرض این نبود که بیاید یک قسمتی از کشور را جدا کند؛ غرض این بود که بیاید با جدا کردن یک بخشی از کشور یا با انواع روشهای دیگر، انقلاب اسلامی را از بین ببرد؛ هدف این بود.

» ۱۴۰۱/۳/۲۲

**ضرورت دانستن انگیزه
و چرایی حمله دشمن**

یکی از حقایق مهم دفاع مقدس این است که بدانیم طرف ما در دفاع مقدس چه کسی بود، انگیزه‌ی او چه بود و چرا حمله کرد؟

» ۱۴۰۱/۶/۳۰



این اصلاً برای آنها قابل تحمل نبود

نگاهی که آن روز غربی‌ها و آمریکایی‌ها و بخصوص همین قدرتمندان غربی - آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - به ایران داشتند، نگاهی بود کاملاً همراه با خاطرمعی و اطمینان به سلطه و به اینکه میتوانند از منافع سرشار اینجا استفاده کنند بدون هیچ واهمه‌ای، بدون هیچ نگرانی‌ای. در یک چنین جایی، حالا ناگهان یک انقلابی به وقوع پیوندد، یک شخصیتی مثل امام بزرگوار سر بلند کند، ملت را بسیج کند، به صف کند و یک ملت سی و چند میلیونی آن روز با تمام قدرت بایستند؛ این اصلاً برای آنها قابل تحمل نبود، لذا باید انتقام میکشیدند، انتقام میگرفتند، باید ضربه‌ی متقابل میزدند، ضربه‌هایی هم زدند، مؤثر واقع نشد؛ هم کودتا راه انداختند، هم حمله‌ی نظامی هوایی کردند در طبس، هم اقوام ایرانی را تحریک کردند؛ خیلی از این کارها کردند، [اما] نشد، به جایی نرسید؛ [لذا] جنگ نظامی باید تحمیل می‌شد.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

علت، عظمت انقلاب بود

ابعاد گوناگونی در مسئله‌ی دفاع مقدس هست که هنوز ناگفته است، هنوز تحقیق نشده است، هنوز کار نشده است، بکر مانده است. نقطه‌ی اول این است که عامل ایجاد این جنگ چه بود؟ چطور شد که ناگهان ملت ایران که به این همسایه‌ی غربی خود کاری نداشت، تعرضی نداشت، مورد تهاجم قرار گرفت و این تهاجم هشت سال طول کشید؛ علت چه بود؟ علت، عظمت انقلاب بود، ابّتهت انقلاب بود.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

تبیین اهداف دشمن: هدف اول تجزیه کشور

خب، ما بینیم هدفهای جنگ چه بود، چرا به ما حمله شد، چرا صدام به ما حمله کرد. هدف او در مرحله‌ی اول، تجزیه‌ی کشور و جدا کردن یک بخش مهم کشور یعنی خوزستان بود؛ در مرحله‌ی اول، هدف این بود که اینجا را جدا کنند؛ که خب مردم خوزستان و [مردم] عرب خوزستان علی‌رغم دشمن، یکی از بهترین دفاعها را خودشان انجام دادند.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

عبرت شدن ملت ایران برای ملت های دیگر

این ملت توانسته بود به یک رژیم فاسد وابسته پایان بدهد؛ علاوه بر این توانسته بود یک قدرت بزرگی مثل آمریکا را تحقیر کند. میخواستند کاری بکنند که ملت‌های دیگر عبرت بگیرند؛ بفهمند که اگر کسی علیه آمریکا قیام کرد و کارهایی از این قبیل کرد، مثل ملت ایران که سرکوب شد، سرکوب خواهد شد؛ ملت‌های دیگر [این را] بفهمند و باب مقاومت بسته بشود؛ هدف نهایی و اساسی این بود.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

لکن در مراحل بعدی - همین طوری که گفتیم - بحث به زانو درآوردن ملت ایران بود. آنها میخواستند جمهوری اسلامی را براندازی کنند، میخواستند سرنوشت ایران را تغییر بدهند؛ هدف این بود. میخواستند سرنوشتی را که به وسیله‌ی انقلاب ترسیم میشد، تغییر بدهند و سرنوشت ایران را عوض کنند؛ هدف این بود.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

به زانو درآوردن ملت و تغییر سرنوشت ایران با براندازی نظام

میخواستند صدای ملت ایران را در گلو خفه کنند. ملت ایران یک پیام جدیدی داشت، یک حرف نویی به دنیا عرضه کرد. «جمهوری اسلامی» یک حرف نو است. «مردم‌سالاری دینی» یک حرف جدید است، یک ترتیب تازه برای زندگی است، یک سبک جدید برای زندگی ملت‌ها است؛ خواستند این پیام که پیام مقاومت است، پیام ایستادگی است، پیام عدم تسلیم در مقابل زورگویی است، پیام مقابله‌ی با ظلم است، پیام مقابله‌ی با تبعیض بین‌المللی است نرسد؛ خواستند این پیام را خفه کنند؛ هدف این بود.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

خفه کردن صدای ملت ایران برای نرسیدن به دیگر ملت‌ها



مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و حقوق بشر و حقوق زن، بهانه است

موضوع اساسی «چرایی» جنگ هشت ساله است. نسل جوان ما که دوران جنگ را و دوران انقلاب را درک نکرده‌اند، بدانند که اصلاً چرا جمهوری اسلامی وارد یک نبردی شد که هشت سال طول کشید... آن صدایی که با صراحت در قبال نظم غلط جهانی بلند شد، صدای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود؛ مرکزش هم ایران اسلامی بود که با آن مخالف بودند؛ آن روز هم مخالف بودند، امروز هم مخالفند؛ مسئله این است؛ این را ما باید از بن دندان درک کنیم؛ بعضی این را درک نمیکنند. مسئله، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای و حقوق بشر و حقوق زن و این حرفها نیست؛ اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی آوردن سخنی نو در قبال نظم باطل فاسد تبعیض‌آمیز جهانی است که امروز بر دنیا حاکم است؛ مسئله این است؛ با این دعوا دارند، با این مخالفند. و این مخالفت برطرف نمیشود تا وقتی که جمهوری اسلامی و ملت ایران حرف زور آنها را قبول کنند، که قبول هم نخواهند کرد...



۱۴۰۳/۷/۴

گفتم «جاذبه‌های جمهوری اسلامی»؛ این تأثیر زیادی داشت؛ یعنی اینها را به وحشت می‌انداخت. دو جور جاذبه در جمهوری اسلامی بود و هست و باید این دو جور جاذبه حفظ بشود؛ [چون] ملّتها را به خودش جذب میکند: یک جاذبه‌ی سیاسی، یک جاذبه‌ی معنوی. جاذبه‌ی سیاسی عبارت بود از همین ایستادگی در مقابل نظم غلط جهانی؛ این جاذبه‌ی سیاسی دارد. ملّتها برعکس قدرتها، برعکس دولتها، دلشان به این جاذبه‌ی سیاسی گرایش دارد؛ اینکه احساس میکنند در دنیا یک نظامی وجود دارد که با این نظم غلط جهانی، با این زورگویی‌ها و دخالتهای قدرتها مخالف است، دل اینها را جذب میکند.



جاذبیت جمهوری اسلامی و ایستادن در برابر نظم فاسد

جاذبه‌ی معنوی هم همین توجّه به ایمان الهی، ایمان دینی در نظام اسلامی است؛ این جاذبه دارد، این خیلی جاذبه دارد. در این دنیای مادی، جوانها در همین کشورهای به اصطلاح پیشرفته و متمدّن، احساس پوچی میکنند. این را امروز دانشمندان و متفکران خود آنها هم دارند بیان میکنند؛ احساس پوچی میکنند، احساس بی‌فایده‌گی میکنند، روزبه‌روز خودکشی‌ها زیادتر میشود. ایمان دینی به آنها احساس پناه میدهد، دل آنها را گرم میکند؛ خاصیت احساس دینی این است. این هم در جمهوری اسلامی یک جاذبه است. بنابراین علّت پدید آمدن این حمله‌ی نظامی، تهاجم نظامی به کشور ما، به مرزهای ما که به دفاع مقدّس هشت ساله انجامید، اینها است؛ مخالف بودند. جاذبه‌های جمهوری اسلامی اینها را می‌ترساند، سخن نو جمهوری اسلامی اینها را برمی‌آشفّت، این بود که این حمله را انجام دادند.

» ۱۴۰۳/۷/۴





تسلیم ایران؛ حقیقت و باطن معارضة آمریکا با ایران

نکته‌ای که من می‌خواهم به عنوان یک نقطه‌ی اساسی عرایض عرض بکنم این است که رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از بیاناتش و اظهاراتش گفت ایران باید تسلیم بشود. «تسلیم بشود»! بحث غنی‌سازی دیگر نیست، بحث صنعت هسته‌ای نیست، بحث تسلیم ایران است. البته این حرف برای دهان رئیس‌جمهور آمریکا خیلی بزرگ است. ایران با عظمت، ایران با این تاریخ، ایران با این فرهنگ، ایران با این عزم پولادین ملی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه‌ی استهزاء کسانی است که ملت ایران را می‌شناسند. لکن این اظهار او یک حقیقتی را لو داد؛ آمریکایی‌ها از اوّل انقلاب با ایران اسلامی مشغول معارضة هستند، پنجه می‌افکنند، هر دفعه‌ای هم یک بهانه‌ای دارند: یک بار حقوق بشر است، یک بار دفاع از دموکراسی است، یک بار حقوق زن است، یک بار غنی‌سازی است، یک بار اصل مسئله‌ی هسته‌ای است، یک بار مسئله‌ی ساخت موشک است؛ بهانه‌های گوناگونی می‌آورند، اما باطن قضیه یک چیز بیشتر نیست و آن «تسلیم ایران» است. قبلی‌ها نمی‌گفتند این را، چون این قابل قبول نیست؛

در هیچ منطق بشری قابل قبول نیست که به یک ملّتی بگویند بیا باید تسلیم بشوید، لذا آن را زیر عناوین دیگری پنهان می‌کردند. این شخص لو داد آن حقیقت را، نشان داد و فهماند که آمریکایی‌ها فقط به تسلیم ایران راضی میشوند و نه به کمتر از آن. و این یک نقطه‌ی مهمی است! ملت ایران بدانند [علّت] معارضة‌ی با آمریکا این است و این اهانت بزرگ به ملت ایران را آمریکایی‌ها دارند و چنین اتفاقی هم هرگز نخواهد افتاد؛ هرگز نخواهد افتاد.

۱

محور اول / زمینه ها و چرایی جنگ تبیین چرایی تحمیل جنگ به ملت ایران

دشمن با دین و دانش شما مخالف است

آنچه مهم است، این است که توجه داشته باشیم که ایران اسلامی بر اساس «دین» و «دانش» بنا شده و به وجود آمده. در بنای جمهوری اسلامی دو عنصر «دین» و «دانش» عمده ترین عناصر تشکیل دهنده هستند؛ به همین دلیل هم، دین مردم و دانش جوانان ما، توانسته اند در بسیاری از میدانهای مختلف دشمن را وادار به عقب نشینی کنند. بعد از این هم همین جور خواهد بود.





>> ۱۴۰۴/۵/۷



آنچه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالفند، با این ایمان گسترده‌ی مردم مخالفند، با این اتحاد در زیر سایه‌ی اسلام و قرآن مخالفند؛ و با دانش شما مخالفند. اینکه بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، جمعیت ایران دو برابر بشود لکن تعداد دانشجو شاید حدود ده برابر یا بیشتر بشود، اینها را میرنجاند؛ اینکه جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون علم و دانش - چه دانشهای انسانی، چه دانشهای فنی، چه دانشهای دینی - بتواند سخن نو به میان بیاورد، اینها را ناراحت میکند؛ اینها با این مخالفند. آنچه به عنوان [قضیه‌ی] هسته‌ای و غنی‌سازی و حقوق بشر و امثال این چیزها میگویند بهانه است؛ اصل قضیه آن است.

محور اول / زمینه ها و چرایی جنگ
جمع‌بندی: تبیین چرایی تحمیل جنگ به ملت ایران



خفه کردن صدای ملت ایران برای نرسیدن پیام به ملتها

۱

عبث شدن ملت ایران برای ملت های دیگر

۲

آوردن سخنی نو در قبال نظم باطل فاسد تبعیض آمیز جهانی

۳

تسلیم ایران

۴

به زانو درآوردن ملت

۵

تغییر سرنوشت ایران با براندازی جمهوری اسلامی ایران

۶

جذابیت جمهوری اسلامی و ایستادن در برابر نظم فاسد جهانی

۷

مخالفت با دین و دانش مردم ایران

۸



کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران

• • • • •

کیفیت دفاع ملت (روایت تبیینی)

۱

کیفیت دفاع حاکمیت (روایت توصیفی)

۲

پرداخت ویژه به نقش رهبری و فرماندهی جنگ

۳

۲



بدانیم...

پس از بررسی چرایی تحمیل جنگ، محور دوم روایت جنگ تحمیلی به «کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران» اختصاص دارد؛ محوری که یکی از نقاط عطف روایت به‌شمار می‌رود و نمایانگر عزم، شجاعت و عقلانیت ملت و حاکمیت در برابر تجاوز دشمن است.

در این محور، ابتدا در بخش «کیفیت دفاع ملت»، به تبیین نوع رفتار مردم ایران در مواجهه با حمله دشمن پرداخته شده است. در ادامه، بخش «کیفیت دفاع حاکمیت» به بررسی تدبیر، عقلانیت، ابتکار و شجاعت موجود در تصمیم‌گیری‌ها و سازماندهی‌های نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی در دوران جنگ اختصاص دارد.

سومین بخش نیز به پرداخت ویژه به نقش رهبری و فرماندهی جنگ اختصاص یافته است؛ نکته‌ای که به‌گفته رهبر معظم انقلاب، در روایت دفاع مقدس هشت‌ساله درباره حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) مورد غفلت قرار گرفته است. به همین قیاس، روایت دقیق و تحلیلی از نقش رهبری و فرماندهی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جنگ تحمیلی دوازده‌روزه نیز باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.



کیفیت دفاع جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران

ابعاد گوناگونی در مسئله‌ی دفاع مقدّس هست که هنوز ناگفته است، هنوز تحقیق نشده است، هنوز کار نشده است، پُکر مانده است. من به دو قسمت از این ابعاد گوناگون، امروز برای شما جوانان عزیز یک اشاره‌ی کوتاه می‌کنم: ... دؤم، کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران در این جنگی که بر او تحمیل شده بود.





اعتماد به نفس و اراده ملت ایران در برابر قدرت‌های جهانی

و اما ملت ایران در این جنگ تحمیلی اخیر کار بزرگی انجام داد؛ این کار بزرگ از جنس عملیات نبود؛ از جنس اراده بود، از جنس عزم بود، از جنس اعتماد به نفس بود. اینکه یک ملت، یک کشور، یک نیروی نظامی در یک کشور، در خودش این اعتماد به نفس را ملاحظه کند که آماده است با قدرت آمریکا و سگ زنجیری اش در منطقه [یعنی] رژیم صهیونی، سینه به سینه و روبه رو بشود، نفس این اراده، نفس این اعتماد به نفس، یک ارزش بسیار بسیار مهمی است. یک روزی بود - هم قبل از ما، هم زمان جوانی‌های ما قبل از انقلاب - که اسم آمریکا افراد را میترساند؛ چه برسد به مواجهه و مقابله‌ی با او؛ چه مقابله‌ی زبانی، چه مقابله‌ی عملی.

در این خاطراتی که از طرف عوامل رژیم قبلی نوشته شده و بعد از سالها پخش شده، مکرر این هست که مسئولین بالای کشور از یک کار آمریکا ناراحت بودند - [مثلاً] سر قضیه‌ی نفت، سر قضیه‌ی مسائل گوناگون ناراحت بودند و اوقاتشان تلخ بود - اما میگفتند هیچ چیزی نگویید؛ جرئت نمی‌کردند که حتی در خفا، در جلسه‌ی خصوصی اعتراض کنند و حرف بزنند. حالا همان ملت به اینجا رسیده که مستقیم می‌ایستد سینه به سینه این قدرت، از او نمی‌ترسد بلکه او را می‌ترساند و آنچه هم از دستش برمی‌آید، از لحاظ عملیاتی انجام می‌دهد که این مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است، همان ایستادگی است. این اراده‌ی ملی، این همت ملی، همان چیزی است که این کشور را سر بلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد که بنده گفتم پنجاه سال بعد باید این جوری باشد؛ این اراده همان عامل اصلی‌ای است که میتواند ایران را به آنجا برساند.

اتحاد فوق العاده ملت ایران

تبریک سوّم تبریک اتحاد و اتفاق فوق العاده‌ی ملت ایران است. بحمدالله یک ملت در حدود نود میلیون جمعیت، یکپارچه، یک صدا، شانه به شانه، در کنار هم، بدون هیچ گونه تفاوتی در خواسته‌ها و در مقاصدی که ابراز میکنند، ایستادند، شعار دادند، حرف زدند، از رفتار نیروهای مسلّح حمایت کردند، بعد از این هم همین خواهد بود. ملت ایران بزرگواری خودش را، شخصیت برجسته و ممتاز خودش را نشان داد در این قضیه و نشان داد که در هنگام لازم، یک صدا از این ملت شنیده خواهد شد، و بحمدالله این اتفاق افتاد.

» ۱۴۰۴/۳/۲۸

دفاع همراه با ایمان به حقّانیت خود و بطلان دشمن

نوع دفاع ما یک دفاع فوق العاده‌ای بود؛ همراه بود با عزم و اراده‌ی قوی؛ در میدانهای جنگ ما اراده و عزم و تصمیم قاطع موج میزد؛ [همراه بود] با ایمان؛ یعنی باور نسبت به حقّانیت خود و بطلان دشمن؛ این خیلی مهم است.

» ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

ملت رشید، عقلانی، معنوی، شجاع، وقت شناس

مطلب اوّلی که مایلیم عرض بکنم، تمجید از رفتار ملت

عزیزمان در این قضیه‌ای است که اخیراً دشمنان برای کشور پیش آورده‌اند. ملت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت شناس است. این حرکت عظیمی که مردم در روز جشن غدیر به دنیا نشان دادند، حرکت عظیمی بود؛ اجتماعات مردم، راهپیمایی‌های مردم در همین چند روز، حضورشان در نماز جمعه‌ها و راهپیمایی‌شان بعد از نماز، همه‌ی این‌ها نشان دهنده‌ی رشد ملت ایران و قوام عقلانیت و معنویت، همراه با شجاعت و وقت شناسی در ملت عزیزمان است. خدا را شکر میکنم که بحمدالله این ملت مؤمن را در این حد از توانایی‌ها و امکانات معنوی و مادی قرار داده. من لازم میدانم همین جا اشاره کنم به حرکت زیبا و پرمعنایی که آن بانوی مجری تلویزیون در مقابل حمله‌ی دشمن انجام داد؛ تکبیر گفتن و در واقع، نشانه‌ی قدرت ملت را به همه‌ی دنیا ارائه کردن؛ این حادثه‌ی تاریخی‌ای بود، حادثه‌ی بسیار باارزشی است.

» ۱۴۰۴/۳/۲۸



>> ۱۴۰۴/۳/۲۸

شجاعت و دلیری در روز؛ تضرع و توسل در شب

دلیری و شجاعت داشتند، فداکاری و عبادت هم داشتند. روز، به معنای واقعی کلمه، شیر غزنده‌ی میدان و شب، به معنای واقعی کلمه، زاهد و عابد و تضرع‌کننده و عبادت‌گر؛ شیران روز، عابدان شب؛ این جوری بود.

>> ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

برایشان جان دادن مساله اصلی نبود

برایشان جان دادن مسئله‌ی اصلی نبود؛ یعنی واقعاً آماده بودند که جانشان را در راه خدا و در راه جهاد فی سبیل الله از دست بدهند؛ فداکاری. این خاطره‌هایی که نوشته میشود، سرشار از حوادث فداکارانه است که حقیقتاً برای همه‌ی ما درس است. بنده هروقتی که میخوانم یکی از این کتابها را - زیاد هم میخوانم - حقیقتاً نسبت به آن عظمتی که در این کارها و در این فداکاری‌ها وجود دارد، احساس کوچکی می‌کنم در خودم.

محور دوم / کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران

جمع‌بندی: کیفیت دفاع ملت





اعتماد به نفس و اراده ملت ایران
در برابر قدرت های جهانی

۱

اتحاد فوق العاده ملت ایران در برابر
تهاجم دشمن

۲

ملت رشید، عقلانی، معنوی،
شجاع، وقت شناس

۳

دفاع همراه با ایمان به حقانیت
خود و بطلان دشمن

۴



**پاسخ کو بنده
به حمله دشمن**

البته در این قضیه‌ی مهمی که پیش آمد، در این حادثه‌ی اخیر، ما از جنگ استقبال نکردیم؛ این را همه بدانند. بله، ما رژیم صهیونیستی را سرطان میدانیم، رژیم آمریکا را هم به خاطر پشتیبانی از او، جنایت‌کار میدانیم، اما ما از جنگ استقبال نکردیم، ما به پیشواز جنگ نرفتیم؛ ولی وقتی دشمن حمله کرد، پاسخ ما کو بنده بود. این را باید همه توجّه داشته باشند، بدانند؛ چون این مطلب مسلمی است که دشمن می‌خواهد تشکیک کند در این.

ما در جنگ محکم وارد شدیم؛ دلیلش هم این است، یعنی دلیل واضحش این است که رژیم صهیونیستی که طرف مقابل جنگ بود، مجبور شد به آمریکا متوسّل بشود. اگر خم نشده بود، اگر به زمین نچسبیده بود، اگر احتیاج نداشت، اگر قادر بود از خودش دفاع کند، این جور متوسّل به آمریکا نمیشد. به آمریکا متوسّل شد؛ یعنی دید از عهده‌ی جمهوری اسلامی بر نمی‌آید. البته این مربوط به رژیم صهیونیستی است.

در مورد آمریکا هم همین جور؛ آمریکا هم که حمله کرد، ضربه‌ی متقابل ما به آمریکا ضربه‌ی خیلی حساسی بود؛ حالا ان شاء الله مقداری میگذرد، چند ماه یا چند سال [بعد]، سانسورها برطرف میشود، بعد معلوم میشود ایران چه کار کرده. آن مرکزی که مورد تهاجم ایران قرار گرفت، مرکز فوق‌العاده حسّاس آمریکا در این منطقه بود. ضربه، ضربه‌ی بزرگی بود، البته از این بزرگ‌تر هم میتوان ضربه به آمریکا و به دیگران وارد کرد؛ ان شاء الله. خب، این حالا مربوط به عملیات و به این چیزها بود.



>> ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

حرکت خردمندان و مدبرانه

اینها خردمندی و تدبیر داشتند. اینکه خیال کنیم همین‌طور سرشان را پایین می‌انداختند، بی‌هوا به لشکر دشمن میزدند، نخیر، با تدبیر، خردمندانه. حرکت جوانان ما در میدان جنگ، حرکت خردمندانه و مدبرانه بود.

>> ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

روحیه ابتکار و کارهای نو در قوای نظامی

یکی از خصوصیات [دیگر] دفاع مقدّس، روحیه‌ی ابتکار و کارهای نو بود - که اگر ملاحظه کرده باشید، خواهید دید- از سنت‌های متعارف خیلی از ارتشهای دنیا که مثلاً تجربه و آزمون هم پشت سرش هست عبور کردن، راه‌های نو را به وجود آوردن و راه‌های نو را کشف کردن. حقیقتاً این‌جور بود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل رزمندگان ما ابتکار بود.



تدبیر و عقلانیت در مجموعه حرکات نظامی هشت ساله

گاهی مثلاً گفته میشود موج انسانی و جوانها و مانند اینها [جنگ را پیش برد]؛ قضیه این جوری نبود؛ در مجموعه‌ی حرکات نظامی هشت ساله، تدبیر و عقلانیت به طور محسوسی وجود داشت. حالا در گزارش سردار باقری بود که بعضی از این راه‌ها و روش‌ها و به تعبیر صحیح، راه‌کنش‌ها - ترجمه‌ی تاکتیک - که در دفاع مقدس به کار برده شد، ابتکاری بود و بنا است که اینها در کتابهای درسی برود یا رفته یا خواهد رفت. واقع قضیه این است.

آن حرکتی یا آن راه‌کنشی که مثلاً در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد/یا در عملیات بیت‌المقدس/اینها تدبیر است، اینها عقلانیت است، اینها چیزهایی نیست که بشود آسان از نظر دور کرد، اینها بسیار مسائل مهمی است؛ تدبیر و عقلانیت. در بسیاری از مناطق عملیاتی ما نظایر این را میشود دید؛ هم در غرب وجود داشت، هم در جنوب به تکرار و تعدد وجود داشت. یا آن مسئله‌ی والفجر هشت و عبور از اروند، مسئله‌ی کربلای پنج، عملیات بسیار مهم خیر، و قضایای دیگر؛ که این کارهایی که آنجا انجام گرفت، طزاحی‌هایی که آنجا انجام گرفت، اینها طزاحی‌هایی بود که کمتر نظایر آن را انسان مشاهده میکند؛ عقلانیت بود.



قبول قطعنامه هم‌مدبرانه بود

دفاع مقدّس یکی از عقلانی‌ترین حوادث ملّت ایران بود. بعضی‌ها با استناد به یک خطایی که در یک بخشی انجام گرفته یا یک جمعی انجام داده‌اند، مجموعه‌ی دفاع مقدّس را به بی‌تدبیری متّهم میکنند؛ ابداً این جور نیست؛ دفاع مقدّس از اوّل تا آخر مدبّرانه و عَقلائی بود.

شروع کار که از سخنرانی‌هایی که اوّل کار انجام گرفت - چه آنچه امام فرمودند، چه آنچه دیگران گفتند- نشان‌دهنده‌ی عقلانیّت ورود در این عرصه بود. بعد فعّالیّت‌ها و همکاری سپاه و ارتش؛ ببینید، این خیلی مسئله‌ی مهمّی است.... اینها همه کارهای مدبّرانه و بزرگی بود، کارهای عاقلانه بود؛ کمتر نیروی مسلّحی با این توانایی فکری و با این اقتدار معنوی و تدبیر میتواند کار را پیش ببرد.

حتّی قبول قطعنامه هم در پایان کار، در آن شرایط که امام از آن تعبیر کردند به «نوشیدن جام زهر»، این هم مدبّرانه بود. در آن مقطع، این کار، کار مدبّرانه‌ای بود، باید انجام میگرفت. اگر مدبّرانه نبود، اگر عاقلانه نبود، امام انجام نمیداد. ما از نزدیک شاهد بودیم و میدیدیم که چه دارد میگذرد؛ کار، بسیار عاقلانه بود. بنابراین، از اوّل تا آخر، مسئله‌ی دفاع مقدّس یک پدیده‌ی عَقلائی و یکی از عقلانی‌ترین حرکات ملّت ایران بود و تحریف‌ها را در این مورد بایستی مراقب بود.

محور دوم / کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران

جمع‌بندی: کیفیت دفاع حاکمیت

۲/۲





۱

پاسخ کو بنده به حمله دشمن

۲

حرکت خردمندانه و مدبرانه

۳

تدبیر و عقلانیت در مجموعه حرکات

۴

روحیه ابتکار و کارهای نو در قوای نظامی



نقش امام در فرماندهی جنگ، مورد غفلت واقع شده

خب جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ما آغاز شد؛ اینجا است که انسان نقش بسیار حسّاس و شگفت‌انگیز رهبری و فرماندهی امام بزرگوار را تشخیص می‌دهد. امام در یک چنین شرایطی توانست آغاز جنگ را و بعد تداوم این حرکت را در زیر چشم خود و اراده‌ی خود به پیش ببرد و اداره کند. بعضی‌ها انکار میکنند، اظهار تعجّب میکنند که چطور ممکن است یک روحانی مسنّ پیرمردی در سنین هشتاد و چندساله مثلاً بتواند نیروهای مسلّح را در جنگ اداره کند؛

خیال میکنند که مدیریت جنگی و فرماندهی جنگی امام به این بود که برود مثلاً در قرارگاه‌های تاکتیکی مقدّم بنشیند عده‌ها را جابه‌جا کند، یگانها را این‌ور و آن‌ور بفرستد. مسئله این نبود، مسئله‌ی امام چند چیز دیگر بود متأسفانه نقش امام در نوشته‌های مربوطه به جنگ، در بحثهای مربوط به جنگ، مورد غفلت واقع شده! باید در تحقیقات ما، در کارهایی که انجام می‌گیرد، حتماً نقش امام روشن بشود.

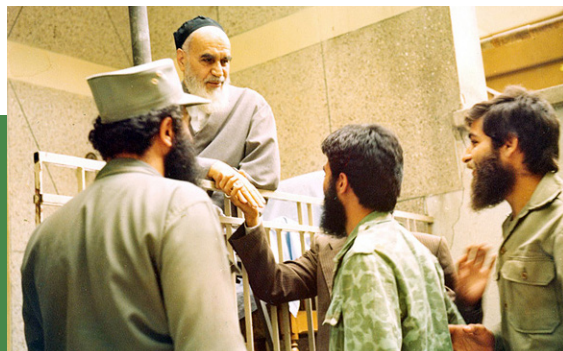


شناخت حجم واقعی جنگ

اولاً مهم این بود و کار بزرگ امام این بود که از اول حجم واقعی این کارزار را شناخت، از اول فهمید که معنای این جنگ چیست؛ خیلی از ماها نمی‌دانستیم، نمی‌فهمیدیم.

امام درباره‌ی جنگ، درباره‌ی دفاع مقدّس متعدّد سخنرانی میکرد؛ در سخنرانی‌ای که مربوط به جنگ بود امام مثلاً میفرمود که آمریکا از شوروی بدتر، شوروی از آمریکا بدتر، انگلیس از هر دو بدتر؛ یعنی تعرّض و خطابش به آن کسانی بود که شناخته بود که اینها عوامل اصلی هستند و پشت صحنه‌ی جنگ در واقع اینها هستند.

۱۳۹۹/۶/۳۱



قاطعیّت

و بعد هم قاطعیّت بی‌نظیر، آن قاطعیّت فوق‌العاده؛ کارهای نشدنی را که به معنای واقعی کلمه نشدنی به نظر میرسید، امام به طور قاطع [مثلاً میفرمود] «حصر آبادان باید برداشته شود». خب آن وقتی که آبادان در حصر افتاد، بنده اتفاقاً در اهواز بودم، اصلاً قابل تصوّر نبود چطور ممکن است حصر آبادان برداشته بشود [اما] امام قاطع فرمودند. [یا میفرمود] «خَرَمشهر باید آزاد بشود»، در قضیه‌ی قبل «سوسنگرد باید آزاد شود»؛ یعنی چیزهای نشدنی را که به نظر افراد حاضر در آنجا می‌آمد، این را امام به صورت قاطع بیان کردند. رهبری امام و هدایت امام و فرماندهی امام، اینها بود.

۱۳۹۹/۶/۳۱

۱۳۹۹/۶/۳۱

تشخیص امکان حل مسئله توسط ملت ایران

ثانیاً یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله‌ی مهم را فقط ملت ایران میتواند حل کند. این مسئله، صرفاً مسئله‌ی نیروهای مسلح نیست. ولو نیروهای مسلح بعد خب وضع بهتری پیدا کردند لکن این کار، کار ملت ایران است، ملت باید وسط بیاید؛ همچنان که ملت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملت ایران باید به پیروزی برساند. امام این را تشخیص داد و بر اساس آن عمل کرد و این حرکت عظیم مردمی را که حالا بعد یک اشاره‌ای خواهم کرد، به وجود آورد.

۱۳۹۹/۶/۳۱

نفوذ معنوی و نگاه تیزبین

شخصیت امام، نفوذ معنوی امام، صداقت و معصومیت بیان امام که وقتی حرف میزد آثار معصومیت و صداقت در بیان او برای همه آشکار بود، میفهمیدند که حقیقت را دارد بیان میکند؛ بعد نگاه تیزبین او که یک اعماقی را مشاهده میکرد که به معنای واقعی کلمه [مصدق] «آنچه در آینه جوان بیند، پیر در خشت خام آن بیند» [بود]. گاهی ماها با مسئولین نظامی در بعضی از مسائل نظامی مراجعه میکردیم به ایشان و امام گاهی یک نکاتی را بیان میکردند که برای انسان واقعاً [مایه‌ی] تعجب بود که ایشان چطور به این نکات توجه میکنند.



امام در حالات مختلف جنگ، به اقتضای آن حالت، موضعگیری میکرد و آن نکته‌ی اصلی را بیان میکرد. یک وقت مثلاً فرض کنید، یک قصّه‌ای پیش آمده بود در صحنه، در میدان که مردم روحیه‌شان را از دست داده بودند و بایستی روحیه پیدا میکردند؛ امام سعی میکرد به مردم روحیه بدهد و دشمن را تحقیر کند. معنای اینکه [فرمودند] «یک دزدی آمده، یک سنگی انداخته و فرار کرده»، این است که رزمندگان ما که به جبهه رفتند، دارند دشمن فراری را تعقیب میکنند. روحیه دادن به ملت.

یک وقت لازم بود که از غرور رزمندگان جلوگیری بشود؛ فرض بفرمایید رزمندگان با حدود یک ماه تلاش گشوده و فوق‌العاده توانسته بودند خرمشهر را فتح کنند - خب این خیلی دستاورد عجیب و بزرگی بود که خرمشهر را رزمندگان ما، ارتش و سپاه و بسیج، توانستند از دشمن باز پس بگیرند- خب این ممکن بود غرور ایجاد کند؛ اینجا برای اینکه این غرور به وجود نیاید که ضربه‌اش بر همه‌ی افرادی که دست‌اندرکار در هر نقطه‌ای هستند بسیار زیاد است، امام فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ [یعنی] ما وسیله هستیم؛ مطلب را مستند به اراده‌ی الهی و قدرت الهی میکند؛ این اینجا لازم است.

فرض بفرمایید یک وقت رزمندگان دچار یک مشکلی شدند، احتیاج به تفقّد داشتند، احتیاج به دلگرمی داشتند، امام تفقّد میکرد از آنها که «بازوی رزمندگان را میبوسم».

محور دوم / کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران

جمع‌بندی: نقش رهبری و فرماندهی جنگ

۲
۳



۱ غفلت از نقش امام در فرماندهی جنگ

۱

۲ نفوذ معنوی و نگاه تیزبین

۲

۳ شناخت حجم واقعی جنگ

۳

۴ قاطعیت

۴

۵ تشخیص امکان حل مسئله توسط ملت ایران

۵

۶ موضعگیری به اقتضای حالت

۶



شناخت جبهه دشمن

• • • • •

شناخت عناصر اصلی و صف دشمن

۱

همراهی همه جانبه و جنایات کشورهای غربی علیه ملت ایران در جنگ

۲

۳



بدانیم...

یکی از ارکان بنیادین در روایت جنگ، شناخت درست جبهه دشمن است؛ چراکه عظمت و اهمیت دفاع ملت ایران زمانی به درستی درک می‌شود که ابعاد تجاوز و عناصر اصلی صف دشمن به روشنی آشکار شود.

بر همین اساس، در بخش نخست این محور، به تبیین عناصر اصلی و صف‌آرایی دشمن، و نیز ضرورت شناخت طرف اصلی مقابل ملت ایران پرداخته شده است.

در بخش دوم نیز، روایت همراهی همه‌جانبه و جنایات کشورهای غربی علیه ملت ایران، در قالب اقدامات اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی مورد توجه قرار گرفته است؛ روایتی که به‌ویژه مخاطب آن مردم کشورهای متخاصم‌اند، تا بدانند دولت‌هایشان در چه جنایاتی شریک بوده‌اند.





صدام و حزب بعث، وسیله بودند

ثانیاً طرف اصلی، صدام و حزب بعث نبودند؛ اینها وسیله‌ای بودند که پیش‌کرده‌ی آن عناصر اصلی بودند. صدام را با استفاده از روحیات او و جاه‌طلبی‌های او پیش انداخته بودند. او هم آمده بود وارد میدان [شده بود] اما پشت سر و طرف اصلی، دیگران بودند؛ قدرتهایی بودند که بعضی از آن قدرتها مثل آمریکا، از انقلاب ضربه‌ی جدی خورده بودند. بعضی از طرفها هم کسانی بودند که ولو مثل آمریکا از ایران طرد نشده بودند و نمیشد گفت که آن چنان منفعت کلانی به این صورت از دست داده‌اند، منتها از اینکه یک عنصر جدیدی، یک هویت جدیدی در این منطقه‌ی حساس به وجود بیاید، بر اساس دین، بر اساس اسلام، با خصوصاتی که میدانستند و می‌شناختند، نگران بودند و مایل نبودند؛ لذا مقابل جمهوری اسلامی ایستادند.

فقط آمریکا نبود، شوروی آن روز هم بود، ناتو و کشورهای اروپای غربی [هم] بودند؛ حتی کشورهای اروپای شرقی هم در این عرصه در مقابل ما قرار داشتند. لذا اسنادی که بعداً رو شد و نشان داده شد، ثابت کرد که آمریکا پیش از آغاز جنگ با صدام توافقهایی داشته؛

همچنان که کمکهای تسلیحاتی و اطلاعاتی بسیار ذی‌قیمت به طور مرتب در اثنای جنگ - که حالا من بعداً یک اشاره‌ای به اینها خواهم کرد - به سمت نیروها و قوای صدام و حزب بعث سرازیر بود؛ کاروان نظامی به صورت پیوسته که این جلوی چشم ما و در دید ما بود. کشتی‌ها در بنادر امارات پهلوی میگرفتند و از امارات به صورت متصل، هرروزه، بدون وقفه میرفتند سعودی، میرفتند کویت، میرفتند عراق و [امکانات را] تحویل نیروهای صدام حسین میدادند. اینکه حالا وضع دشمن و جبهه [بود].



عظمت دفاع مقدس در گرو شناخت جبهه مهاجمان

«مهاجمها چه کسی بودند»؛ اگر با این نگاه هم به قضیه نگاه کنیم، عظمت و اهمیت دفاع مقدس روشن خواهد شد. یک وقتی یک کشوری به یک کشور دیگری حمله میکند - یک اتحادی دو نفری، سه نفری، دو دولت، دو قدرت به یک جایی حمله میکنند - یک وقت همه‌ی دنیا به یک کشور حمله میکنند؛ قضیه این بود. اینکه عرض میکنم مبالغه نیست؛ «همه‌ی دنیا» هم که میگوییم، منظور مثلاً فلان کشور دورافتاده‌ی بی‌تأثیر در اوضاع عالم نیست؛ همه‌ی قدرتهای مطرح آن روز دنیا شدند یک جبهه و در این حمله‌ی به ما، حمله‌ی به جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی، سهیم شدند.

>> ۱۴۰۲/۶/۲۹

اینها همه آمدند

آمریکا پشتش بود، انگلیس پشتش بود، فرانسه پشتش بود، دولتهای مرتجع پشتش بودند و هر کسی دنباله‌رو اینها بود؛ اینها همه آمدند میخواستند کشور را تکه‌پاره کنند، اینها میخواستند کشور را برگردانند زیر سلطه‌ی آمریکا، اینها میخواستند ملت ایران را اسیر کنند.

>> ۱۴۰۱/۳/۲۲

محور سوم / شناخت جبهه دشمن
جمع‌بندی: شناخت عناصر اصلی و صف دشمن

۳



عظمت دفاع مقدس در گرو شناخت جبهه مهاجمان

۱

طرف اصلی را باید درست شناخت

۲

برخی وسیله طرح اصلی استکبار هستند

۳

برخی بخاطر ضربه خوردن از جمهوری اسلامی ایران

۴

برخی بخاطر نگرانی از وجود هویت مستقل جدید مبتنی بر اسلام در منطقه، وارد میدان شدند

۵



>> ۱۳۹۷/۷/۳

چرا مردم آلمان و فرانسه نمی دانند؟

همین کشور فرانسه و همین کشور آلمان و بقیه‌ی کشورها - حالا دیگران به جای خود- بودند که کمک میکردند، شوروی آن روز هم از یک طرف. علاوه‌ی بر اینها، ما در محاصره‌ی اقتصادی که بودیم هیچ، در محاصره‌ی سیاسی که بودیم هیچ، در محاصره‌ی سخت تبلیغاتی هم بودیم؛ یعنی صدای ما واقعاً به هیچ جا نمیرسید، رسانه‌های دنیا در مشّت صهیونیست‌ها و در اختیار آنها بود، آنهایی که دشمن بودند؛ نه اینکه طرف‌دار صدام باشند، دشمن نظام اسلامی بودند و هرچه میتوانستند علیه ما میگفتند و صدای ما به جایی نمیرسید؛ یک چنین وضعی را ما داشتیم.

حُب سؤال من این است چرا مردم آلمان و فرانسه ندانند که دولتهایشان در دوران آن هشت سال چه کردند با ملّتی به نام ملّت ایران؟ چرا ندانند؟ الان نمیدانند، و این کوتاهی ما است. الان دنیا این تصویر روشنِ شفافِ رسواکننده‌ی نظام سلطه را که ما به وجود آورده‌ایم، در مقابل خودش نمیبیند؛ چرا؟ این کوتاهی ما است و ما باید تلاش کنیم در این زمینه.



هر چه لازم داشت می دادند

آمریکا، شوروی، اروپا همراهی کامل میکردند، پشتیبانی میکردند، هر چه لازم داشت میدادند؛ سلاحهایی که فرسوده میشد عوض میکردند. دولت فرانسه بهترین هواپیماهای خودش را، جنگنده‌های خودش را در اختیار صدام گذاشت. دولت آلمان موادّ شیمیایی مورد نیاز صدام را در اختیارش گذاشت. دولت آمریکا به طور مستمر اطلاعاتی‌های میدان جنگ را در اختیارش میگذاشت.

دولتهای همسایه هم که پول و امکانات در اختیارش میگذاشتند. این حاشیه‌ی خلیج فارس یک مسیری بود که به طور دائم کامیونها و تریلی‌های حامل سلاح و تجهیزات و امکانات میرفتند عراق. یک طرف این جوری بود؛ طرف مهاجم وضعش این جوری بود. من در یک گزارشی خواندم که تعداد هواپیماهای جنگنده‌ی صدام بعد از جنگ بیشتر بود از تعداد هواپیماهایش در اوّل جنگ! با اینکه این همه هواپیمای او ساقط شده بود اما تعداد هواپیمایش بعد از جنگ بیشتر بود؛ یعنی همین‌طور مرتّب و پشت سر هم به او کمک شده بود و داده بودند.



۱۴۰۳/۷/۴

محور سوم / شناخت جبهه دشمن

جمع‌بندی: همراهی همه جانبه و جنایات
کشورهای غربی علیه ملت ایران در جنگ

۳
۲



۱
مردم این کشورها باید جنایات
دولت هایشان را بدانند

۲
اقدامات اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی، نظامی
کشورهای غربی علیه ملت ایران

۳
همراهی همه جانبه با متخاصم



فتح الفتح

.....

توجه به فتح اصلی و مصونیت ساز

۱

تبیین عنصر دین در انگیزه، هدف و آرمان شهدا و مردم

۲

تبیین سبک زندگی و شرح حال شهدا

۳

۴



بدانیم ...

«در چهارمین محور روایت جنگ تحمیلی، به «فتح الفتوح» پرداخته شده است؛ مفهومی که فراتر از فتح‌های نظامی، بر تحول عظیم انسانی و تربیت نسل جوان مؤمن و انقلابی تمرکز دارد.

در بخش نخست، تأکید بر این فتح اصلی یعنی تحول و تربیت جوانان مؤمن و انقلابی است که عامل اصلی مصونیت کشور در برابر تهدیدها بوده و هستند.

بخش دوم به تحلیل جایگاه عنصر دین در جنگ اختصاص یافته است؛ اینکه دین چگونه به عنوان نیروی محرک، انگیزه، هدف و آرمان شهدا و مردم را شکل می‌دهد. رهبر انقلاب بر لزوم تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حضور پر قدرت دین در مجموعه رفتارهای فداکارانه مردم ایران تأکید دارند.

در بخش سوم، سبک زندگی و شرح حال شهدا به عنوان تجلیات عینی فتح الفتوح مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ از تبیین نسبت شهدا با مسائل مهم و مطرح امروز گرفته تا توجه ویژه به نقش خانواده شهدا در خلق حماسه‌های عظیم دفاع مقدس.



» ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

همت‌ها و باکری‌ها، جوان‌های معمولی بودند

این شخصیت‌های برجسته و مهم، همت‌ها، خزازی‌ها، شما خیال میکنید [چگونه بودند؟] شهید همت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خزازی که یک اسطوره است، جوانهای معمولی بودند؛ جنگ [بود که] اینها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار؛

[یا کسانی مانند] باکری‌ها، برونسی‌ها. اوستا عبدالحسین بّای درس‌نخوانده، در میدان جنگ در بین رزمندگان وقتی می‌ایستاد و حرف میزد - آن کسانی که پای صحبت او بوده‌اند و شنیده‌اند، [میدانند]- مثل یک حکیم، مثل یک دانای خردمند حرف میزد و قانع میکرد طرف مقابلش را؛ جنگ، انسان‌ساز است. این دفاع مقدّس با این خصوصیات که من گفتم، یک چنین انسانهایی تربیت میکند. چیت‌سازیان، یک پسر هفده هجده ساله [بود که] وارد میدان جنگ میشود، تبدیل میشود به یک چهره‌ی ماندگار، یک ستاره‌ی درخشان که از حرفهای او بنده و امثال بنده و شما و همه باید استفاده کنیم، و استفاده میکنیم. هزاران جوان از این قبیل در میدان جنگ ساخته شدند.

خود جنگ، انسان‌ساز شد..!

جبهه‌ها جایی بود که انسانهای متعارف و معمولی وقتی میرفتند آنجا، حقیقتاً در وادی صفا و نورانیتِ عرفان وارد میشدند، [آن‌هم] به‌طور قهری! این خصوصیات رزمندگان ما بود. لذا خود این جنگ، انسان‌ساز شد. یعنی دفاع مقدّس موجب شد که هرکدام از جوانان معمولی و عادی ما - حالا یا دانش‌آموز یا دانشجو یا کاسب یا روستایی یا کارگر یا کشاورز، باسواد، بی‌سواد- که در این بوته‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علوّ مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند.

» ۱۳۹۶/۱۲/۱۹



۱۳۹۶/۱۲/۱۹

فتح الفتوح جنگ تربیت جوانان؛ جوانان مؤمن انقلابی عامل اصلی مصونیت



لذا امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از این فتوحاتِ اول کار پیام دادند - سال ۶۰ یک فتحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود؛ بعد از مدتی عقب نشینی و شکست های گوناگون، فتح بستان یک پیروزی بزرگی محسوب میشد؛ [البته این] مضمون حرف ایشان است، عبارت ایشان در کتاب هست - گفتند که فتح الفتوح، فتح فلان شهر نیست؛ فتح الفتوح، تربیت و تولید یک چنین جوانهایی است؛ این فتح الفتوح است، واقعش هم همین است. فتح الفتوح برای یک کشور این است که جوانهای این کشور، هم خردمند باشند، هم باتدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرب و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در همه ی زمانها کرده اند و امروز هم دارند میکنند، فریب نخورند. یک چنین جوانهایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا میکند.

محور چهارم / فتح الفتوح
جمعبندی : توجه به فتح اصلی و مصونیت ساز

۴
۱



۱ انسان سازی در دل جنگ

۲ فتح الفتوح جنگ تربیت جوانان

۳ جوانان مؤمن انقلابی عامل اصلی مصونیت



دین، انگیزه اصلی حضور در دفاع مقدس

یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ نرم دشمن همین است که این انگیزه‌ی دین را - که مهم‌ترین انگیزه است، بالاترین انگیزه است - در بین مردم خاموش کنند یا تضعیف کنند. خب حالا بعضی‌ها در تحلیل‌های گوناگونی که میکنند، [میگویند] این جوان رفت از مرزهای کشورش حراست کند، امنیت را ایجاد کند. خب بله، معلوم است؛ امنیت کشور، مصونیت کشور، ناشی از همین فداکاری‌ها است، ناشی از همین شهادتها و جانباز شدن‌ها و مبارزه‌ها و درگیری‌ها است؛ شگی در این نیست که این موجب امنیت کشور است، اما انگیزه‌ی او دین بود، خدا بود؛ انگیزه‌ی او را نباید به چیزهای کمتر از دین فرو کاست و تقلیل داد. در واقع اینها برای خدا حرکت کردند، برای خدا کار کردند و عزت شهدا هم به خاطر همین است؛ عزت شهدا هم به خاطر همین است. خب حالا بعضی‌ها هستند که با دین سر و کاری ندارند، این شهادتها را هم نمیتوانند انکار کنند، [لذا] در انگیزه‌ها دست می‌برند.

>> ۱۴۰۱/۳/۲۲

فلسفه بافی می‌کنند برای این که این را نفی کنند

>> ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

یک نکته را حتماً در این مجموعه‌ی کارها در نظر بگیرید و آن نکته، مسئله‌ی انگیزه‌ی شهیدان و هدف شهیدان است؛ [اینکه] شهیدان برای چه به میدان جنگ رفتند که به شهادت آنها منتهی شد؟ این مهم است. خب از نظر من و شما ممکن است واضح باشد؛ انگیزه‌ی آنها انقلاب بود، حمایت از امام بود، زنده نگه داشتن حرکت عظیم جمهوری اسلامی بود که دشمن میخواست آن را از بین ببرد و خاموش کند؛ لکن در این زمینه وسوسه صورت می‌گیرد، فلسفه بافی میکنند، حرف میزنند برای اینکه این را نفی کنند؛ این را تقویت کنید.

بروز فضائل اخلاقی به برکت اسلام

البته مشخص است که این نکته (بروز عالی ترین فضائل اخلاقی و عروج معنوی) بیش از بقیه‌ی نکاتی که عرض شد، به برکت اسلام است. البته اعتلا و درخشندگی نقاط دیگر هم به برکت ایمان دینی بود.

>> ۱۴۰۱/۳/۲۲



آرمان پدر و مادرها چه بود؟

یک مسئله‌ی دیگر بحث آرمانهای اینها است. خب، آرمان جوانها چه بود؟ اینهایی که رفتند جنگیدند با چه اهداف بلندی رفتند جنگیدند؟ آیا مسئله فقط یک جنگ ارضی و مرزی و مانند اینها بود که دشمنی متعزّض مرزهای ما شده و ما می‌خواهیم دشمن را عقب بزنیم؟ فقط این بود؟... این پدر و مادرها با چه آرمانی این جوان را فرستادند؟ اینها مهم است، به اینها توجّه کنید؛ خیلی‌ها سعی میکنند اینها را مکتوم نگه دارند. آرمانشان اسلام بود، آرمانشان خدا بود، آرمانشان حکومت دینی و اسلامی بود؛ این بود که این جوان را میکشاند میبرد جبهه. کسی که باور ندارد، وصیّت‌نامه‌ها را نگاه کند.

تحلیل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حضور عنصر پُرقدرت دین

بایستی در کنار این کارها، کارهای دیگری هم انجام بگیرد. از جمله‌ی کارها، تحلیل‌ها و استنتاجهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی روی این خاطره‌نویسی‌ها بر اساس حضور عنصر پُرقدرت دین است؛ این خیلی چیز مهمّی است. چرا این را بعضی‌ها می‌خواهند ندیده بگیرند؟ در گزارش دوستان خواندم که یک تعدادی از این شهدا تک‌پسرهای خانواده‌ها بودند؛ اینکه این مادر و این پدر آماده هستند که این تک‌پسر را بفرستند به میدانی که ممکن است برنگردد، از چه چیزی ناشی میشود؟ این جز با نگاه به دین، به رضای الهی، به ثواب الهی و به وظیفه‌ی دینی از چیز دیگری ناشی میشود؟ خود این جوان که این جور حرکت میکند و میرود در مقابل این خطرات بزرگ جان خودش را و سینه‌ی خودش را سپر میکند، انگیزه‌ی دینی دارد. حضور این عنصر پُرقدرت، از لحاظ جامعه‌شناختی کشور و از لحاظ روان‌شناختی مردم کشور بایست تحلیل بشود، بررسی بشود؛ [باید] روی این کار کنند.

محور چهارم / فتح الفتوح
جمعندی : تبیین عنصر دین
در انگیزه، هدف و آرمان شهدا و مردم

۴
۲



تحلیل جامعه شناختی و روان شناختی حضور عنصر پر قدرت دین

۱

بروز فضائل اخلاقی به برکت اسلام

۲

اسلام، خدا و حکومت اسلامی آرمان شهدا و پدر و مادرها

۳

دین انگیزه اصلی حضور در دفاع مقدس

۴



نسبت شهدا با مسائل مهم و مطرح امروز

ما در بیان زندگی نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است. خب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسئله است که چیز باارزشی است که کسانی جانشان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی شخص هم یک مسئله‌ی دیگری است که این خیلی مهم است. این شهیدی که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آیید، در داخل زندگی خانوادگی چه جوری مشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه جوری عمل می‌کرده؛ اینها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائلی که امروز برای ما مهم است، اینها چه جوری عمل می‌کرده‌اند.

فرض بفرمایید که ما امروز در مورد اسراف، در مورد تعزّض و تجاوز به اموال بیت‌المال، درباره‌ی آشرافیگری حساسیت نشان می‌دهیم، یعنی [اینها] چیزهایی است که امروز برای مجموعه‌ی دلسوز جامعه‌ی ما مسائل مهمی است، مسائل مطرحی است؛ این شهدای عزیز ما آن روزی که زنده بودند و زندگی می‌کردند در داخل شهرهایشان، در داخل خانواده‌هایشان، نسبت به این قضایا چه جوری بودند...





وضع عادی زندگی کردن شهدا چه جوری بوده؟ فرض بفرمایید ازدواجشان؛ در این خاطرات شهدا که زندگینامه‌ی شهدا [است] - حالا تا آن مقداری که بنده دیده‌ام و خوانده‌ام و نگاه کرده‌ام - در چند مورد بحث ازدواج اینها مطرح میشود؛ چگونگی ازدواج اینها، رفتار اینها در گزینش همسر - دنبال چه جور همسری بودند - بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده‌ها، اینها همه قله‌های اخلاق اسلامی است. امروز ما گرفتاریم؛ ما امروز به این چیزها احتیاج داریم. امروز جوان ما برای ازدواج، برای گزینش همسر چه جوری فکر میکند و چه جوری باید فکر کند؟ آن الگو را باید در مقابل او نگه داشت؛

اینها الگو هستند، شهدای ما الگو هستند. گاهی بعضی‌ها پیش ما شکایت میکنند که ما الگو به جوانهایمان نشان نمیدهیم؛ خب، این هزاران الگو؛ ۳۰۰ الگو در این استان، ۱۸۰۰ الگو در این استان، و هزاران الگو در استانهای گوناگون، اینها را برجسته کنید؛ سیمای منور اینها را درست در مقابل چشم جوانها نگه دارید. من البته با این آلبوم و مانند اینها مخالفتی ندارم اما کار [اصلی] اینها نیست؛ بیان آنچه اینها در زندگیشان عمل میکردند، چه جوری عمل میکردند، چه جوری رفتار میکردند، چه جوری خرج میکردند، به وظیفه چه جوری نگاه میکردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که میتواند الگوسازی کند.



۱۳۷۰/۱۰/۱۱

اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را میگفت

من همیشه به خانواده‌های شهدا گفته‌ام که شهدای ما خط مقدمند؛ پشت سر شهدا، خانواده‌هاشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه میشنویم و چه میبینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را میگفت. خیلیها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد میشنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید.

۱۴۰۰/۸/۳۰

رزمنده‌ی ایرانی را در مقابل چشم مردم دنیا قرار دهید

سبک زندگی اسلامی در رفتار رزمندگان ما و شهدای ما یک چیز برجسته‌ای است که واقعاً نمیشود از این صرف نظر کرد. آن قدر نکته‌ی الهام‌بخش در زندگی این شهیدان وجود دارد که واقعاً جا دارد یک تصویر هنرمندانه‌ای از این وضعیت را هنرمندان ما به دنیا نشان بدهند، و رزمنده‌ی ایرانی را بشناسانند به دنیا و با کارهای هنری و بزرگ در مقابل چشم مردم دنیا قرار بدهند.



۱۴۰۳/۶/۲۸

عالم و دنیای هر شهید را باید فهمید و ارائه داد

خود شهدا، به نظر من، وجودشان یک گنج تمام نشدنی است؛ یعنی نسلهای پی‌درپی که می‌آیند، همه منتفع میشوند... امروز من و شما از اینها استفاده میکنیم، فردا نوه‌های ما از اینها استفاده میکنند و در دوره‌ی بعد، جوانهای بعد اگر مطلع بشوند، استفاده میکنند؛ یعنی این گنج تمام نمیشود...

شما باید روی نکات قابل استخراج از زندگی شهدا کار کنید؛ این مهم است... هر کدام از این شهدا یک ماجرای دارند. اینکه در زبانها رایج میشود که «دنیا کوچک است»، از آن حرفهای غلط است؛ دنیا خیلی بزرگ است؛ چون در دنیا هشت میلیارد انسان هستند که هر انسانی یک عالمی دارد برای خودش، یک ماجرای دارد برای خودش، یک فکری دارد، یک هدفی دارد؛ همه [دارند]. شما پهلوی هر کسی بنشینید و شرح حالش را برایتان بگویند، آرزوهایش را برایتان بگویند، یک دنیا است. در هر زندگی‌ای نکاتی وجود خواهد داشت و این [کسی] که شهید شده و این مقام شهادت را به دست آورده و فداکاری کرده، آن نکاتش قابل ارائه است. اینها را باید استخراج کنید، باید ارائه کنید تا بماند.

محور چهارم / فتح الفتوح
جمع‌بندی: تبیین سبک زندگی و شرح حال شهدا

۴
۳



نسبت شهدا با مسائل مهم و مطرح امروز

۱

توجه به سبک زندگی اسلامی رزمندگان و شهدا

۲

رزمنده ایرانی در مقابل چشم مردم دنیا

۳

استخراج و ارائه عالم و دنیای هر شهید

۴

توجه ویژه به نقش خانواده شهدا

۵



دوگانه تفرقه انگیز ایرانیّت-اسلامیّت

• • • • •

عنوان شهید؛ ابطال کننده تضاد

*





بدانیم...

یکی از تلاش‌های مستمر جریان‌های فکری و رسانه‌ای معارض جمهوری اسلامی، القای تقابل و تضاد میان ایرانیت و اسلامیت است؛ دوگانه‌ای مصنوعی که هدف آن، تضعیف هویت ملی - دینی ملت ایران و ایجاد شکاف در بنیان‌های فکری و تاریخی انقلاب اسلامی است.

در این محور از روایت جنگ تحمیلی، بر این نکته تأکید می‌شود که خود جنگ، و به‌ویژه پدیده شهادت، پاسخی عملی و تاریخی به این ادعاست. ملت ایران در دفاع مقدس نشان داد که مسئله‌ی ملیّت و مسئله‌ی اسلامیت نه تنها در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه در هم‌افزایی و امتزاجی عمیق، زمینه‌ساز مقاومت، ایثار و پیشرفت‌اند. عنوان «شهید» در این میان جایگاهی کلیدی دارد؛ کلمه‌ای که در آن مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و ملی و انسانی نهفته است.





کلمه شهید، مجموعه ارزشهای دینی و ملی و انسانی

راجع به شهادت؛ عنوان «شهید» یک عنوانی است که نباید از آن آسان عبور کرد. در کلمه‌ی «شهید»، مجموعه‌ای از ارزشهای دینی و ملی و انسانی نهفته است. وقتی شما میگویید «شهید»، در واقع این کلمه یک کتاب است؛ مجموعه‌ای از معارف دینی در این کلمه هست، مجموعه‌ای از معارف ملی در این کلمه هست، مجموعه‌ای از معارف و مکارم اخلاقی در این کلمه هست؛ این کلمه خیلی کلمه‌ی مهمی است.



شهید، اقوام و شهرها را به هم گره می زند

معارف ملّی، شهید و شهادت از جمله‌ی چیزهایی است که هویت ملّی را برجسته میکند و رتبه‌ی هویت ملّی را بالا میبرد... تأمین‌کننده‌ی مصالح ملّی است؛ همان تقویت هویت که گفتیم. شهادت فی سبیل الله مصالح ملّی را و منافع ملّت را تأمین میکند.

شهادت میتواند همدلی ایجاد کند. شما الان نگاه کنید به کشور خود ما؛ خب کشور ما یک مجموعه‌ای از قومیت‌های مختلف است دیگر؛ زبان‌های مختلف، قومیت‌های مختلف: فارس داریم، ترک داریم، عرب داریم، لُر داریم، بختیاری داریم و امثال اینها، اقوام گوناگون؛ یک نخ تسبیحی اینها را به هم وصل کرده که بخشی از این نخ تسبیح همان شهادت است. شما در هر شهری بروید، می‌بینید نام شهیدی یا شهیدانی در این شهر برجسته است. فرض کنید در شمال این کشور، در جنوب این کشور، شرق کشور، غرب کشور، در هر شهری شما بروید، نام شهیدانی هست که برجسته است. این شهرها ممکن است از هم خیلی خبر نداشته باشند، اما شهیدان اینها در یک جا با یک هدف در یک صف به شهادت رسیدند. مثلاً شهیدی که مربوط به جنوب کشور است با شهیدی که برخاسته‌ی از شمال کشور یا شرق کشور است، همه در یک صف بودند، برای یک هدف شهید شدند؛ برای عزّت اسلام، برای عظمت جمهوری اسلامی، برای تقویت ایران، برای اینها شهید شدند، برای هدف واحدی شهید شدند. این، این اقوام را، این شهرها را، این مناطق را به هم گره میزند، به هم پیوند میدهد؛ خاصیت شهادت است.



>> ۱۴۰۱/۸/۸

شهید، تجسم معارف اخلاقی

در مورد معارف اخلاقی و مکارم اخلاقی انسانی - با قطع نظر از دین - که در کلمه‌ی «شهید» نهفته است؛ [مثلاً] فداکاری. شهادت مظهر فداکاری است. کسی جان خودش را برای آسایش دیگران می‌دهد؛ شهید امنیت، جان خودش را می‌دهد برای اینکه دیگران در امنیت زندگی کنند... این فداکاری یک اخلاق [برجسته] است؛ با قطع نظر از هر دین و مذهب و عقیده‌ی دینی‌ای، انسانها این را اهمیت می‌دهند. [شهادت]، شجاعت را تداعی میکند. بنابراین، کلمه‌ی «شهید» تجسم این همه معارف اخلاقی است.

>> ۱۴۰۱/۸/۸

اولین تذکر شهید، جهاد فی سبیل الله

اما مسائل دینی؛ اولین چیزی که شهید به یاد انسان می‌آورد، جهاد فی سبیل الله است؛ شهید در راه خدا حرکت کرده، مجاهدت کرده، به شهادت رسیده... از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده که قیمت جان شما خیلی بالا است، آن را نفروشید مگر به بهشت. این جان خیلی قیمت دارد؛ قیمت وجود شما خیلی بالا است؛ این را فقط به بهشت بفروشید؛ به هیچ چیزی کمتر از بهشت [نفروشید] که خدای متعال هم خریدارش است؛ جان مال خدا است، خدا هم خریدارش است. إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ؛ پس از یک طرف معامله‌ی با خدا است.



جنگ و شهید ابطال کننده عملی تضاد اسلامیت و ایرانیت

از اوّل انقلاب، یک گروهی سعی میکردند گرایش به ملیّت را و نام ایران را و بزرگداشت ایران را در مقابل گرایش اسلامی و انقلابی قرار بدهند و تفکیک کنند بین مسئله‌ی ملیّت و مسئله‌ی اسلامیت. جنگ، دفاع مقدّس و شهدای عزیز ما این وسوسه‌ی باطل را به طور واضح و به صورت عملی ابطال کردند. امتحانِ بزرگِ جنگ پیش آمد، به مرزهای کشور حمله شد، ایران مورد تهاجم قرار گرفت، آن هم نه فقط تهاجم یک دولت و یک همسایه، [بلکه] یک تهاجم بین‌المللی به معنای واقعی کلمه که مکرّر این را عرض کرده‌ایم؛ آن کسانی که ادّعا میکردند طرفدار ایران هستند، از ترس درون خانه‌های خودشان خزیدند و حاضر نشدند یک قدم برای دفاع از مرزهای کشور بردارند، بعضی‌هایشان هم که گذاشتند رفتند از کشور؛ همان کسانی که مدّعی طرف‌داری از ایران و ایرانیت بودند! چه کسی از مرزها دفاع کرد؟ بچه‌مسلمان‌ها، نماز شب‌خوان‌ها، چیت‌سازیان‌ها، سلگی‌ها، لشکر انصارالحسین؛ اینها دفاع کردند، اسلام دفاع کرد از مرزهای ایران. اسلامیت و ایرانیت دو قطب متضاد نیستند، یک حقیقتند. هر کسی طرفدار اسلام شد، هر کسی سرباز اسلام شد، از هر ارزشی - از جمله ارزش میهن و وطن - به طور طبیعی دفاع میکند. حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ؛ این از ایمان است.



محور پنجم / دوگانه تفرقه انگیز ایرانیت -اسلامیت

جمع‌بندی :عنوان شهید؛ ابطال کننده تضاد



جنگ و شهدا ابطال کننده عملی تضاد اسلامیت و ایرانیت

۱

کلمه شهید، مجموعه ارزشهای دینی و ملی و انسانی

۲

ارتقاء هویت ملی، تأمین منافع ملی، همدلی و وحدت ملی با عنوان شهید

۳

ارزش دینی شهید، جهاد فی سبیل الله

۴

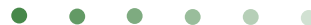
تجسم معارف اخلاقی در عنوان شهید

۵



محور ششم

ملت تاریخی



تبیین تاریخ، هویت و شاخصه های ویژه ملت ایران

*



بدانیم...



از آنجایی که میدان جنگ؛ بهترین بستر گزارش خصوصیات یک ملت است؛ در روایت جنگ تحمیلی، یکی از ضروری‌ترین مباحث، پرداختن به حقیقت «ملت ایران» است؛ ملتی با پیشینه‌ای کهن، تمدنی ریشه‌دار و هویتی مقاوم و الهام‌بخش. ششمین محور از روایت جنگ، ضرورت تلاش برای ارائه تصویری روشن از تاریخ، هویت و شاخصه‌های ممتاز ملت ایران را بیان می‌کند؛ ملتی که تسلیم ناپذیری در رفتار، اندیشه، منطق و روحیه اوست.



محور ششم / ملت تاریخی تبیین تاریخ، هویت و شاخصه های ویژه ملت ایران



مجسمه آرش کمانگیر، میدان ونک تهران

اسم تسلیم برای ایران، مایه استهزاء است

ایرانِ با عظمت، ایرانِ با این تاریخ، ایرانِ با این فرهنگ، ایرانِ با این عزم پولادین ملّی، اسم «تسلیم» برای یک چنین کشوری مایه ی استهزاء کسانی است که ملّت ایران را می شناسند.

>> ۱۴۰۴/۴/۵

میدان جنگ؛ بهترین بستر گزارش خصوصیات یک ملت

در امتحانهای بزرگ، مثل جنگ، آشکار می‌شود. فرصتهایی که برای جهش یک ملت در داخل یک کشور وجود دارد، در جنگ معلوم می‌شود. مثلاً ما در جنگ فهمیدیم که ملت ما یک فرصت فوق‌العاده دارد؛ یک فرصت ملی و آن این است که مردم احساس مسؤولیت دارند. مردم ایران این‌گونه‌اند. شاید همه‌ی مردم دنیا این‌طور نباشند... هیچ صحنه‌ای مثل صحنه‌ی جنگ، برای گزارش خصوصیات یک ملت و همه‌ی چیزهایی که در گزاره‌ی تاریخی مورد نظر است، مناسب نیست. شما هر هدفی از گزارش تاریخ دارید، آن هدف را در گزارش میدان جنگ، بهتر می‌توانید به دست آورید.

»» ۱۳۷۲/۶/۲۹

ثروت فرهنگی و تمدنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا است

ملت ایران ملت بزرگی است، ایران کشور قوی و پهنای است، ایران دارای تمدن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل‌گویی‌های غلطی است که یقیناً مایه‌ی استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. ملت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی. و امیدواریم خدای متعال این ملت را در زیر سایه‌ی الطاف خودش همیشه با عزت و شرف محفوظ بدارد.

»» ۱۴۰۴/۴/۵

ایستادگی ملت ایران مقابل جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی

ملت ایران در مقابل جنگ تحمیلی محکم می‌ایستد - همچنان که تا حالا ایستاده - در مقابل صلح تحمیلی (هم) محکم می‌ایستد. ملت ایران در مقابل تحمیل، تسلیم هیچ کس نمیشود. من انتظار دارم که صاحبان فکر و صاحبان بیان و قلم، بخصوص مرتب‌ترین با افکار عمومی جهانیان، این معانی و این مفاهیم را بیان کنند، تبیین کنند، برای مخاطبین روشن کنند، اجازه ندهند که دشمن با تبلیغات فریب‌کارانه‌ی خودش حقیقت را دگرگون جلوه بدهد.

»» ۱۴۰۴/۴/۵

تسلیم ناپذیری در رفتار، اندیشه، منطق و روحیه ملت ایران

»» ۱۴۰۴/۳/۲۸

تهدید را به کسی بکنند که از تهدید آنها میترسد. ملت ایران نشان داده که در مقابل تهدید تهدیدکنندگان دچار ترس نمیشود. وَ لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ملت ایران به این معتقد است. تهدید، در رفتار ملت ایران و در اندیشه‌ی ملت ایران، تأثیر نمیگذارد. ثانیاً اینکه به ملت ایران بگویند بیا باید تسلیم بشوید، حرف عاقلانه‌ای نیست. افراد باخرد که می‌شناسند ایران را، می‌شناسند ملت ایران را، می‌شناسند تاریخ ایران را، هرگز چنین حرفی را بر زبان جاری نمیکنند. تسلیم چه چیزی بشوند؟ ملت ایران تسلیم‌شدنی نیست. ما تعرّض به کسی نکردیم و به هیچ وجه تعرّض احدی را هم قبول نمیکنیم و تسلیم تعرّض هیچ کس نمیشویم؛ این منطق ملت ایران است، این روحیه‌ی ملت ایران است.



رفتار ملت ایران؛ بی نظیر در تاریخ معاصر

>> ۱۳۷۹/۷/۶

این ملت آنچه که داشت، در طبق اخلاص گذاشت و آمد. مرد روستایی و زن روستایی، مرد و زن مستضعف شهری، خانواده‌های گوناگون، جوانهای فراوان، قشرهای مختلف، سازمانهای رزمنده کشور - ارتش، سپاه، حتی نیروی انتظامی و بسیج عظیم مردم - همه اینها آمدند وارد میدان شدند. حقیقتاً ملت ایران در آن هشت سال، کار بزرگی را انجام داد. در تاریخ این چندین قرن که میتواند به مسائل امروز ما متصل شود، بنده سراغ ندارم که ملت ایران این گونه با طوع و رغبت وارد یک ماجرای عظیم نظامی شده باشد و از دل و جان مایه گذاشته باشد؛ با ایمان خود، با عاطفه خود، با دست خود. در دورانهای مختلف، حتی در دوران صفویه که جنگهای بزرگ و کارهای بزرگی هم شد، این چیزهایی که امروز ما مشاهده میکنیم، اصلاً وجود نداشته است.

محور ششم / ملت تاریخی

جمعندی : تبیین تاریخ، هویت

و شاخصه های ویژه ملت ایران





- ۱ میدان جنگ؛ بهترین بستر گزارش خصوصیات یک ملت
- ۲ ملت برجسته و شناخته شده ایران
- ۳ ایستادگی ملت ایران مقابل جنگ تحمیلی و صلح تحمیلی
- ۴ تسلیم ناپذیری در رفتار، اندیشه، منطق و روحیه ملت ایران
- ۵ رفتار ملت ایران؛ بی نظیر در تاریخ معاصر
- ۶ ایران عزیز، شریف، بزرگ، قوی، پهناور، با تمدن کهن، همیشه پیروز و مقاوم



فرصت ها و برکات جنگ

(محور شوق انگیز)

• • • • •

بیان فرصت ها و برکات جنگ

۱

پاسداری از فرصت ها و برکات جنگ

۲



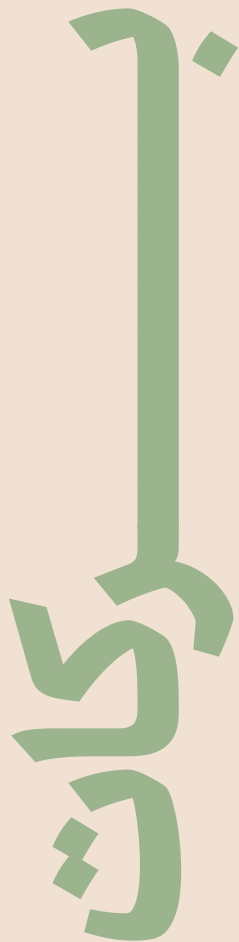
بدانیم...



فصل شورانگیز روایت جنگ، فصل فرصت‌ها و برکات است. اگرچه جنگ همواره با تلخی‌ها و خسارت‌هایی همراه است، اما قدرت انقلاب و رهبری و خصوصیات ملت ایران باعث شده است که در دل تهدیدهای جنگ، گنجینه‌ای عظیم از فرصت‌ها و برکات بوجود بیاید.

در بخش نخست محورهفتم، به بیان فرصت‌ها و برکاتی پرداخته می‌شود که دفاع ملت ایران در برابر تهاجم دشمن پدید آورده است؛ از بروز و شکوفایی خصائص ملت ایران و افزایش اتحاد ملی، تا رشد اقتدار نظامی، ارتقای سرمایه انسانی، تقویت خودباوری، نوآوری فنی و علمی، تثبیت گفتمان مقاومت و آشکار شدن ماهیت حقیقی تمدن غرب. رهبر معظم انقلاب معتقدند این فصل، برای اکثر مردم ناشناخته است و نیاز به کار زیاد دارد.

بخش دوم این محور، به ضرورت پاسداری از این سرمایه‌های معنوی، فرهنگی و راهبردی می‌پردازد؛ چراکه تداوم برکات دفاع مقدس، نیازمند صیانت آگاهانه، بازتولید هوشمندانه و بهره‌گیری فعالانه از آن‌ها در مواجهه با چالش‌های امروز و فردای ایران است.



**تبدیل تهدید جنگ به فرصت؛ فصل شورانگیز**

حقیقت دوم که آن هم بسیار حقیقت مهمی است، این است که این سه عنصرِ قدرت انقلاب [یعنی] آن اقتدار عظیم انقلاب و آن قدرت جوشان انقلاب، و رهبری امام که عنصر بسیار مهم و مؤثری بود، و خصوصیات برجسته‌ی ملت ایران - که حالا [در مورد] آن خصوصیات برجسته ممکن است اگر یادماند و وقت باشد، مختصری عرض کنم - موجب شد که این تهدید تبدیل بشود به فرصت. جنگ حادثه‌ی تلخی است، یک تهدید قطعی است اما فوران انقلاب و قدرت انقلاب و رهبری امام و خصوصیات ملت ایران توانست این تهدید بزرگ را تبدیل کند به فرصت بزرگ که این یکی از آن فصلهای شورانگیز دفاع مقدس است؛ در این زمینه خیلی باید کار بشود؛ خیلی باید کار بشود. فرصتهایی که در اثر دفاع مقدس برای کشور پیش آمد، برای اکثر مردم ناشناخته است.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

اقتدار نظامی کشور

یک دستاورد دیگر، یکی از موارد تبدیل تهدید به فرصت، مسئله‌ی اقتدار نظامی کشور بود... دفاع مقدس توانست از طرفی، آزمون وفاداری ارتش جمهوری اسلامی به نظام مقدس اسلامی بشود که توانایی‌های خودش را به میدان آورد و شخصیت‌های برجسته‌ای از آن، کارهای بزرگی انجام دادند؛ از یک طرف، سپاه به عنوان یک حقیقت درخشنده سر برآورد و طلوع کرد. اگر دفاع مقدس نبود، ممکن بود حتی جسم سپاه و پیکره‌ی سپاه هم باقی نماند؛ مثلاً سرنوشتی مثل کمیته‌ها پیدا کند. دفاع مقدس بود که توانست سپاه را با این نظم، با این انتظام، با این تدبیر بیاورد وسط میدان.

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰



دفاع مقدس مردم را یکپارچه کرد

>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

یک دست‌آورد دیگر، اتحاد ملت بود. آنهایی که آن زمان را یادشان است میدانند، در سطوح بالای سیاسی کشور ایجاد اختلاف صورت می‌گرفت؛ در هنگامی که جنگ شروع شد، یکی از مشکلات ما آن وقت همین بود: اختلافات بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر به خاطر بداخلاقی‌ها و کج‌رفتاری‌های رئیس‌جمهور که مردم را به دو قسمت تقسیم کرده بودند و در واقع داخل خانواده‌ها حتی دودستگی و دوفرقگی و اختلاف به وجود آورده بودند.

گروهک‌ها هم به نفع خودشان همین‌طور مشغول ایجاد تفرقه بودند؛ مردم را گروه‌گروه می‌کردند. دفاع مقدس آمد و مردم را یکپارچه کرد، دفاع مقدس مردم را متحد کرد؛ همه‌ی کشور پشت [سر] دفاع مقدس یکپارچه شد. البته همیشه استثناهایی وجود دارد اما احاد مردم، بدنه‌ی مردم یکپارچه شدند و همه در خدمت دفاع مقدس قرار گرفتند.

>> ۱۴۰۴/۴/۲۵

اتحاد عظیم ملی

در تلویزیون، اظهارات افراد مختلف را مشاهده کردید دیگر، که با ظاهرهای گوناگون، چهره‌های گوناگون، لباسهای گوناگون که هیچ به نظر هم نمی‌آید اینها حاضر باشند این جور فداکارانه حرف بزنند؛ البته حرف با عمل فاصله دارد اما خود نفس حرف زدن، آن انگیزه‌ای که موجب میشود انسان حرف بزند، وجود دارد؛ این خیلی مهم است. کسی باور نمی‌کرد و شد و اتفاق افتاد. این افراد، همه با جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون، با جهت‌گیری‌های سیاسی گاهی متقابل، با وزن مذهبی کاملاً متفاوت، در کنار هم ایستادند و این وحدت بزرگ را، این اتحاد عظیم ملی را به وجود آوردند.



>> ۱۴۰۱/۶/۳۰

میدان بروز خصوصیات ملت ایران

دفاع مقدس میدان بروز باورهای دینی و سجایای اخلاقی ملت ایران شد. یک خصوصیتی در ملت‌ها هست که حالا [ناشی از] آثار تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی یا اقلیمی است - هر چه هست - ملت‌ها خصوصاتی دارند که گاهی این خصوصیات بروز نمیکند؛ یعنی عرصه‌ای برای بروز پیدا نمیکند. دفاع مقدس عرصه‌ای شد برای بروز برترین سجایای ملت ایران؛ این گذشتها، این مجاهدتها، این دین‌باوری‌ها؛ چه کسی باور میکرد؟ چه کسی تصوّر میکرد؟

همه‌ی کشور در واقع شد عمق دفاعی جبهه‌ها. صف اول جبهه‌ها جنوب کشور و غرب کشور بود اما همه‌ی کشور شد عمق دفاعی این صف اول؛ چه آنهایی که رفتند جنگ، چه آنهایی که پشتیبانی کردند، چه آنهایی که همراهی فکری کردند، چه آنهایی که تشویق و تحریص کردند، همراهی زبانی کردند، چه آنهایی که نشستند مبنای دینی جنگ را مشخص کردند؛ اینها همه پشتیبانی کردند؛ اینها خصوصیات برجسته‌ی ملت ایران بود؛ اینها ظاهر شد، بروز کرد. پشتیبانی‌ها، هدایای مردمی؛ شهر و روستا، مسجد و هیئت، حوزه و دانشگاه، همه‌وهمه در خدمت جنگ قرار گرفتند؛ در خدمت دفاع، در خدمت انقلاب قرار گرفتند؛ این [دست‌آورد]، بروز خصوصیات ملت ایران بود.

ملت ایران عظمت توانایی‌های خودش را کشف کرد... ما خودمان را نمی‌شناختیم، دیگران هم ما را نمی‌شناختند، دنیا هم ما را نمی‌شناخت؛ در دفاع مقدس، هم ما خودمان، خودمان را شناختیم و هم دیگران ما را شناختند؛ آنهایی که در دنیا صاحب ادّعا بودند فهمیدند.

>> ۱۴۰۲/۶/۲۹

>> ۱۴۰۲/۶/۲۹

نهادینه شدن فرهنگ مقاومت در کشور

یکی از آثار دفاع مقدس، رشد و استحکام فکر مقاومت در داخل خود کشور است. عزیزان من! سی و چند سال از جنگ می‌گذرد، ما در این سی و چند سال خیلی تهاجم داشتیم، خیلی فتنه‌انگیزی داشتیم؛ در بخشهای مختلف، خیلی‌هایش را آحاد مختلف مردم توجّه نکردند لکن داشتیم؛ بعضی‌هایشان هم جلوی چشم همه بوده که شما در سالهای مختلف مشاهده کردید. همه‌ی این فتنه‌ها در مقابل ملت ایران ناکام ماند؛ چرا؟ چون ملت ایران فرهنگ مقاومت را در خود نهادینه کرده. این سی و چند سال نهادینه شدن فرهنگ مقاومت در کشور ناشی از مقاومت هشت‌ساله‌ی دفاع مقدس است.



>> ۱۳۹۹/۶/۳۱

نوآوری فنی و علمی

بعد، این حرکت به سمت نوآوری فنی و علمی را هم ما در دفاع مقدّس به دست آوردیم؛ چون در دفاع مقدّس نیاز داشتیم به خیلی چیزها و در اختیارمان نبود، امکاناتش را نداشتیم و نیروهای مؤمن، فداکار رفتند به فکر اینکه درست کنند. مثلاً فرض کنید مرحوم شهید حسن [تهرانی] مقدّم در همان اوقات، در یک بخشی این ماجرای موشک‌سازی را به یک شکلی راه انداخته بود که ایشان و دیگران به ما گفتند بیاید بازدید کنید؛ رفتیم آنجا دیدیم که بله اینها شروع کرده‌اند. خب ما احتیاج به موشک داشتیم، موشک هم به ما داده نمیشد، دشمن هم موشک داشت، با موشک میزد، این ما را -یعنی نیروهای مستعدّ ما را- به فکر انداخت که یک کاری بکنند؛ و [این کار را] کردند و خوبش را هم کردند و به بهترین وجهی هم از عهده برآمدند تا امروز که خب مشخص است. بنابراین، این هم حرکت به سمت نوآوری.



**اثبات اینکه
بازدارندگی با
مقاومت است؛
نه تسلیم!**

یک مسئله‌ی دیگر که این هم جزو همین مصادیق تبدیل تهدید به فرصت است، این است که دفاع مقدّس یک اصل را برای ملت ایران ثابت کرد و آن اصل، این است که صیانت کشور و بازدارندگی کشور از دست‌اندازی دشمن با مقاومت به دست می‌آید نه با تسلیم؛ این شد یک اصل.

» ۱۴۰۱/۶/۳۰

اقدام به کارهای بظاهر نشدنی

اقدام به کارهای بظاهر نشدنی؛ این هم از چیزهایی بود که دفاع مقدّس به ما یاد داد. دفاع مقدّس این سرمایه را برای ما به وجود آورد که بدانیم بعضی کارها هست که بظاهر نشدنی است اما در واقع اگر همت کنیم، شدنی است؛ این را ما در دفاع مقدّس یاد گرفتیم، این هم یکی از سرمایه‌های ما است.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱

**امنیت کشور به
برکت دفاع مقدّس**

امنیت کشور به برکت دفاع مقدّس است؛ یعنی دفاع مقدّس نشان داد که هزینه‌ی تعرّض و تجاوز به این کشور خیلی زیاد است. این به برکت دفاع مقدّس ثابت شد؛ این، امنیت می‌دهد به یک کشور. وقتی یک ملت نشان داد که همت و قدرت دفاع از خودش را دارد و پاسخ‌گوینده به متجاوز می‌دهد، موجب می‌شود که متجاوز در تجاوز خودش به این کشور و این ملت تأمل کند و اگر بخواهد عاقلانه عمل کند، بفهمد که به‌صرفه‌اش نیست، برایش خیلی هزینه دارد؛ این امنیت مربوط به آن است.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱



حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت در نسل جوان و جامعه

یکی از بزرگ‌ترین فواید این جنگ هشت ساله و دفاع هشت‌ساله، حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و حرکت، در نسل جوان ما و در جامعه‌ی ما بود. اگرچنانچه این حرکت جهادی و فداکارانه به وجود نمی‌آمد، روحیه‌ی انقلابی در آن اوایل که هنوز عمق زیادی هم پیدا نکرده بود، در معرض تپاول (۳) قرار می‌گرفت. بله، امام بزرگوار حضور داشت و شخصیت ایشان یک شخصیتی بود که خیلی از چیزها را تضمین میکرد؛ لکن خطرات، خطرات سنگینی بود؛ روحیه‌ی انقلابی قطعاً در معرض تهدید قرار می‌گرفت. انقلاب با حضور در صحنه‌ی دفاع مقدّس، ماندگار شد.

»» ۱۳۹۹/۶/۳۱

افزایش محبوبیت نیروهای مسلح

محبوبیت نیروهای مسلح افزایش پیدا کرد. وقتی که در یک کشوری مردم به نیروهای مسلح علاقه پیدا میکنند، محبت پیدا میکنند، احساس امنیت در آن کشور به وجود می‌آید؛ وقتی مردم خاطرشان از ارتش و سپاه جمع است، طبعاً یک احساس امنیتی در مردم به وجود می‌آید. خیلی مهم است این احساس امنیت، و این اتفاق افتاد؛ دفاع مقدّس این احساس امنیت را به آنها داد. و البته این را همین جا که مسئولین محترم ارتش و سپاه حضور دارند عرض بکنم که این محبوبیت و این اقتدار تا وقتی است که نیروهای مسلح، حرکت پیش‌رونده‌ی خودشان را با همان شتابی که دارند حفظ کنند؛ یعنی بایستی از دشمن عقب نمانند.

»» ۱۴۰۱/۶/۳۰



یک اتفاق بزرگی در دفاع مقدّس پیش آمد و آن اینکه توانایی‌ها و ظرفیتهای ملت ایران را برای دنیا آشکار کرد؛ یعنی رسانه شد. رسانه‌های دنیا همه علیه ما بودند، رسانه‌های دنیا علیه انقلاب بودند؛ البته امروز هم همین جور است، آن روز هم همین جور بود. اوایل انقلاب، رسانه‌های رسمی دنیا یا دروغ میگفتند یا نقاط مثبت را کتمان میکردند یا تهمت میزدند [به همه] از شخص امام گرفته تا دولت جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و آحاد مردم و قوّه‌ی قضائیه و همه و همه، تا نیروهای مسلّح، تا دیگران؛ دائم علیه اینها کار میکردند و میخواستند ملت ایران را در چشم مردم دنیا یک ملت ناپسندی معرّفی کنند.

دفاع مقدّس، رسانه‌ی کاملاً رسایی شد، صدای بلندی شد برای اینکه حقایقی را از ملت ایران نشان بدهد؛ وجهه درست کرد برای ملت ایران و شجاعت ملت را، مقاومت ملت را نشان داد به همه‌ی دنیا؛ این واقعاً اتفاق عجیب و مهمّی بود؛ همبستگی ملّی ما را نشان داد، پشتیبانی‌های پشت جبهه‌ی ما را به دنیا نشان داد و اینها را همه فهمیدند، و دروغ‌پردازی‌های دشمن را روشن کرد.

به ملت ما روحیه‌ی خودباوری داد. این خودباوری در بین جمع کثیری از مردم که خوشبختانه امروز شما در میدان علم و در میدانهای گوناگون -[یعنی] ساخت‌وساز و دیگر چیزها- گاهی مشاهده میکنید، عمدتاً به خاطر دفاع مقدّس است؛ یعنی فرض کنید که یک جوان بیست و چندساله با اقتدار تمام، با اطمینان به نفس تمام، یک جمعیتی را، یک لشکر را دنبال خودش راه می‌انداخت میرفت و به دشمن ضربه‌ی قاطع میزد؛ این به مردم احساس خودباوری میدهد، احساس اطمینان به نفس میدهد. و دفاع مقدّس توانست ثابت کند که ملت ایران از ورطه‌هایی مثل ورطه‌ی جنگ تحمیلی میتواند با سربلندی، سر بلند کند.



ارتقای سرمایه انسانی

و از این گذشته سرمایه‌های انسانی ما را ارتقا داد؛ خوشبختانه از عناصر حاضر در هشت سال دفاع مقدّس، بعدها -[یعنی] امروز و دیروز و ان‌شاءالله در آینده- افراد بی‌شماری در بخشهای مختلف و گوناگون کشور مشغول خدمتگزاری بوده‌اند و هستند که یک نمونه‌اش شهید سلیمانی عزیز ما بود که خب در عرصه‌ی دیپلماسی و بین‌المللی و مانند اینها، در منطقه یک فعالیت شگفت‌آوری داشت؛ یعنی واقعاً حالا هنوز دوستان و برادران مؤمن و ملت عزیز ایران از سعه و گستره‌ی کار شهید سلیمانی مطلع نیستند؛ از یک چیزهایی [مثل این] که در مثلاً فلان جبهه بوده و حضور داشته آگاهند؛ ریزه‌کاری‌های کار او خیلی بیش از این حرف‌ها است که حالا شاید ان‌شاءالله در آینده این ریزه‌کاری‌ها بتدریج آشکار بشود. این یک سرمایه‌ی انسانی بود که در جنگ درست شد؛ یعنی پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها، در جنگ، در دوران دفاع مقدّس گذاشته شد. این هم یک نکته.

**کلاس درس ایستادگی برای ملت‌ها**

ایستادگی او، ایستادگی درس‌آموز است؛ ایستادگی معمولی نیست، ایستادگی‌ای است که می‌تواند برای ملت‌های دیگر، به عنوان الگو و سرمشق به حساب بیاید؛ کما اینکه به حساب آمد؛ هم فلسطینی‌ها به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم لبنانی‌ها در طول این سال‌ها مکرر به ما گفتند که ما از شما یاد گرفتیم؛ هم ملت‌هایی که نامسلمان بودند و مسلمان شدند یا مسلمان بودند و پیرو مکتب اهل بیت شدند، مکرر در مکرر از جاهای مختلف گفته‌اند که ما از جنگ شما، از دفاع شما و از ایستادگی شما، به صدق شما پی بردیم. حقیقتاً دوران دفاع مقدس، چنین دورانی بود و دفاع مقدس، حامل یک چنین مضمونی بود.

برملا شدن ذات و واقعیت بزرگ‌شده‌ی تمدن غرب

یک نکته‌ی دیگر در باب دفاع مقدس این است که ما را با ذات و واقعیت بزرگ‌شده‌ی تمدن غرب آشنا کرد؛ البته چون ملت ایران قبلاً لطمه خورده بود از غربی‌ها - از انگلیس‌ها یک جور، از آمریکایی‌ها یک جور - آشنا بودند تا حدودی اما نه به قدری که در دفاع مقدس دیده شد.

البته در گذشته صحنه‌های زیادی بوده که ملت ایران عناد و خیانت دولتهای غربی را از نزدیک دیده بودند؛ مثل همین اشغال بخشهایی از کشور بعد از جنگ جهانی اول، اشغال بخشهایی بعد از جنگ جهانی دوم، شیطنت‌ها و شرارتهای انگلیس‌ها در جنوب، در بوشهر و در خلیج فارس، در قضیه‌ی جنگ ایران و بعضی از قدرتهای دیگر و همین طور در قضیه‌ی افغانستان؛ دیده بودند خیانت‌های دولتهای غربی را، اما نه به قدری که در دفاع مقدس دیده شد. آنچه در دوران دفاع مقدس دیده شد، اگر نگوییم بیشتر از آن چیزی بود که در گذشته در طول سالیان دراز از غربی‌ها دیده بودیم، کمتر [هم] نبود؛ برابری میکرد یا بیشتر بود.



ارسال پیام ایستادگی و مقاومت به بیرون

یک دستاورد دیگر در دفاع مقدّس این بود: دفاع مقدّس مرزهای ما را گسترش داد. منظورم مرزهای جغرافیایی نیست؛ ما دنبال آن هم نبودیم که مرزهای جغرافیایی را گسترش بدهیم؛ نه آن روز، و نه امروز، دنبال گسترش مرز جغرافیایی نیستیم؛ مرزهای دیگر ما را گسترش داد. مثلاً مرز «مقاومت» را گسترش داد؛ این یک نمونه است. امروز مفهوم مقاومت و عنصر مقاومت، یک عنصر جاافتاده است؛ در فلسطین مقاومت است، در منطقه‌ی غرب آسیا، در کشورهای گوناگون مقاومت است، در عراق مقاومت است، در ایران و در جاهای مختلف مقاومت است؛

»» ۱۴۰۲/۶/۲۹

این عنوان مقاومت را دفاع مقدّس در دنیا مطرح کرد و پیش برد و در خیلی از جاهای دنیا جا انداخت. شاید خود ماها هم به آسانی باور نکنیم که کارهای ملت ایران در کشورهای دوردست تأثیر گذاشته؛ لکن تأثیر گذاشته، ما اطلاع داریم. بنده نمیخواهم اسم کشورها را بیاورم؛ هم در منطقه‌ی شرق [یعنی] منطقه‌ی آسیا، هم در آفریقا، هم در آمریکای لاتین، خیلی از کارهای ملت ایران برای افراد زیادی از آنها الگو شد؛ این گسترش مرزها است. مرز فکری ما و مرز معرفتی ما گسترش پیدا کرد. این مهم‌ترین موقّعیّت یک ملت است که بتواند فرهنگ خودش را، معارف خودش را، دانسته‌ها و خواسته‌های خودش را در دنیا گسترش بدهد؛ این اتفاق عمدتاً به وسیله‌ی دفاع مقدّس افتاد؛ این هشت سال دفاع مقدّس در این مورد معجزه کرد.





>> ۱۴۰۳/۲/۲۶

گسترش مرزهای فکری و معرفتی ایران اسلامی

علاوه بر اینکه غیر از داخل کشور، این پیام را به بیرون از مرزهای کشور هم فرستاد، [یعنی] پیام ایستادگی و مقاومت را. امروز این مورد اعتراف و قبول خیلی از صاحب نظرها است که بسیاری از این حوادثی که این روزها در دنیا دارد به نفع فلسطین انجام میگیرد، نشئت گرفته‌ی از روح انقلاب اسلامی و روح جمهوری اسلامی است. ما ممکن است این را احتیاط کنیم، ملاحظه کنیم و نتوانیم صریح بگوییم اما دیگران این را صریح میگویند، این را به صراحت بیان میکنند. و خوب ملاحظه میکنید این اتفاقاتی که امروز در دنیا دارد به نفع فلسطین می افتد، همان حرفهایی است که ملت ایران زده اند، همان حرفهایی است که امام فرمود، همان شعارهایی است که از دل مردم جوشید، به زبان آنها رسید و بیان شد و امروز در سطح منطقه و در سطح دنیا دارد بیان میشود. شما ببینید دانشگاه‌های آمریکا را! شنیدم حدود دویست دانشگاه در آمریکا الان دستخوش همین حرکت دانشجوها است؛ این چیز خیلی مهمی است.



۷۱

با تمام شدن دفاع مقدّس شاید بعضی تصوّر میکردند که مطلب تمام شد، [ولی] تمام نشد. دلیلش این است که شما بعد از گذشت مثلاً سی و چند سال از پایان دفاع مقدّس می‌بینید که جوان شما با انواع و اقسام شیوه‌ها و ترفندها سعی میکند خودش را به میدان جنگ با رژیم صهیونیستی، یا با داعش که دست‌نشانده‌ی استکبار و آمریکا و دیگران است برساند، و میرساند؛ این خیلی چیز مهمی است. یا فرض بفرمایید در این حوادث فتنه‌هایی که در تهران، در بعضی از سالهای گذشته اتفاق افتاد، چه کسی در مقابل این فتنه‌ها ایستاد؟ جوانها بودند. این جوانها نه جنگ را دیده بودند، نه امام را دیده بودند، اما به میدان آمدند و همه‌ی این فتنه‌ها را خنثی کردند؛ تدابیری که دشمنان اندیشیده بودند برای اینکه انقلاب را از پا دریاورند و مشکل برای کشور و برای انقلاب درست کنند، این تدابیر را خنثی کردند. فتنه‌ی سال ۸۸، بعدها، قبلها، آنچه اتفاق افتاد، چه کسی اینها را، این فتنه‌ها را خاموش کرد؟ همین جوانها بودند دیگر. حالا یا در قالب بسیج یا سپاه یا نیروی انتظامی، در قالبهای مختلف وارد میدان شدند و تلاش کردند و کار کردند. این از برکات مجاهدت دوران دفاع مقدّس است؛ یعنی دفاع مقدّس یک سرمشقی شد برای حرکت افراد با انگیزه و با حرکت.

۱۴۰۳/۲/۲۶

آشکار شدن ضعف‌های دولت، ملت و حکومت

جنگها اگر خوب گزارش شوند، یکی از گویاترین بخشهای تاریخ هر ملتند؛ که حقایق آن ملت را نشان می‌دهند. ما تاریخ را برای چه گزارش می‌کنیم؟ غیر از این است که می‌خواهیم سیرت و مفهوم و حقیقت آن ملتی که تاریخش را گزارش می‌کنیم بشناسیم و بشناسانیم؟ تاریخ برای این است. و الا تاریخ که قصّه گویی نیست!

در فواصل مربوط به عملیات نظامی، این معنا بیش از همه فهمیده می‌شود. توان یک ملت، در جنگ آشکار می‌شود. ضعفهای ملی و خصلتی، در جنگ آشکار می‌شود. ضعفها و سستیهای تشکیلاتی دولتی، در جنگها بیشتر آشکار می‌شود؛ که این دولت و حکومت، نقطه ضعفهای اساسی‌اش کجاست. در زندگی عادی، خیلی معلوم نمی‌شود. در امتحانهای بزرگ، مثل جنگ، آشکار می‌شود.

۱۳۷۲/۶/۲۹

محور هفتم / فرصت‌ها و برکات
جمع‌بندی: بیان فرصت‌ها و برکات جنگ



۱ میدان بروز خصوصیات ملت
ایران

۳ اقتدار نظامی کشور

۵ افزایش محبوبیت نیروهای
مسلح

۷ امنیت کشور به برکت دفاع
مقدس ملت

۹ نوآوری فنی و علمی

۱۱ ارتقای سرمایه انسانی

۱۳ آشکار شدن توانایی‌ها و
ظرفیتهای ملت ایران برای دنیا

۱۵ سرمشق حرکت افراد بانگیزه
در داخل

۱۷ آشکار شدن ضعف‌های
دولت، ملت و حکومت

۲ اتحاد عظیم ملی

۴ نهادینه شدن فرهنگ مقاومت
در کشور

۶ اثبات اینکه بازدارندگی با
مقاومت است نه تسلیم

۸ تزریق روحیه خودباوری به ملت

۱۰ اقدام به کارهای بظاهر نشدنی

۱۲ برملا شدن ذات و واقعیت
بزرگ‌شده‌ی تمدن غرب

۱۴ حفظ و تقویت روحیه‌ی انقلاب و
حرکت در نسل جوان و جامعه

۱۶ ارسال پیام ایستادگی و مقاومت
به بیرون

تبیین لازم؛ روی مسائل کوچک جنجال کردن مضر

البته یک کارهایی لازم است، یک کارهای مضر است. «تبیین» لازم است؛ رفع مغالطه‌هایی که گاهی انجام میگیرد لازم است؛ اما ایرادهای غیر لازم را به میان کشیدن و درباره‌اش بحث کردن و بر روی مسائل کوچک جنجال کردن، مضر است؛ اینها با هم فرق دارد. همان ابطال مغالطه‌ای هم که عرض کردیم، آن را هم با انواع مختلفی میشود انجام داد؛ با آن بهترین شکلی باید آن را انجام بدهند که مشکلی برای کشور به وجود نیاید.

>> ۱۴۰۴/۴/۲۵

حفظ اتحاد ملی؛ وظیفه همگانی

حرف من این است که این را حفظ کنید؛ همه این را نگه دارند؛ روزنامه‌نگار یک جور، قاضی یک جور، مسئول دولتی یک جور، روحانی یک جور، امام جمعه یک جور. هر کسی یک وظیفه‌ای دارد در قبال این حالت؛ این را نگه دارند. این با اختلاف سلیقه‌ی سیاسی منافات ندارد، با اختلاف وزن مذهبی منافات ندارد. این، در کنار هم ایستادن برای دفاع از یک حقیقت است؛ دفاع از کشور است، دفاع از نظام است، دفاع از ایران عزیز است.

>> ۱۴۰۴/۴/۲۵



بیان اعتراض با لحن مناسب و با اطلاع و تحقیق

ممکن است کسی در یک قضیه‌ی مربوط به نظامی یا دیپلماسی یا غیره به یک مسئولی اعتراض داشته باشد، ما نمی‌گوییم اعتراض را نگویند؛ چرا، منتها اولاً لحنی که برای بیان اعتراض و بیان انتقاد انتخاب میشود لحن قابل قبولی باشد؛ ثانیاً بعد از تحقیق باشد، بعد از اطلاع‌یابی باشد. گاهی اوقات در روزنامه‌ها و بعضی جاهای دیگر، یک چیزهایی را من میبینم، بعضی یک حرفهایی میزنند، اعتراضهایی میکنند که ناشی از بی‌اطلاعی است، نمیدانند چه کار انجام گرفته یا چه کار باید انجام میگرفته و نشده و مثلاً [باید] انجام بگیرد؛ ناشی از بی‌اطلاعی است. اطلاع درست به دست بیاورند و با لحن مناسب نظراتشان را ابراز کنند. آن مسئولین هم با قوّت تمام، با روحیه‌ی کامل ان شاء الله به کارهای خودشان ادامه دهند.

شور و هیجان عمومی لازم؛ بی صبری مضر

شور و هیجان عمومی مردم لازم است. امروز ملت ایران یک شور و هیجانی دارد، بخصوص جوانها شور و هیجان دارند؛ این چیز خیلی خوبی است، این چیز خیلی لازمی است، اما بی‌صبری مضر است. اینکه بی‌صبری کنند، دائم پا به زمین بکوبند که آقا چرا نشد، چرا نکردید، چرا اقدام نشد و مانند اینها، این مضر است. یعنی بدانیم که کدام کار، کار درستی است، کدام کار، کار مضری است.

تأیید و حمایت از سیاستهای کلی نظام لازم؛ غلیظ کردن اختلافات فردی و جناحی مضر

وفاداری به نظام در زبان، در اظهار، چیز لازم و مفیدی است؛ هم لازم است، هم مفید است. یا همه، سیاستهای کلی نظام را در همین زمینه‌ی مورد بحث تأیید کنند و حمایت کنند و مورد قبول قرار بدهند، این لازم است اما اینکه یک اختلاف نظرهایی که وجود دارد بین افراد، اینها را غلیظ کنند که این مال فلان جناح است، این مال فلان جناح است، این حرفش این‌جوری است، نه، این مضر است. بنابراین یک کار، لازم است، یک کار، مضر است؛ ما اینها را از همدیگر باید تفکیک کنیم.

محور هفتم / فرصت‌ها و برکات
جمع‌بندی: پاسداری از فرصت‌ها و برکات جنگ

۷
۲





- ۱ حفظ اتحاد ملی وظیفه همگانی
- ۲ تبیین لازم؛ روی مسائل کوچک جنجال کردن مضر
- ۳ تأیید و حمایت از سیاستهای کلی نظام لازم؛ غلیظ کردن اختلافات فردی و جناحی مضر
- ۴ شور و هیجان عمومی لازم؛ بی صبری مضر
- ۵ بیان اعتراض با لحن مناسب و با اطلاع و تحقیق



معیار پیروزی چیست؟

• • • • •

۱ بیان معیارهای پیروزی در جنگ

۱

۲ سنت الهی در پیروزی حق بر باطل

۲





بدانیم...

در میان پرسش‌های مهم و سرنوشت‌ساز درباره جنگ، یکی از بنیادی‌ترین آن‌ها این است که معیار پیروزی چیست؟ و براساس چه ملاک‌هایی می‌توان درباره پیروز جنگ سخن گفت؟ هشتمین محور روایت در دو بخش به این پرسش می‌پردازد. در بخش نخست، معیارهای عینی و تحلیلی پیروزی در جنگ برپایه بیانات رهبر معظم انقلاب بررسی می‌شود. در بخش دوم به سنت الهی در پیروزی حق بر باطل پرداخته شده است؛ سنتی که بر اساس آموزه‌های قرآنی، وعده نصرت الهی به جبهه حق را تضمین می‌کند. از این منظر، آنچه در جنگ رخ می‌دهد، گامی دیگر در مسیر تحقق وعده الهی و پیروزی نهایی ملت ایران است.





میزان تحقق هدف دشمن

دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته‌ی ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه‌ی خودش را بر کشور ایجاد کند؛ و دشمن شکست خورد. یعنی این نکته‌ی بسیار اساسی و مهم که بعضاً شبیه‌افکنی میکنند که آیا ایران در این جنگ پیروز شد یا نشد، [جوابش این است که] اصلاً پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی مثل خورشید روشن است! [اینکه] همه‌ی دنیای قدرتمند آن روز، بریزند سر یک کشور، برای اینکه نظام او را ساقط کنند، برای اینکه بتوانند بر او مسلط بشوند، برای اینکه بتوانند سرزمین او را تجزیه کنند - یک قسمتهایی از غرب و از جنوب غربی کشور را اینها میخواستند تجزیه کنند- و هشت سال همه‌ی توان خودشان را به کار ببرند، آخرش هم هیچ غلطی نتوانند بکنند، پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی نیست؟ ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد.

>> ۱۳۹۹/۶/۳۱

توانایی بیشتر نظام پس از جنگ

اولاً یک وجب از خاک کشور را نتوانستند جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ اینها پیروزی‌های بزرگی است که اتفاق افتاد.

>> ۱۴۰۳/۲/۲۶



۱۴۰۱/۶/۳۰

همراهی نکردن ملت با خواسته‌های دشمن

یک خانواده‌ی عرب بودند؛ [افراد] عربی که فارسی هم نمی‌فهمیدند؛ این را ما دیدیم به چشم خودمان. با آنها همدل نشدند، با آنها همراهی نکردند، علیه آنها ایستادند و قیام کردند و مبارزه کردند و شهید دادند. خوب، وسوسه‌های آنها که دائم وسوسه می‌کردند، نتوانست اینها را سست کند. عناصری هم در داخل مجموعه‌ی ایرانی داشتند که برای آنها کار می‌کردند؛ این هم بود، اما هیچ کدام از اینها نتوانستند کاری را که می‌خواستند انجام بدهند.

پاسخ ملت ایران چه بود؟ ملت ایران همه‌ی این هدفها را خنثی کرد و خودش را بالا کشید، و درست نقطه‌ی مقابل آن کاری که آنها می‌خواستند اتفاق بیفتد، اتفاق افتاد. ... ملت درست عکس آنچه آنها دنبالش بودند و آرزویش را داشتند و برایش این همه خرج کردند، و نقطه‌ی مقابل آن را به تحقق رساند.

اولاً همان طور که اشاره کردم، همان بخشهایی که می‌خواستند جدا کنند از کشور، مردم آن بخشها خودشان پُرانگیزه ایستادند؛ به وسوسه‌ی عرب بودن و هم‌زبان بودن و این قبیل حرفها اعتنائی نکردند، ایستادند. خود من در اطراف اهواز در یک روستایی، خانواده‌ی عربی را دیدم که وقتی نیروهای دشمن، نیروهای بعثی، از آنجا خارج شدند و ماه‌ها وارد شدیم، با دیدن ما مثل اینکه جشن باید بگیرند، این جور خوشحالی می‌کردند.

مقایسه تطبیقی با جنگ های معاصر

در جنگهایی که در دوره ی پادشاهان، در دوره ی طواعت در این یکی دو قرن اخیر اتفاق افتاد، ایران همیشه شکست خورده؛ چه در دوره ی قاجار، چه در دوره ی پهلوی، حتی در جنگی که ایران اعلام بی طرفی کرد. ایران، هم در جنگ بین الملل اول، هم در جنگ بین الملل دوم اعلام بی طرفی کرد و کشور در هر دو جنگ اشغال شد که اولی در دوره ی قاجار بود، دومی در دوره ی پهلوی بود.

در جنگ دوم، در همین شهر تهران، نیروهای آمریکایی و نیروهای شوروی در خیابانها رژه می رفتند، راه می رفتند و جلوی چشم مردم فساد ایجاد میکردند؛ بخشهایی از شمال کشور، بخشهایی از جنوب کشور تحت سلطه ی اینها قرار گرفت و حضور مستقیم داشتند. سران سه کشور، بدون اجازه، بدون ویزا، بدون اطلاع سران کشور ایران - [یعنی] پادشاهان بی عرضه و اطرافیان نادان و ناتوان [آنها] - آمدند در ایران جلسه [برگزار] کردند، محمدرضا شاه ایران، رفت وارد جلسه ی اینها شد، تحقیرش کردند...



مردم در حال تماشای عبور تانک-های زرهی

ارتش متفقین از شهر کرمانشاه، شهریور ۱۳۲۰



در جنگهای با روسیه، قفقاز از دست رفت؛ در شرارت‌های انگلیس در بوشهر و جنوب و خلیج فارس، ضربات زیادی بر ما وارد شد؛ همه‌ی [این] جنگ‌ها این جوری بود، یعنی پیروزی در آنها وجود نداشت. در جمهوری اسلامی، کشور سربلند ایران توانست در مقابل دنیای قدرتمند مقابل خودش، یعنی شرق و غرب و اروپا و آمریکا و شوروی و مرتجعین و همه بایستد و بر این‌ها پیروز بشود؛ این نکته‌ی اوّل که یک نکته‌ی بسیار مهمّی است و بخشی از هویت ملّی ما است. اینکه گاهی گفته میشود و درست هم هست که «دفاع مقدّس بخشی از هویت ملّی است»، به خاطر این است که دفاع مقدّس، مظهر بُروز هویت والا و برجسته‌ی ملّت ایران بود که توانستند جنگ را به پیروزی برسانند.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱

روایت پیروزی و غلبه

یکی تبریک پیروزی بر رژیم جعلی صهیونیست. رژیم صهیونی با آن همه هیاهو، با آن همه ادعا، در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. فکر اینکه چنین ضرباتی از سوی جمهوری اسلامی ممکن است بر رژیم وارد بشود، در ذهن آنها و مخیله‌ی آنها خطور نمی‌کرد و اتفاق افتاد. خدا را سپاس می‌گذاریم که به نیروهای مسلح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه‌ی پیشرفته‌ی آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشکهای خودشان و با تهاجم قوئ سلاح پیشرفته‌ی خودشان با خاک یکسان کنند! این یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که رژیم صهیونیستی بداند که تعرض به جمهوری اسلامی ایران برایش هزینه‌زاست، هزینه برای او ایجاد میکند، هزینه‌ی سنگین برای او به وجود می‌آورد و ایجاد میکند. و بحمدالله این اتفاق افتاد؛ افتخارش متعلق به نیروهای مسلح و مردم عزیزمان است که این نیروهای مسلح را از درون خود ایجاد کردند، تربیت کردند، پشتیبانی کردند و دست [قوئ] آنها را برای انجام یک چنین کار بزرگی فراهم کردند، قوی کردند.



۱۴۰۴/۴/۵



نکات

۱۴۰۴/۴/۵

۱ رژیم صهیونی از ادعای تاز پادرامدن

۲ ذهنیت رژیم قبل و بعد جنگ

۳ عبور از دفاع چندلایه

۴ سلاح های پیشرفته ایرانی

۵ با خاک یکسان شدن مناطق شهری و نظامی

۷ هزینه زا بودن تعرض به جمهوری اسلامی ایران

۸ نیروهای مسلح بومی و از دل ملت



تصویر - آثار پاسخ کوبنده موشکی ایران
به اهدافی دقیق در سرزمین های اشغالی

تبریک دوّم مربوط به پیروزی ایران عزیزمان بر رژیم آمریکا است. رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد، چون احساس کرد که اگر وارد نشود، رژیم صهیونیستی بکلی نابود خواهد شد. وارد جنگ شد برای اینکه او را نجات بدهد، لکن هیچ دستاوردی از این جنگ نداشت. به مراکز هسته‌ای ما حمله کردند - که البته این به طور مستقل درخور پیگیری جزائی در دادگاه‌های بین‌المللی است - اما نتوانستند کار مهمی انجام بدهند. رئیس‌جمهور آمریکا (۱) در شرح آنچه واقع شده بود بزرگ‌نمایی غیر متعارفی کرد، معلوم شد که به این بزرگ‌نمایی احتیاج دارد؛ هر کسی می‌شنید آن حرف‌ها را، می‌فهمید که در زیر ظاهر این حرف‌ها یک حقیقت دیگری وجود دارد. کاری نتوانستند انجام بدهند، به مقصودی که داشتند نتوانستند برسند و بزرگ‌نمایی می‌کنند تا حقیقت را بپوشانند و مکتوم نگه دارند. اینجا هم جمهوری اسلامی پیروز شد و متقابلاً جمهوری اسلامی سیلی سختی به گونه‌ی آمریکا نواخت؛ به یکی از پایگاه‌های مهم آمریکا در منطقه، پایگاه العُدید، حمله کرد و خسارتی وارد کرد. همان کسانی که در آن قضیه بزرگ‌نمایی کرده بودند، در این قضیه سعی کردند کوچک‌نمایی کنند، بگویند هیچ اتفاقی نیفتاده، در حالی که اتفاق بزرگی افتاده بود. اینکه جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشد به مراکز مهم آمریکا در منطقه و هر وقت مقتضی دانست علیه آنها اقدام بکند، این حادثه‌ی کوچکی نیست، حادثه‌ی بزرگی است، در آینده هم این حادثه قابل تکرار است؛ در صورتی که تعرضی صورت بگیرد، هزینه‌ی دشمن و هزینه‌ی متعرض قطعاً هزینه‌ی بالایی خواهد بود.



نکات



۱۴۰۴/۴/۵

۱ ورود مستقیم آمریکا به جنگ برای نجات رژیم

۲ بزرگنمایی حمله آمریکا برای پوشاندن حقیقت

۳ نرسیدن به مقصود

۴ کوچک نمایی سیلی سخت جمهوری اسلامی ایران

۵ دسترسی و اقدام مقتضی علیه مراکز آمریکا در منطقه

۷ حادثه بزرگ و تکرارپذیر



تصویر - آثار پاسخ کوبنده موشکی ایران
به پایگاه نظامی آمریکا در العدید قطر

محور هشتم / معیار پیروزی چیست؟
جمع‌بندی : بیان معیارهای پیروزی در جنگ



میزان تحقق اهداف دشمن در جنگ

۱

میزان همراهی ملت ایران با خواسته دشمن

۲

مقایسه قدرت و توانایی نظام قبل و بعد از جنگ

۳

مقایسه تطبیقی با جنگ های معاصر

۴





ملت ایران قطعاً پیروز است

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ (۴) و
خدای متعال ملت ایران را و حقیقت را و حق را،
به طور قطع و یقین، پیروز خواهد کرد ان شاء الله.

>> ۱۴۰۴/۳/۲۸





پیروزی جمهوری اسلامی ایران به اذن الهی

نیروی مسلح جمهوری اسلامی ضربه‌های سنگینی بر این دشمن خبیث وارد خواهد آورد. ملت هم پشتیبان ما است، پشتیبان نیروهای مسلح است و جمهوری اسلامی، به اذن الهی، بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد شد.

» ۱۴۰۴/۴/۲۵

تضمین نصرت الهی زیر چتر قرآن و اسلام

همه‌و همه بدانند که [طبق] همین آیه‌ای که این آقا الان تلاوت کردند: لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، خدای متعال نصرت را برای ملت ایران در ذیل نظام اسلامی و زیر چتر قرآن و اسلام تضمین کرده که ملت ایران حتماً پیروز خواهد شد.

» ۱۴۰۴/۴/۲۵

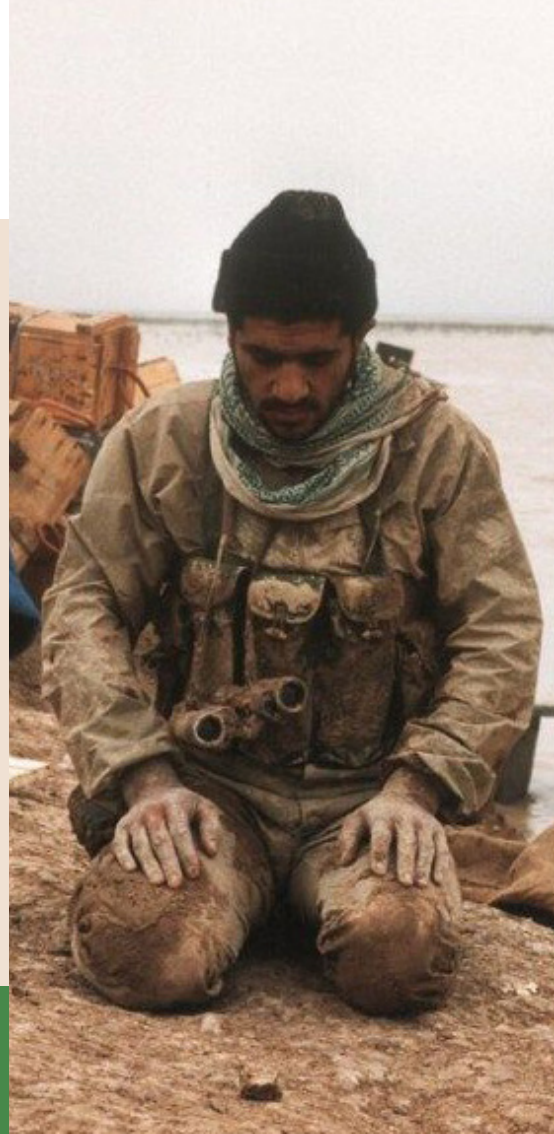


»» ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

پیروزی قطعی حق بر باطل

آنها خواستار جهاد در راه خدا و پذیرای شهادت در این راه بودند؛ چون می دانستند حَقّند. شهدای ما در هر نقطه‌ی این جبهه‌ی عظیم، با همین روحیه و با همین ایمان، جنگیدند.

عزیزان من! برادران و خواهرانی که از منطقه‌ی دشت آزادگان، از هویزه، از سوسنگرد، از بُستان و از مناطق دیگرِ عشایرِ مختلفِ عرب در این جا هستید و یا کسانی که از نقاط دیگر آمده‌اید! این صحنه‌های زیبا از جوانان رزمنده، یک درس است. یک درس بزرگ برای امروزِ ملتِ ایران و برایِ همیشه‌ی تاریخ. در انقلاب هم، ما با دست خالی به میدان آمدیم؛ اما با دلی سرشار از ایمان و عشق، با دستگاه تا دندان مسلّح دشمن، جنگیدیم و بر او پیروز شدیم. البته، مبارزه زحمت دارد؛ اما حق بر باطل، پیروز است. در جنگ تحمیلی هم، حق با ما بود. اگرچه دشمن، متّکی به امریکا و غرب و شرق بود و همه او را از لحاظ مادی کمک می‌کردند، اما از لحاظ معنوی، دستش خالی بود. دستِ ملتِ ما، پر بود. دل او، از عشق و ایمان پر بود و پیروز شد. نشانه‌ی پیروزی ملت ما، خوزستان است. نشانه‌ی پیروزی ملت ما و شاهدِ صادق بر پیروزی کامل این ملت، مردم سلحشور این منطقه‌اند.





آمریکا باطل، و جمهوری اسلامی ایران حق است

>> ۱۳۷۵/۱۲/۲۰

عزیزان من؛ برادران و خواهران! امروز هم اوضاع، همین طور است. امروز هم، امریکا و دستگاه استکباری دنیا، می‌خواهد با اسلام و با جمهوری اسلامی معارضه کند. اما امریکا بر باطل است. استکبار بر باطل است. ملت ایران حق است. جمهوری اسلامی حق است. ملت ایران و جمهوری اسلامی، می‌ایستد، مبارزه می‌کند و پیروز می‌شود. جوانان مؤمن، زن و مرد و دختر و پسر مؤمن و مقاوم، در این منطقه، در همه‌ی مرزها و در همه‌ی مناطق کشور، به اذن الله بر کید دشمن غالب خواهند شد. بر دشمنی دشمنان غالب خواهند شد، به اذن الله. هیچ دشمنی در سطح عالم، نمی‌تواند بر مردمی که حق در دست آنهاست، ایمان در دل آنهاست، قیام لله می‌کنند و برای خدا کار می‌کنند، غلبه کند؛ هر که باشد و هر چه باشد. فردای جمهوری اسلامی، از امروز بهتر است؛ چنان که امروز آن، از دیروز بهتر است.

محور هشتم / معیار پیروزی چیست؟
جمع‌بندی: سنت الهی در پیروزی حق بر باطل



تضمین نصرت الہی زیر چتر قرآن و اسلام

۱

پیروزی قطعی حق بر باطل

۲

امریکا باطل و جمهوری اسلامی ایران حق است

۳

ملت ایران قطعاً پیروز است

۴



بالاترین خسارت؟ مهمترین دستاورد؟

• • • • •

حقارت بالاترین خسارت؛ خودباوری مهمترین دستاورد

*

۹



بدانیم...

در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، بالاترین مصیبت برای یک کشور - که به دنبال خود، مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را نیز به همراه می آورد - تحقیر و سلب هویت از ملت است. این ابزار، همواره توسط جریان استعمار و استکبار جهانی به عنوان مقدمه ای برای غارت و تسلط بر سرزمین ها به کار گرفته شده است.

در میدان جنگ نیز، بالاترین خسارت، سرافکندگی، ذلت و هزیمت معنوی است و در برابر آن، احساس خودباوری عظیم ملی، بزرگترین و ارزشمندترین دستاورد جنگ به شمار می رود. نهمین محور روایت جنگ، به عنوان محوری ویژه، بر همین حقیقت بنیادین تمرکز دارد. فهم و تبیین این حقیقت، اثری راهبردی در شیوه روایت جنگ بر جای خواهد گذاشت؛ چراکه در این رویکرد، به میزانی که جنگ موجب تقویت اراده و اعتماد به نفس یک ملت شود، آن ملت پیروز جنگ است، و به میزانی که زمینه ساز تحقیر و تضعیف هویت ملی گردد، آن ملت در جنگ شکست خورده است



بالاترین و سنگین‌ترین مصیبت

۱

>> ۱۳۸۰/۱۱/۲۱

همه چیز از تحقیر شروع می‌شود

بالاترین مصیبت برای یک کشور و یک ملت این است که نادیده گرفته شود و در خانه خود مورد اهانت قرار گیرد و تحقیر شود. همه چیز دنبال این وجود دارد؛ مشکل اقتصادی هست، مشکل فرهنگی هست، بیاعتنایی به عقاید و آرمانها و فرهنگ ملی هست. اینها چیزهایی است که جزو نتایج قهری سلطه بیگانه بر کشور است.

۲

>> ۱۳۸۴/۲/۱۹

این تحقیر از همه چیز سنگین‌تر است

آن روز اگر خارجی‌ها سود می‌بردند، استفاده می‌کردند و یا منافع ملی پامال می‌شد، همه‌ی اینها به کنار؛ ملت ایران را تحقیر می‌کردند؛ این تحقیر از همه چیز سنگین‌تر است. ملتی بنشیند و عده‌یی از بیرون بیایند به او بگویند تو نمی‌توانی؛ برو کنار تا ما برایت درست کنیم؛ او را کنار بزنند و اجازه ندهند حتی از تجربه‌ی آنها استفاده کند؛ خودشان بیایند این منبع درونی را استخراج کنند؛ چیزی به او بدهند و لب و خلاصه‌ی سود را هم خودشان ببرند.



غفلت مقدمه غارت، غارت افزایش دهنده غفلت

وقتی که غفلت از توانایی خود بر ملّتی حاکم شد، غارت آن ملّت آسان میشود. ببینید، غفلت و غارت مکمل هم هستند؛ غفلت مقدمه‌ی غارت است، غارت افزایش‌دهنده‌ی غفلت است؛ غفلت و غارت با همدیگر همراهند. در قرآن، بحث غفلت چیز جالبی است؛ کاملاً صریح مسئله‌ی غفلت مطرح شده. در این مسئله‌ی صلاة خوف [آمده که] «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً»؛ (۵) دشمن میخواهد شما غافل بشوید از سلاحتان و از دارایی‌هایتان. بحث پهباد و موشک و مانند اینها را که می‌بینید این روزها چطور در دنیا به عنوان یک مسئله‌ی اساسی و مهم مطرح میشود؛ [دشمن] میخواهد شما از اینها غفلت کنید، از این توانایی چشم‌پوشید تا بتواند راحت به شما حمله کند.

سلب هویت مقدمه تسلط

آنچه که دشمنان، دشمنان بنیانی این ملت همیشه میخواسته‌اند و دنبال میکرده‌اند، این بوده است که از این ملت سلب هویت کنند. وقتی یک ملتی احساس شخصیت نکرد، احساس هویت نکرد، راحت‌تر زیر بار میرود؛ گذشته‌ی او را انکار میکنند، امکانات او را انکار میکنند، قدرتهای درونی و ذاتی او را انکار میکنند، برای اینکه بتوانند براحتی آن ملت را، آن کشور را در مشّت بگیرند.



احساس حقارت از مرور جنگ های ایران و روس و قرارداد ترکمانچای

» ۱۳۷۹/۷/۶

امروز بیش از صدوپنجاه سال و نزدیک به دویست سال از قرارداد ننگین ترکمانچای میگذرد. هر ایرانی که آن تاریخ را بخواند، بعد از گذشت نزدیک به دو قرن، در روح خود احساس شرمساری، حقارت و شکست میکند و از خود میپرسد: چطور در حادثه‌ای به آن عظمت، سردمداران کشور قادر نشدند عزم ملی و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را به کمک هویت ملی این کشور به میدان بیاورند؟! لشکر مهاجم دشمن تا قلب کشور آمد؛ بعد با التماس و درخواست و پیشکش دادن و وساطت دشمنان دوست‌نما و خسارتهای فراوان ملی و آن اهانت‌هایی که به ملت ایران شد، قبول کرد که قدری عقب بنشیند، در حالیکه هفده شهر قفقاز را از ایران گرفته و کشور را از بخشی از پاره تن خودش محروم کرده بود! امروز هم که شما این حادثه را در ذهن خودتان یا در کتاب تاریخ مرور کنید و ببینید بر ملت ایران در آن حادثه تلخ چه گذشت، احساس خجلت و احساس سرافکنندگی و ذلت میکنید.



سرافکندگی و ذلت، بالاترین خسارت جنگ

جنگ، یکی از محیط‌ترین حوادث برای یک ملت است. ما همگی این را با وجود خودمان، با گوشت و پوست و احساس و ادراک خودمان مشاهده کردیم. این نیست که فقط در تاریخ چیزی خوانده، یا به آمارها مراجعه کرده باشیم. لیکن نکته مهم این است که ملتها می‌توانند این حادثه پُرخسارت را به یک فرصت و به یک سرمایه تبدیل کنند. میدانید؛ خسارت جنگ هم فقط این نیست که عزیزان ملت به کام مرگ کشانده میشوند یا ویرانی‌هایی به بار می‌آید و سرمایه‌هایی بر باد میرود. اگر در جنگی عزم ملی و خردمندی سردمداران کشور به کمک کشور نیاید، آن سرافکندگی و ذلت و هزیمت معنوی‌ای که بر دوش آن ملت سنگینی خواهد کرد، شاید از همه این خسارتهای بالاتر است.

»» ۱۳۷۹/۷/۶

حضور نظامیان بیگانه در تهران - شهریور ۱۳۲۰



>> ۱۳۷۹/۷/۶

**غایت مطلوب دشمن ایجاد حقارت و
کشتن روحیه خودباوری**

در جنگی که در سال ۱۳۵۹ در این کشور رخ داد، همه این حوادث ممکن بود. آنهایی که میخواستند قطعه‌ای از خاک ایران را از ایران جدا کنند، هدفشان فقط این نبود که ایران را از آنچه که هست، قدری کوچکتر کنند. هدف این بود که این ملت را برای قرن‌ها - حداقل یک قرن، دو قرن - با احساس حقارت سر جای خود بنشانند. و در مردمی که جرأت کرده بودند مقابل امپراتوری عظیم استکبار جهانی قیام کنند؛ برخلاف همه عرفهای بین‌المللی، یک حکومت صددرصد مردمی را که به هیچ قدرتی در دنیا باج نمیدهد، سر کار بیاورند، روحیه شجاعت و خودباوری را بمیرانند. آنچه که برای آنها غایت مطلوب بود، این بود.

>> ۱۳۷۹/۷/۶

تحقیر ایرانی‌ها در جنگ جهانی دوم

در حوادث جنگ بین‌الملل دوم، همین شهر تهران محل خودنمایی و پُز دادن افسران کشورهای مختلف شد که در خیابانها راه بروند، به ایرانی با چشم تحقیر نگاه کنند، از او کار بکشند، به او اهانت و به نوامیس او تجاوز کنند. این یک نوع بود، آن نوع دیگری بود. اینها نشانه یک خسارت بزرگ برای یک ملت در یک جنگ است.



اراده، مسئله‌ی اول جنگ و عامل اصلی ساخت ایران قوی

حالا همان ملت به اینجا رسیده که مستقیم می‌ایستد سینه به سینه‌ی این قدرت، از او نمی‌ترسد بلکه او را می‌ترساند و آنچه هم از دستش برمی‌آید، از لحاظ عملیاتی انجام می‌دهد که این مسئله‌ی عملیات، مطلب دوم است؛ مسئله‌ی اول همان روحیه است، همان ایستادگی است. این اراده‌ی ملی، این همت ملی، همان چیزی است که این کشور را سربلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد که بنده گفتم پنجاه سال بعد باید این جوری باشد؛ این اراده همان عامل اصلی‌ای است که می‌تواند ایران را به آنجا برساند.

»» ۱۴۰۴/۴/۲۵

خودباوری بالاترین ارزش و دستاورد

آری؛ ما در جنگ، بسیار جانهای عزیز را از دست دادیم و خسارتهای مادی و معنوی زیادی هم تحمل کردیم؛ اما چیزی در دل این ملت جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت، از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکاء به نفس، احساس عزّت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی عظیم و احساس اعتقاد به این بود که اگر یک ملت حول محور ایمان به خدا و عمل صالح جمع شوند، معجزات نشدنی یکی پس از دیگری قابل شدن خواهد شد. این در زندگی ما اتفاق افتاد.

»» ۱۳۷۹/۷/۶

محور نهم / بالاترین خسارت؛ مهمترین دستاورد

جمعبندی : حقارت بالاترین خسارت؛
خودبِـاوری مهمترین دستاورد

۹





تحقیر، بالاترین و سنگین ترین مصیبت برای یک کشور

۱

سرافکندگی و ذلت، بالاترین خسارت جنگ

۲

غایت مطلوب دشمن ایجاد حقارت و کشتن روحیه خودباوری

۳

خودباوری بالاترین ارزش و دستاورد

۴

اراده، مسئله‌ی اول جنگ و عامل اصلی ساخت ایران قوی

۵



پیامدهای جنگ



جنگ، تعیین کننده عزت و ذلت

۱

تاریخ جایگزین: اگر دفاع مقدس در برابر متجاوز نبود چه می شد؟

۲



بدانیم...



آنچه در میدان نبرد رقم می‌خورد، سرنوشت عزت یا ذلت سال‌های آینده یک ملت را شکل می‌دهد. در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، عزت آینده‌ی یک ملت در گرو عزتی است که در دوران جنگ حفظ کرده است. از این منظر، جنگ تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه تعیین‌کننده جایگاه ملت‌ها در آینده است.

دهمین و آخرین محور روایت جنگ، به بررسی پیامدهای بلندمدت دفاع مقدس می‌پردازد. در بخش نخست، نقش جنگ در تأمین عزت ملی در سال‌های پس از آن تحلیل می‌شود. در بخش دوم، با بهره‌گیری از روش «تاریخ جایگزین»، این پرسش بنیادین مطرح می‌گردد: اگر ملت ایران در برابر تجاوز دشمن نمی‌ایستاد، چه بر سر ایران و آینده‌ی آن می‌آمد؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها ژرفای اهمیت دفاع مقدس را روشن می‌سازد، بلکه روایت جنگ را به درکی راهبردی از آینده پیوند می‌دهد. در پایان نیز، نمونه‌ای از استفاده‌ی ایالات متحده از همین روش «تاریخ جایگزین» در روایت جنگ جهانی دوم مورد اشاره قرار می‌گیرد، تا اهمیت این رویکرد در تحلیل پیامدهای جنگ‌ها آشکارتر شود.





جنگ، تعیین کننده عزت و ذلت

عزت آینده یک ملت در گرو حفظ عزت در جنگ

بزرگترین جنایت استعمار؛ تحقیر و کشتن روح دفاع

سربلندی ملت ایران در آزمون عزت



عزت آینده یک ملت در گرو حفظ عزت در جنگ

این جنگ تحمیلی، نه فقط برای همان چند سال یک امتحان بود، بلکه برای بعد از دوران خاتمه‌ی جنگ هم یک محک و یک امتحان و یک عبرت است. اگر هر ملتی بتواند در هنگام تهاجم دشمنان و خطری که بیگانگان برای او به وجود می‌آورند، از خودش دفاع کند و دشمن را سرکوب نماید و به عقب براند و بعد از جنگ، ویرانیهای جنگ را اصلاح کند و اوضاع را به حال اول در بیاورد و عزت و آبروی آن ملت را حفظ بکند و یادگارهای جنگ - یعنی همین رزمندگان و جانبازان و خانواده‌های شهدا - را گرامی بدارد، این ملت ذلیل‌شدنی نیست؛ این ملت عزیز خواهد ماند.



بزرگترین جنایت استعمار؛ تحقیر و کشتن روح دفاع

بزرگترین جنایت استعمار و ایادی خائن آن - که در طول سالهای متمادی بر کشورهای اسلامی حکومت کردند - این بود که روح دفاع و سلحشوری را در ملتها کشتند و آنان را به شعارهای پوچ، مثل قومیت و ملیتهای افراطی سرگرم کردند؛ لذا میبینید که تقریباً از دو قرن پیش، دشمنان ملتهای اسلامی به کشورهای آنها سرازیر شدند و هر وقت به نحوی آنها را تحقیر و ذلیل و غارت کردند و رفتند و ملتها همینطور آنها را تماشا و تحمل کردند. کار به آنجا رسید که امروز میبینید ملتهای مسلمان، جزو ضعیفترین ملتهای جهان هستند؛ در حالی که اسلام در بطن خود، دارای قدرت و عزت و کرامت است. اسلام که ذلت پذیر نیست؛ چرا مسلمانان اینطور شدند؟! این همان کاری است که حکومتهای دست نشانده با ملتهای مسلمان انجام دادند؛ آنها را سرکوب و ذلیل و ذلت پذیر کردند؛ هر وقت هم عده یی خواستند با الهامگیری از روح اسلام کاری بکنند، از همه طرف آنها را محاصره کردند.

>> ۱۳۷۰/۷/۳





سربلندی ملت ایران در آزمون عزت

ملت ما بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از این پیروزی درخشان، خود را از این حالت تحقیرآمیز نجات داد. بعد هم ماجرای جنگ تحمیلی اتفاق افتاد و این ملت بزرگ ثابت کرد که میتواند از خودش دفاع کند؛ این درسی برای ملت‌های دیگر شد. ما در مقابل بزرگترین قدرتهای ترکیب شده‌ی عالم قرار گرفتیم؛ یعنی در طول هشت سال، همه با کمک به دشمنان، در مقابل ما صف‌آرایی کردند؛ اما بعد از این هشت سال، نتوانستند یکصدم از مقاصد خودشان را به دست بیاورند و سرافکنده به جای اول برگشتند. آیا این برای یک ملت عزت نیست؟

محور دهم / پیامدهای جنگ
جمعبندی: جنگ، تعیین کننده عزت و ذلت



عزت آینده یک ملت در گرو
حفظ عزت در جنگ

۱

سربلندی ملت ایران در آزمون عزت

۲

بزرگترین جنایت استعمار؛
تحقیر و کشتن روح دفاع

۳



تاریخ جایگزین: اگر دفاع مقدس در برابر متجاوز نبود چه می شد؟

در جنگی که در سال ۱۳۵۹ در این کشور رخ داد، همه این حوادث ممکن بود... این میشد. اگر آن کاری که رزمندگان کردند، آن کاری که خانواده‌ها کردند، آن کاری که بسیج عمومی ملت کرد، آن کاری که گزارشگران این صحنه‌های شرف کردند و در مقابل چشم مردم قرار دادند و آن کاری که آن سلسله‌جنبان همه این افتخارها کرد؛ نمی‌بود، همین میشد؛ تردید نداشته باشید.

قطعه‌ای از خاک ایران را می‌گرفتند

بعد با قدری چک و چانه مقداری از آن را پس میدادند و ملت هم سر ملت ایران می‌گذاشتند

البته در طول سالهای متمادی و قطعاً بیش از هشت سالی که جنگ طول کشید این کار را میکردند

بعد ملت ایران هر وقت به آن منطقه از کشور

خود مینگریست، احساس حقارت میکرد!

تاریخ جایگزینِ مواجهه با جنگ تحمیلی

مسیر تسلیم و سازش

تجزیه

۱

اهانت و تجاوز به نوامیس

۲

تصاحب خاک کشور

۳

ذلت و حقارت تاریخی

۴

بردگی مدرن

۵

ضعیف و حقیر در نظم نوین

۶

مسیر مقاومت و جهاد

جهش فنی و علمی

۱

اقتدار نظامی و بین المللی

۲

ارتقاء سرمایه انسانی

۳

خودباوری و عزت ملی

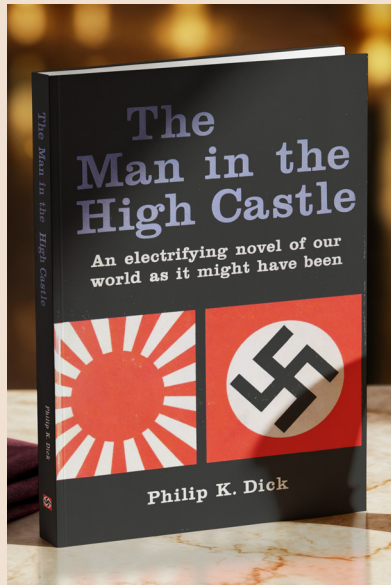
۴

تقویت روحیه انقلابی

۵

بازدارندگی و امنیت

۶



مردی در قلعه بلند؛ نمونه‌ای از تاریخ جایگزین جنگ

مردی در قلعه بلند نوشته فیلیپ کی دیک در سال ۱۹۶۲ به چاپ رسید و در سال ۱۹۶۳ برنده جایزه ادبی هوگو شد. داستان این رمان در آمریکای ۱۹۶۲ و ۱۵ سال بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم می‌گذرد. در این دنیا، نیروی‌های نازی و ژاپنی‌ها در جنگ به پیروزی رسیده و خاک امریکا بین این دو قدرت تقسیم شده است. در این دنیا هر نوع اعتراض به سختی سرکوب می‌شود.



در سریال مردی در قلعه بلند، آمریکا به دو قسمت تبدیل شده که ایالت های شرقی و مهم آن را آلمان و ایالت های غربی آن را ژاپن تحت حاکمیت خود درآورده است و یک منطقه بی طرف بین این دو کشور تعریف شده است تا مرز مشترک نداشته باشند .

سریال بسیار با حوصله و پر جزئیات و آرام داستان را به پیش ببرد ، تا این واقعیت غیر قابل باور برای بیننده هضم شود که بله درست است و آلمان و ژاپن پیروز شده اند و آمریکا بین این دو تقسیم شده است و هم اکنون در خیابان های شهرهای آمریکا ژاپنی بسیار دیده می شود و آمریکا به هیبت فرهنگ ژاپنی در آمده است و ژاپنی ها و آلمانی ها در حال تحقیر آنان هستند.

فصل سوم : هنر روایت جنگ



بسترها، ابزارها و ظرفیت های روایت جنگ





پنج پرده فصل

۱ روایت جنگ، باور می خواهد نه صدای کلفت!

۲ روایت جنگ، یک گونه در کنار سایر گونه ها نیست!

۳ دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم!

۴ بارها و بارها و هزاران بار بگوییم...

۵ به زیبایی و شیوایی بیان کنید؛ این، دل ها را جذب خواهد کرد

مقدمه

روایت جنگ، تنها به چه گفتن محدود نمی شود، بلکه به همان اندازه به چگونه گفتن وابسته است. به ویژه در دنیای هنر- که بستر اصلی انتقال ارزش ها و معارف به شمار می رود- چگونه گفتن، بر چه گفتن تقدم دارد. رهبر معظم انقلاب در بیانات متعددی، به طور مبسوط به بسترها، ابزارها و ظرفیت های روایت جنگ پرداخته اند. فصل سوم این اثر، در قالب پنج پرده، صورت بندی روشن و منظمی از این بیانات ارائه می دهد.

این پنج پرده، به ترتیب شامل نکاتی درباره مبانی و رویکرد روایت جنگ، شیوه سوژه یابی و پرداخت به نقاط برجسته، شناخت مخاطب و ارتقای دایره تأثیرگذاری، ظرفیت های ترویج حداکثری روایت و در نهایت، ابزارها و تکنیک های روایت است.

روایت جنگ، باور می خواهد نه صدای کلفت!

درباره مبانی و رویکرد روایت جنگ



آنچه خواهد آمد ...



«کار هنرمند فقط روایت هنری نیست؛ روایت هنری آن بخشی از کار هنرمند است که همه آن را میبینید.

«تولستوی کتابهای دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است.

«مثلاً (آوینی) میگفت: «این جوانان ما، به راههای آسمان آشناترند تا به راههای زمین.» این را چنان میگفت که گویا راههای آسمان را خودش رفته، دیده و میداند که اینها آشناتر هستند!

«در طول تاریخ، شعرا معمولاً صاحبان قدرت و ثروت و امثال اینها را مدح میکردند؛ اما به نظر من باید شماها را مدح کرد.

«وقتی او به شما میگوید اصلاً نمیفهمید که هنر چیست، اگر هم به زبان نمیشود گفت، باید در دل گفت که آره تو بمیری، خودتی! میفهمم که قضیه چیست.



رؤیت قبل از روایت

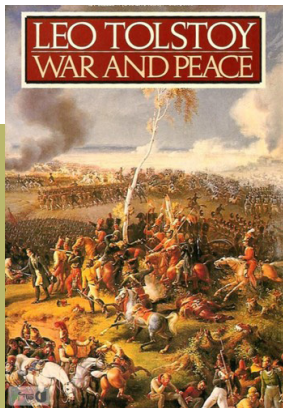
حقیقت هنر هم همین است. ببینید، هنرمند دو تا کار میکند. کار هنرمند فقط روایت هنری نیست؛ روایت هنری آن بخشی از کار هنرمند است که همه آن را میبینید که با هنر خودش دارد چیزی را روایت میکند. اما بخش مهمی قبل از این وجود دارد و آن چیست؟ آن رؤیت هنری است. چی را روایت میکند؟ لابد چیزی را دیده و درک کرده است. کی میتواند آن را درک کند؟ چشم هنرمند. هیچ کس دیگر نمیتواند آن را درک کند. ملتفتید؟ لذاست مثلاً شما که شاعرید، یا قصه‌نویسید، یا بازیگر یک نمایش هستید، یا کارگردان یک نمایش هستید، وقتی یک قضیه‌ی تاریخی را میخوانید، فضای آن قصه را با آن نگاه هنری خودتان به دست می‌آورید؛ آن چیزی که چشم بی‌هنر نمیتواند آن را ببیند؛ این کار اول شماست. بعد آن را با بیان هنری گزارش میکنید؛ این هم کار دوم شماست.

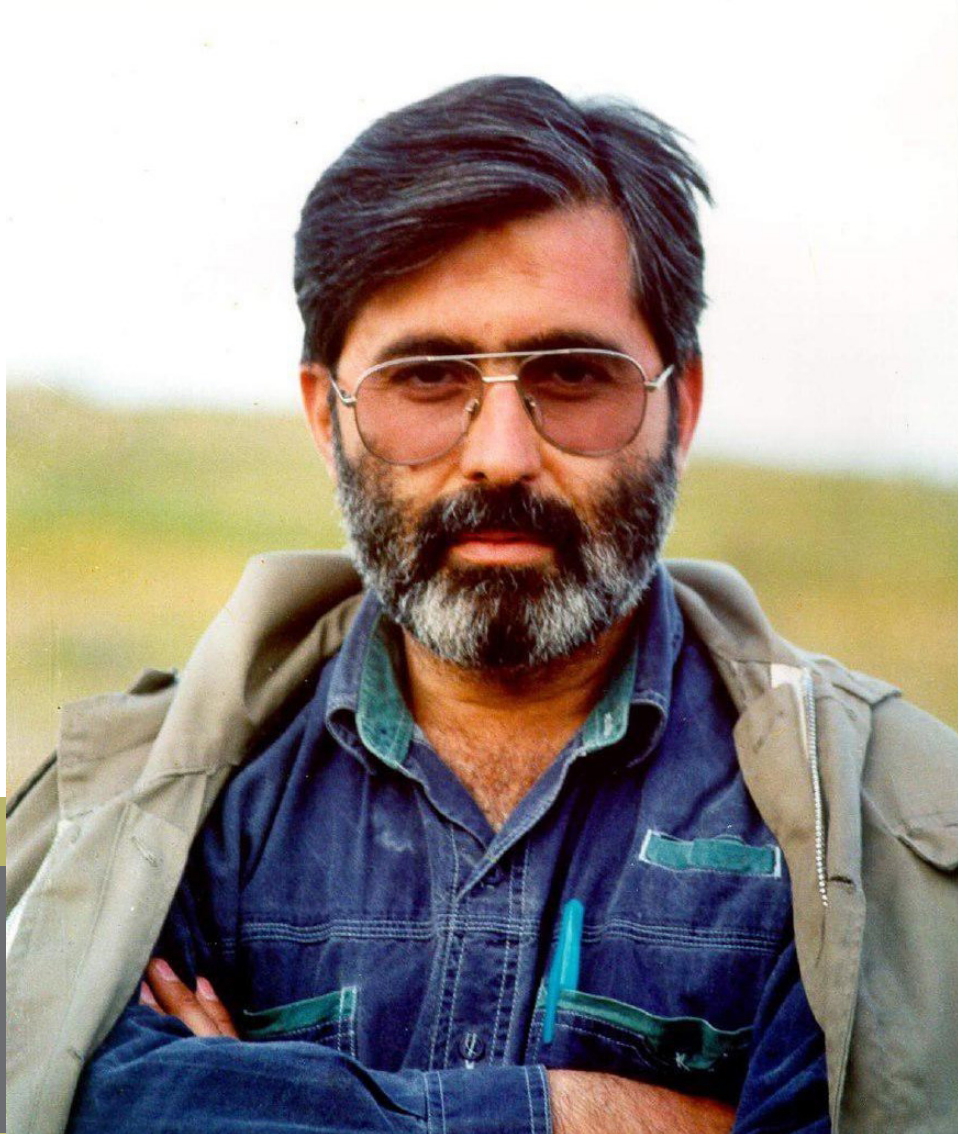
»» ۱۳۷۳/۱۲/۲۷



بهترین آثار هنری مربوط به دوران سختی و جنگ کشورهاست

دوره‌ی سختی برای یک کشور - چه سختی جنگ باشد، چه سختی اقتصادی باشد، چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد - دوره‌ی نشان دادن ظرفیت‌هاست؛ که این ملت چقدر ظرفیت دارد، چقدر قابلیت اظهار وجود دارد، چقدر لیاقت بقا دارد. لذا بهترین آثار هنری هم که انسان نگاه میکند، یا بخش‌های زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورهاست. شما به آثار داستانی‌ای که وجود دارد، اگر نگاه کنید، شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمانهای بزرگ مربوط به بخش‌هایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام میدهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حمله‌ی ناپلئون و حرکت عظیمی که مردم مسکو انجام دادند برای ناکام کردن ناپلئون. تولستوی کتابهای دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی‌اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است. همین‌طور است بسیاری از کتابهای دیگری که یا در مورد انقلاب شوروی نوشته شده، یا در مورد انقلاب کبیر فرانسه نوشته شده، یا در مورد جنگهای فرانسه و آلمان و دفاع مردم فرانسه نوشته شده؛ مثل بعضی از کتابهای امیل زولا. مهمترین آثار رمانی مربوط به دوران حساس یک ملت است، که در آن وقت این ملت توانسته ظرفیت خودش را نشان دهد. شاید نقاشیها هم همین‌طور باشد. البته بنده در نقاشی به عنوان یک بیننده هم حتی سر رشته‌ی خوبی ندارم؛ اما گمان میکنم تا آن حدی که شنیدم، زیباترین یا بخشی از زیباترین نقاشیهای بزرگ دنیا مربوط به صحنه‌های جنگ است؛ مثلاً صحنه‌ی جنگ «واترلو» و صحنه‌های گوناگون دیگر.





روایت جنگ، باور می خواهد نه صدای کلفت!

» ۱۳۷۲/۶/۱

من تا مدتها که روایت فتح پخش میشد، اصلاً شهید آوینی را نمیشناختم؛ ولی از مشتریهای همیشگی روایت فتح بودم. یعنی هر شب جمعه، حتماً مینشستم و این برنامه را نگاه میکردم. روی من تأثیر زیادی میگذاشت و میدیدم که این کلام چقدر اثر دارد. یک وقت همان جوانان آمدند پیش من (به نظرم مال جهاد بودند) من در همان جلسه گفتم: «این صدای نجیبی که اینها را بیان میکند، چیز خیلی جالبی است؛ این را نگهدارید.» خودش هم قاعدتاً در آن جلسه بود. کسی هم به من نگفت که «این آقاست.» اما بعدها خود ایشان به من نوشت: «آن کسی که اینها را تهیه میکند، من هستم.» کسی که میخواهد چنین برنامه‌هایی بسازد، باید آن نجابت و معصومیت و استحکام و اطمینان به سخن را داشته باشد. گاهی حرفی را کسی میزند و حرف بزرگی است؛ اما پیداست که خودش اعتقادی به این حرف ندارد. اما این صدا، آن صدایی است که بزرگترین حرفها را میزد و خودش اعتقاد داشت. مثلاً میگفت: «این جوانان ما، به راههای آسمان آشناترند تا به راههای زمین.» این را چنان میگفت که گویا راههای آسمان را خودش رفته، دیده و میداند که اینها آشناتر هستند! ما خیال میکنیم صدای جنگی باید صدای کلفت و نخراشیده‌ای باشد. اما ایشان آن‌طور صدایی نداشت. صدایی بود معصوم و نجیب و درعین حال استحکامی ویژه داشت؛ در قالب نوشتاری قوی و هنرمندانه.



باور

صدی نود، به زبان هنر احتیاج دارد...

» ۱۴۰۱/۸/۸

بنده یک وقتی گفتم جنگ یک گنج است؛ واقعاً هم همین جور است. من کتابهای مربوط به شهدا را زیاد میخوانم؛ هر کدام را که میخوانم، کأنه یک چیز جدیدی انسان از اینها میفهمد. من حالا هم میخوانم؛ دهها سال است، از دهه ۶۰ تا حالا، این کتابها [را میخوانم]. هر کدام از این کتابها که شرح حال یک شهیدی است، یک صفحه‌ی جدیدی را برای انسان باز میکند و به انسان نشان میدهد؛ چه در مورد خود شهید، چه در مورد این پدرمادرها؛ این مادرهای شجاع، این پدرهای باگذشت. این پدرها و مادرها خیلی حق دارند به گردن ما! که بعضی از پدران و مادران شهدای عزیزمان در این جلسه هم حضور دارند.

اینها بایستی منتقل بشود و عرض کردم که انتقالش هم عمدتاً، یعنی شاید صدی نود، به زبان هنر احتیاج دارد. البته نمیگوییم تاریخ و کتاب و مانند اینها ننویسند؛ چرا، باید نوشته بشود؛ اما آن چیزی که این ظرفیت را دارد که بتواند همه‌ی جزئیات و ریزه‌کاری‌ها و ظرافتهای این شهادت و شهید و دفاع مقدس و فداکاری و مانند اینها را منتقل بکند، عبارت است از هنر.



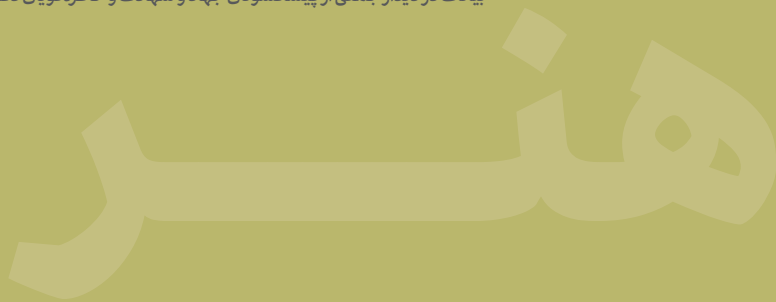
اگر شاعر بودم در مدح شما قصیده می ساختم

» ۱۳۸۴/۶/۳۱



ادبیات و هنر مقاومت و آنچه مربوط به دوره‌ی خاص دفاع کشور و ملت ماست، حقیقتاً از برجسته‌ترین و مهمترین کارهاست. البته دوستان خیلی کار کرده‌اند. از دهه‌ی ۶۰ که این کارهای هنری و ادبی در حوزه‌ی هنری شروع شد و این خاطرات منتشر گردید، من یکی از مشتریهای پرو پا قرص این کتابها بودم، که خاطرات را نگاه کنم. من خیلی تحت تأثیر جذابیت و صداقت و خلوص این نوشته‌ها و گفته‌ها هستم؛ این را واقعاً عرض میکنم. یاد کسانی که این کارها را تولید کردند، از خاطر محو نمیشود. اسمهایی که من پشت این کتابها خواندم و کتابهایشان را نگاه کردم، غالباً در ذهنم هست و من قدردان و قدرشناس اینها هستم و اگر میتوانستم، عظمت این کار را مدح میکردم. البته در طول تاریخ، شعرا معمولاً صاحبان قدرت و ثروت و امثال اینها را مدح میکردند؛ اما به نظر من باید شماها را مدح کرد. اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنگی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح همین خاطره‌سازان و خاطره‌انگیزان قصیده می‌ساختم؛ حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و بااهمیتی است.

بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت



هنر زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب می‌روید

وقتی او به شما می‌گوید اصلاً نمی‌فهمید که هنر چیست، اگر هم به زبان نمی‌شود گفت، باید در دل گفت که آره تو بمیری، خودتی! می‌فهمم که قضیه چیست. نخیر، تو هم میدانی که من هنرمندم و اهل هنرم و هنر پیش من است. اصلاً هنر اصیل پیش شماست. من این را به صورت شعار نمی‌گویم؛ این استدلال من است؛ این یک امر منطقی است... هنرمند هر دوره، آن کسی است که متعلق به آن دوره و ساخته و پرداخته‌ی آن دوره و سراینده‌ی آن دوره است؛ و آن کسی که از دوره‌ی قبل مانده و به یاد آن دوره قلم می‌زند، متعلق به این دوره و ادبیات این دوره که نیست... من می‌خواهم به شماها این را بگویم، آن کسی که می‌گوید شماها هنرمند نیستید، او اشتباه میکند؛ ممکن است غرض هم نداشته باشد. او اصلاً طعم هنر زمان را نمی‌شناسد. هنر زمان، هنری است که در فضای انقلاب و از زمین انقلاب بروید؛ و او شما هستید؛ غیر از شما کس دیگری نیست. من می‌خواهم عرض کنم که بچه‌های ما خوشبختانه در طول این ده سال خیلی رشد کردند. من وقتی کارهای این آقایان را که در سینما و در تلویزیون نشان می‌دهند، مشاهده می‌کنم، می‌بینم که هرکدام از آنها که یک ذره به بچه‌های انقلاب وصل است، لطفی دارد. این، نه از جهت وابستگی انقلابی است؛ نه، من اصلاً وقتی این فیلم را نگاه می‌کنم، نمی‌خواهم روی این خیلی تکیه کنم که در سلیقه‌ی من اثر بگذارد؛ خیر، آن چیزی که با انقلاب سروکار ندارد و درست دست آن مجموعه‌ی بسته است، حتی از لحاظ هنری هم سطحش پایین است؛ در آن، تصنع و دروغ و چیزهای بی‌هنرانه هست.



دوری از تعارض در بین هنرمندان انقلاب

>> ۱۳۷۰/۹/۴

هنر انقلاب را در آن عده‌یی محصور کنید که مفاهیم انقلابی جزو ایمانشان است و آن را قبول دارند. این را بگوییم هنر انقلابی، و ماعدای آن را بگوییم هنر غیرانقلابی، که شامل ضد انقلابی و بیتفاوت میشود. شما کوشش کنید که در این محدوده‌ی هنر معتقدان به انقلاب، تعارض به وجود نیاید؛ من این را می‌خواهم... من می‌خواهم شماها کوشش کنید، این اختلاف سلیقه‌هایی که در این زمینه‌ها دارید، عمده و جاگیر نشود؛ نه در فضای ذهن، و نه در فضای عمل. ممکن است دو نفر با همدیگر همکاری نکنند؛ اشکالی هم ندارد. شما می‌گویید من با آن آقا نمیتوانم همکاری کنم؛ خیلی خوب، مانعی ندارد. بر روح هنرمند نمیشود تحمیل کرد که باید شما این‌جا همکاری کنید؛ لیکن نگذارید این اختلاف سلیق به تعارض و بگومگو برسد؛ این را واقعاً به عنوان یک اصل و یک شاخص در نظر داشته باشید.



انقلاب

روایت جنگ، یک گونه در کنار سایر گونه ها نیست!



سوژه یابی در روایت جنگ

۲

آنچه خواهد آمد ...

«« این جور نیست که ما ادبیّات حماسی داریم، عشقی داریم، اجتماعی داریم، پلیسی داریم، یکی هم حالا مثلاً دفاع مقدّس؛ نه، دفاع مقدّس یک سرچشمه است.

«« بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دل‌هاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است.

«« شکست را آن‌چنان تصویر میکند که مایه غرور و سربلندی ملت است.

«« بچه‌های ساده‌ای که هیچ نمی‌دانستند تیر و تفنگ چیست، وارد جنگ شدند و سرداران برجسته‌ای از آن بیرون آمدند.





مراسم شب خاطره دفاع مقدس با حضور رهبر انقلاب، مهر ۹۷

سوره



جمع آوری قصه‌ها و خاطره‌ها

خب حالا ما چقدر خاطره داریم؟ چقدر قصه داریم؟ ما چند صد هزار رزمنده داشتیم و هر کدام از اینها یک مجموعه‌ی خاطره‌اند. هر کدام از اینها افرادی دوست و رفیق و خانواده و پدر و مادر و همسر و مانند اینها داشتند که هر کدام از آنها راجع به این رزمنده یک صندوقچه‌ی خاطره‌اند. بعضی از این صندوقچه‌ها متأسفانه در این سی سال، سی و چند سال، ناگشوده زیر خاک رفته، از دسترس ما خارج شده؛ حیف! حیف! این کسانی که به فکر می‌افتند - امروز به فکر می‌افتند، دیروز به فکر افتادند - که خاطره‌ی خودشان را بنویسند یا کسانی که فکر افتادند بروند از پدرها، مادرها، همسرها خاطره بگیرند، اینها دارند در واقع جلوی یک ضایعات مهم و خسارت‌بار را میگیرند و نمیگذارند ضایع بشود؛ دارند احیا میکنند این گنجینه‌های پُرازش را، گنجینه‌های بی‌بديل را. اینها سرمایه‌ی ملتند؛ هم آدم‌هایشان سرمایه‌ی ملت بودند، همینهایی که مانده‌اند - از جانباز و آزاده و رزمنده‌ی سابق و مانند اینها - هم خاطراتشان سرمایه‌های مردم هستند.

»» ۱۳۹۷/۷/۴

یک جهت دیگر که در گزارش جنگ باید مورد نظر باشد، این است که چون جنگ یک حادثه‌ی پر جاذبه است، در گزارش آن باید برای بیان حرفه‌ایی که یک ملت دارد استفاده شود. یک نویسنده، یا یک ملت، حرفه‌ایی دارد. از گزارش جنگ، برای بیان این حرفها باید استفاده کرد. من فیلمی از آقای «شمقدری» به نام «بر بال فرشتگان» دیدم. چند نکته‌ی خوب در این فیلم بود. مثلاً این نکته، نکته‌ی خیلی خوبی بود که بچه‌های ساده‌ای که هیچ نمی‌دانستند تیر و تفنگ چیست، وارد جنگ شدند و سرداران برجسته‌ای از آن بیرون آمدند. این چیز خیلی مهمی است. جنگ، به عنوان یک پرورشگاه سرداران بزرگ، آن هم نه از میان سربازان و نظامیان، بلکه از میان مردم عادی یعنی رشد استعدادها. این را در جنگ می‌شود نشان داد. یا مثلاً، در این گزارشهایی که از جنگ نوشته شده، آن روح فداکاری، روح تضّرّ در ملت ما تضّرّ پیش خدا روح مناعت در مقابل دیگران، روح شجاعت کامل که از خصوصیات ملی ماست دیده می‌شود. اینها حرفه‌ایی است که ما داریم. اینها حرفهای اسلامی است و اینها را در گزارش جنگی می‌شود زد.



پاسخ به روایت‌های غلط و دروغ

سعی بشود روایت‌های مخدوش و غلط و دروغ در مورد دفاع مقدّس پاسخ داده بشود، و همچنین این [گونه] روایت‌ها در مورد اصل انقلاب پاسخ داده بشود. الان هم مشغولند؛ من میبینم بعضی از کتاب‌ها را که صهیونیست‌ها یا آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها مینویسند. فیلم میسازند، کتاب مینویسند برای اینکه بدروغ یک نقطه‌ی تاریکی را در انقلاب و در حرکت ملت ایران و در ارکان انقلاب وانمود بکنند؛ در مقابل این‌ها باید تلاش کرد. کسانی که اهل کارند، اهل فکرند، اهل هنرند، باید بتوانند ان شاءالله کارهایی را انجام بدهند.

»» ۱۴۰۱/۶/۳۰

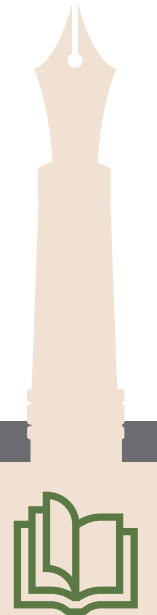
یک گونه در کنار سایر گونه ها نیست

>> ۱۳۹۹/۶/۳۱



ادبیات دفاع مقدّس هم یک گونه‌ی ادبی در قبال سایر ادبیات نیست؛ یعنی این جور نیست که ما ادبیات حماسی داریم، عشقی داریم، اجتماعی داریم، پلیسی داریم، یکی هم حالا مثلاً دفاع مقدّس؛ نه، دفاع مقدّس یک سرچشمه است، انواع و اقسام ادبیات را میشود از آن انتزاع کرد و استفاده کرد و از آن میجوشد. مثل یک چشمه‌ی جوشنده است که انواع و اقسام ادبیات را میشود خلق کرد در آن؛ میشود متنهای عالی تاریخی، اجتماعی، سیاسی، عشقی، خانوادگی را از روی ادبیات دفاع مقدّس و آنچه برای دفاع مقدّس تولید میشود ایجاد کرد.

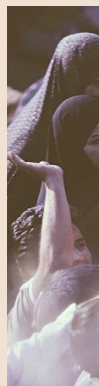
سوره

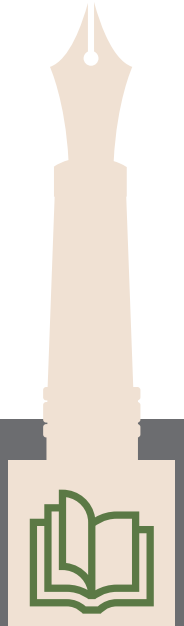


تنوع و تکرار فضا، مکان و شخصیت در روایت‌ها

زن‌ها، مرد‌ها، پدر‌ها، مادر‌ها، جوان‌ها، شهری، روستایی، بازاری، دانشجوی، دانش‌آموز، مساجد، حسینیه‌ها، همه و همه به نحوی وارد این قضیه شدند؛ هر کدام از این‌ها یک موضوع است و این موضوعات می‌تواند وارد بخش‌های هنری کشور ما بشود، وارد سینمای ما بشود، که حالا شما - تهیه‌کننده و کارگردان محترمان - از نگاه یک مادر نگاه کردید، و شد. این بسیار چیز جالبی بود و خوب از آب در آمد. حالا بروید در مسجد و فعالیت‌هایی را که در یک مسجد از سوی مردم انجام گرفته است، با آن نگاه هنرمندانه تبیین کنید، یک قصه در بیاورید و روشن کنید؛ بروید در یک دبیرستان، بچه‌هایی که گاهی معلمشان آنها را تشویق میکرد که بروند، گاهی مجموعه‌ی معلم و مدیر مخالفت میکردند که این‌ها بروند جبهه، و این‌ها با شوق فراوان میرفتند جبهه و فداکاری میکردند؛ بروید داخل مجموعه‌هایی که جنگ را پشتیبانی میکردند، برایشان از مال خودشان، از امکانات ضعیف خودشان استفاده میکردند؛ بروید سراغ آن کسانی که جنازه‌ی شهدا را تشییع میکردند، این مسئله‌ی تشییع جنازه‌ی شهدا ماجرای عظیمی است که وقتی شهیدی یا شهیدانی وارد شهری میشدند، چه اتفاق بزرگی آنجا می‌افتاد؛ این‌ها همه موضوعاتی است که میتواند موضوع محوری و مرکزی برای سینمای ما قرار بگیرد، [اما] این کارها اتفاق نیفتاده است.

بیانات در دیدار عوامل تولید فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» ۱۳۹۳/۳/۲۶ >>





سوره

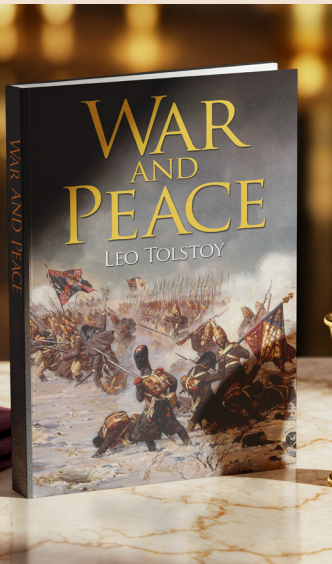
همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست

همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ، داخل خانه‌هاست؛ در راه‌هاست؛ داخل دلهاست؛ در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است؛ در مجامع بین‌المللی است. ببینید؛ ما در دوره جنگ، از طرف مجامعی که ادعا میکردند در مسائل جهانی بی‌طرفند، در مقابل یک اعمال غرض‌واضحی قرار گرفتیم... بحث بر سر این بود که این عزّت ملی که به وسیله حرکت عظیم انقلابی مردم ایران به وجود آمده است، باید از بین برود. رخنه‌ای که به وسیله انقلاب در اقتدار فرهنگ غربی و سلطه غربی و نظام سلطه جهانی به وجود آمده است، باید پُر شود. هدف آنها این بود؛ به هر حال به این سیاست رسیده بودند. اینها کجای آثار هنری ما، در کدام فیلم یا نمایشنامه یا بقیه آثار هنری منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسل‌های آینده ایران تجربه‌آموز نیست؟

»» ۱۳۷۹/۷/۶

حتی شکست را مایه غرور و سربلندی ملت روایت می کند

آثار بزرگ هنری دنیا را نگاه کنید؛ بسیاری از آنها بر روی قهرمانیهای ملتها متمرکزند؛ حتی آن جایی که شکست خوردند. در لشکرکشی ناپلئون به روسیه، دو نفر روایتگر بزرگ هنری، این ماجرا را روایت کردند: یکی فرانسوی است که ویکتور هوگوست؛ یکی روسی است - طرف شکست خورده، که اول کار شکست خورد - که تولستوی است. آن طرف پیروز طبعاً گزارشهایی را ممکن است بدهد؛ اما شما ببینید، در این کتاب آن طرف شکست خورده، شکست را آن چنان تصویر میکند که مایه غرور و سربلندی ملت است. یعنی در حرکت ملت، آن نقاط ارزشمندی را که یک هنرمند میتواند ببیند، اینها را بیرون میکشد، برجسته میکند، رنگ و روغن میزند و جلو چشمها میگیرد.



سوره



ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را میخواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و میخواست بخشی از خاک ما را بگیرد؛ همه دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیات که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

»» ۱۳۷۹/۷/۶



دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم!

مخاطب شناسی در روایت جنگ

۳



آنچه خواهد آمد ...

« مشکل‌تر از کتاب نوشتن، رساندن کتاب به چشم و ذهن مخاطب است.

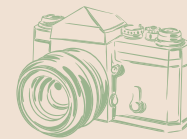
« این جوان شما بعد از آنکه این کارهای شما را دیده، رفتارش، سبک زندگی‌اش، لباس پوشیدنش، نماز جماعت رفتنش، هیئت رفتنش، با مسائل سیاسی روبه‌رو شدنش، با گذشته چه فرقی کرده.

« البته بعضی از کارها هست، مشتری پیدا نمیکند؛ این اشکال در مضمون و محتوا نیست، اشکال در ساخت است، در قالب است، در کیفیت است.

« از جامعه‌ی هشتاد میلیون نفری ما، پنج میلیون [نفر] یک کتاب را بخوانند و به معارف آن آشنا بشوند، کافی است؟

« به جای ده فیلم، دو فیلم بسازید، منتها دو فیلمی که وقتی پخش شد، همه بگویند که باز هم پخش کن؛ این خوب است.





تولید مخاطب



سعی کنید این منشورات و این محصولات کار خودتان را به ذهنها برسانید، به مخاطبها برسانید. یعنی ما فقط دلمان به این خوش نباشد که حالا کتابی را تولید کردیم؛ البته بلاشک تولید کتاب مهم است یا تولید فیلم و تولید هنری مهم است؛ منتها در کنار این، پیدا کردن مخاطب یا به یک معنا تولید مخاطب [هم] مهم است. سعی کنید کتاب را بتوانید به ذهن مخاطبین برسانید. امروز جوانهای ما احتیاج دارند به خوراکیهای فکری...

این هم البته احتیاج دارد به کار؛ یعنی کار ساده‌ای نیست. مشکل‌تر از کتاب نوشتن، رساندن کتاب به چشم و ذهن مخاطب است؛ این خیلی مهم است. این هنر لازم دارد، دقت لازم دارد، ظرافتهایی دارد که بایستی بتوانید اینها را وارد ذهن اینها بکنید.

»» ۱۳۹۵/۹/۱



زحمت کشیدید، پول خرج کردید، کسی هم به این فیلم نگاه نمیکند!

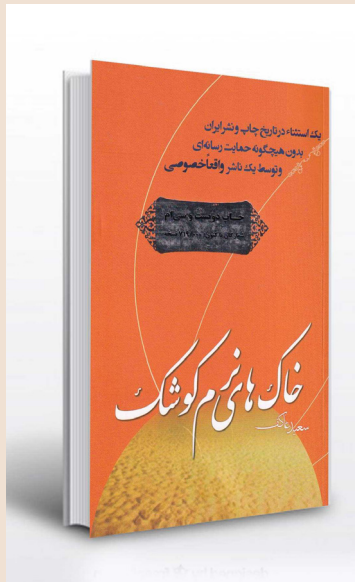
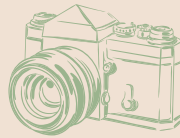
آنچه من سفارش میکنم، در درجه‌ی اوّل این است که این کارهایی را که شما در این بزرگداشتها انجام میدهید، جوری انجام بدهید که اثربخش باشد. صرف ساختن کتاب کافی نیست، صرف ساختن فیلم کافی نیست؛ ممکن است یک فیلمی را زحمت بکشند بسازند، بیننده هم نداشته باشد، کسی نگاه نکند. فیلمی که کارگردانی خوب نداشته باشد، ساخت خوب نداشته باشد، مضمون خوب نداشته باشد، شیرین و زیبا نباشد، خب زحمت کشیدید، پول خرج کردید، کسی هم به این فیلم نگاه نمیکند! بروید سراغ بهترین کارگردان، بهترین سناریونویس، فیلمنامه‌نویس، بهترین پشتیبان و تهیه‌کننده؛ بروید سراغ اینها. به جای ده فیلم، دو فیلم بسازید، منتها دو فیلمی که وقتی پخش شد، همه بگویند که باز هم پخش کن؛ این خوب است. تا بتوانید شهید همّت را معزّفی کنید، شهید زاهدی را معزّفی کنید، شهید کاظمی را معزّفی کنید، شهید خرّازی و ردّانی‌پور را معزّفی کنید و دیگران و دیگران. کم نیستند؛ این قدر اسمهای شهدای برجسته‌ی اصفهان زیاد است که انسان هر چه میخواهد بگوید تمام نمیشود. این یک نکته است: دنبال اثربخشی باشید. جوری کتاب درست کنید که بعد از اینکه یک چاپش تمام شد، مشتری‌ها بیايند چاپ دوّم و چاپ سوّم را بخواهند، و همین‌طور تا آخر. و کارهای دیگری که انجام میدهید.

» ۱۴۰۳/۸/۲۱

اثرسنجی روایت

یک نکته‌ی دیگر این است که اثرسنجی کنید - که من این را به بعضی‌های دیگر هم که از یک شهر دیگری آمده بودند تذکّر دادم - یعنی وسیله‌ی رصد بگذارید؛ ببینید حالا این جوان شما بعد از آنکه این کارهای شما را دیده، رفتارش، سبک زندگی‌اش، لباس پوشیدنش، نماز جماعت رفتنش، هیئت رفتنش، با مسائل سیاسی روبه‌رو شدنش، با گذشته چه فرقی کرده. البته اینها زحمت دارد، خیلی مشکل است اما باید بشود؛ یعنی آن وقتی این کار شما یک کار واقعی موثر جان‌داری است و جهاد فی‌سبیل‌الله است که این نکات در آن حتماً رعایت بشود.

» ۱۴۰۳/۸/۲۱



پرمشتری ترین آثار مربوط به هنر دفاع مقدس است

اینکه تصور بشود که هنر دفاع مقدس در جامعه‌ی ما مخاطب ندارد، طالب ندارد، این هم خطای بزرگی است، از اشتباهات فاحش است؛ اگر کسی این را خیال کند. تحقیقاً پرمشتری‌ترین آثار هنری بعد از انقلاب در زمینه‌های مختلف، آن آثار هنری است که مربوط به دفاع مقدس بود؛ چه در زمینه‌ی فیلم و سینما، چه در زمینه‌ی کتاب، خاطره، داستان. همین چند تا کتابی که در واقع تیراژهایشان بیسابقه است - در کشور ما چنین تیراژهایی وجود نداشته که در ظرف دو سال، صد بار کتابی چاپ بشود. اینکه به من گزارش دادند، کتابی است در باب دفاع مقدس، همین کتاب «خاکهای نرم کوشک» یا کتاب «دا» که در کمتر از دو سال، شنیدم بیش از هفتاد بار به چاپ رسیده!

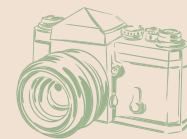




ما هیچگونه کتابی از کتابهای گوناگون را با این تیراژها نداریم- مخصوص کتابهای مربوط به دفاع مقدس است. در زمینه‌ی فیلم هم همین جور است؛ پرفروش‌ترین فیلمها و پرجاذبه‌ترین و پرمشترترین فیلمها، فیلمهایی است که مربوط به دفاع مقدس است. از فیلم «آژانس شیشه‌ای» و «لیلی با من است»، تا این فیلم اخیر «اخراجیها» ی آقای ده‌نمکی، اینها بیشترین مشتریها، بیشترین فروشها را داشته که درباره‌ی دفاع مقدس است. این جور نیست که مشتری نداشته باشد، طالب نداشته باشد. البته بعضی از کارها هست، مشتری پیدا نمیکند؛ این اشکال در مضمون و محتوا نیست، اشکال در ساخت است، در قالب است، در کیفیت است، در مایه‌های کم هنری است که به خرج داده میشود و در یک اثر به کار میرود و طبعاً طالب پیدا نمیکند. بنابراین در این زمینه هرچه بتوان کار کرد، هرچه بتوان سرمایه‌گذاری مالی و مدیریتی و وقتی و اینها کرد، جا دارد؛ و سفارش ما این است. دوستان هنرمند هم با شوق و امید، این کار را دنبال کنند. البته این کار افراد پایه‌رکاب و آماده و مسئولیت‌شناس لازم دارد؛ یعنی کسانی که حقیقتاً احساس مسئولیت کنند و حالت تنبلی و خواب‌آلودگی و اینها در انسان نباشد. یک چنین عناصری میتوانند خوب در این عرصه و در این میدان نقش ایفاء کنند.

» ۱۳۸۸/۶/۲۴

مخاطب



لZoom ارتقاء دایره تأثیرگذاری

در این زمینه‌ها ما البته در طول این سالها به نظر من کم‌کار بوده‌ایم؛ ما کم کار کرده‌ایم. حالا کتاب زیاد نوشته شده، چند فیلم ساخته شده؛ اینها خوب است؛ کارهایی که انجام گرفته خوب و با ارزش است؛ لکن به نظر من در مقابل آنچه باید انجام بگیرد کم است. این کتابهایی هم که ما نگاه میکنیم و استفاده میکنیم، خوب است، منتها دایره‌اش محدود است. دایره‌ی تأثیرگذاری اینها محدود است؛





حالا مثلاً فرض کنید که میگویند از فلان کتاب پُر فروش و پُرتیراژ، پانصد هزار، ششصد هزار [نسخه] چاپ شده؛ خوب حالا ششصد هزار نسخه‌ی کتاب در یک کشور به این بزرگی، اگر فرض کنیم هر یک نسخه‌ی کتاب را هم ده نفر خوانده باشند، میشود پنج میلیون نفر، شش میلیون نفر؛ از جامعه‌ی هشتاد میلیون نفری ما، پنج میلیون [نفر] یک کتاب را بخوانند و به معارف آن آشنا بشوند، کافی است؟ باید ترویج کرد؛ باید هم کتاب را ترویج کرد، هم مفاهیم را ترویج کرد، هم آن را در قالب هنر عرضه کرد، هم بهترین‌هایش را در کتابهای درسی گنجاند، هم در دانشگاه‌ها یک بابی برای مسائل مربوط به دفاع مقدّس باز کرد. نگذاریم این قضیه به آسانی از دست برود.

➤➤ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

مخاطب

بارها و بارها و هزاران بار بگوییم...

ظرفیت های ترویج حداکثری

۴

آنچه خواهد آمد ...

«« خیلی از این شرح‌حال‌هایی که نوشته میشود، از افرادی است که هیچ شهرتی ندارند.

«« چرا مردم اندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟

«« مثلاً اسم فلان بازیکن فوتبالِ فلان کشور را همه‌ی بچه‌ها میدانند، اسم رئیس‌علی دلواری را نمیدانند، اسم نادر مهدوی اصلاً به گوششان نرسیده.

«« پیدا کردن شیوه‌های عمل و شیوه‌های کار احتیاج به گروه‌های فکری دارد.



بارها و بارها و هزاران بار بگوییم...

من در چند جمله‌ی کوتاه، چرایی و چگونگی دفاع مقدّس را امروز شرح میدهم. البتّه اینها مطالبی است که بارها گفته‌ایم، بارها گفته‌اند، لکن باید تکرار کنیم؛ باید آنچه را حقیقت است، بارها و بارها و هزاران بار بگوییم؛ تحریف، امر جدّی و خطر بزرگی است و دست تحریف وجود دارد.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱



نامگذاری کوچه و خیابان



یک مسئله‌ی دیگر هم همین نامگذاری کوچه‌ها و خیابانهای شهرها است، شهر باید مزین شود به نام شهیدان، به یاد شهیدان؛ شوراهاى شهر در شهرهای مختلف بدانند که با اسم چه کسانی این شهر مفتخر میشود. چه افتخاری برای یک شهر، برای یک خیابان، برای یک کوچه و یک گذر، بالاتر از اینکه نام شهید بزرگی، نام یک انسان فداکاری بر روی آن گذاشته بشود؛ اینها چیزهایی است که بایستی دنبال بشود.

»» ۱۴۰۰/۷/۲۴



هویت بخشی استانی و قشری در روایت

یکی از راهبردهای روایت جنگ در اندیشه رهبر معظم انقلاب، هویت بخشی به دفاع مقدس اقصا و استان‌های می باشد. نمونه‌هایی از این هویت بخشی در بیانات معظم له در ادامه آمده است:



* قم: خیلی از شهدای شهیدشده‌ی در غیر قم هم در واقع شهید قم هستند؛

شهید مطهری هم شهید قم است، شهید بهشتی هم شهید قم است، شهید باهنر هم شهید قم است؛ این شهدا هم پرورش یافته‌های قم هستند و شاید به یک معنا بشود گفت شهدای همه‌ی ایران، شهدای قم هستند. قم این راه را باز کرد، قم حرکت را آغاز کرد، قم به ندای امام بزرگوار پاسخ گفت.

* آذربایجان غربی: ایستادگی همراه با برخورد شجاعانه و آگاهانه با حوادث و فتنه‌ها

* یزد: انجام کارهای ابتکاری و خلاقانه / از چهار هزار شهید، هزار نفرشان شهدای دانش آموزند

* بوشهر: عمق در فهم انقلابی و فهم جهادی نه احساسات سطحی و زودگذر

* هرمزگان: نهادینه شدن عنصر شجاعت و دفاع از حق در هرمزگان به دلیل تاریخ مجاهدت و مبارزه

* ایلام: دژ مستحکم / حضور همه‌جانبه‌ی همه‌ی قشرها / خانواده‌های دو شهید و سه شهید و چهار شهید و پنج شهید، همین طور تاده شهید در استان

<< همچنین روایت و برجسته کردن نقش ویژه عشایر، کارگران، ورزشکاران، روحانیت و...



یادواره وسیله است نه هدف

یک بحث هم بحث یادواره‌ها است؛ یادواره بحث مهمی است، کار بزرگی است.

»» ۱۳۹۹/۶/۳۱

توصیه‌ی من به دوستان و برادران عزیزی که این بزرگداشت‌ها را برگزار میکنند، این است که به عنوان هدف به اینها نگاه نشود؛ اینها وسیله‌اند، اینها ابزارند؛ دنباله‌ی این بزرگداشت‌ها باید کارهای فراوانی انجام بگیرد. پیدا کردن شیوه‌های عمل و شیوه‌های کار احتیاج به گروه‌های فکری دارد؛ مجموعه‌های اهل فکر، کسانی که اهل فکرند، اهل فرهنگند، اهل هنرند، بنشینند راه‌های مختلف را پیدا کنند.

»» ۱۳۹۸/۱۰/۲۳



بزرگداشت و شخصیت‌پردازی شخصیت‌ها

بعضی شخصیت‌ها البته مشاهیرند - مشاهیر ارتشی، مشاهیر سپاهی، مشاهیر نیروی انتظامی و بعضی‌هایشان مشاهیر مبارز که جزو اینها نبودند، بسیجی بودند- اما بسیاری‌ها از غیر مشاهیرند. خیلی از این شرح‌حال‌هایی که نوشته میشود، از افرادی است که هیچ شهرتی ندارند و از این قبیل زیادند اما کارهای بزرگ انجام دادند، مسائل مهمی به اینها منسوب است. برای یک شخص، یک بزرگداشت به وجود بیاید و درباره‌ی او بحث بشود، درباره‌ی او تحقیق بشود، مطالعه بشود، سخنرانی بشود و جزئیات زندگی او [به بحث] گذاشته بشود.

» ۱۳۹۹/۶/۳۱



لزوم روایت بین‌المللی

ما در ادبیاتمان، در سینمایمان، در تئاترمان، در تلویزیونمان، در روزنامه‌نگاری‌مان، در فضای مجازی‌مان بسیاری از کارها را باید انجام بدهیم درباره‌ی دفاع مقدّس که انجام نداده‌ایم؛ هر جا هم که انجام دادیم و متعهدانه انجام دادیم، ولو در حجم کم و نسبت به مجموع کاری که باید انجام بدهیم، اندک [بوده] اما تأثیرگذار بوده.



همین فیلم اخیر آقای حاتمی‌کیا در سوریه، در هر جایی که پخش شد، مورد استقبال قرار گرفت؛ چرا در اروپا پخش نشود؟ چرا در کشورهای آسیا پخش نشود؟ چرا مردم اندونزی و مالزی و پاکستان و هندوستان ندانند که چه اتفاقی در این منطقه افتاده و ما با چه کسی طرف بودیم؟ این تازه مال این قضایای اخیر است؛ اهمیت و عمق و گسترش قضایای دوران دفاع مقدس بمراتب بیشتر از اینها است...

ترجمه‌ی به عربی، ترجمه‌ی به انگلیسی، ترجمه‌ی به فرانسه، ترجمه‌ی به اردو، ترجمه‌ی به زبانهای زنده‌ی دنیا. بگذارید صدها میلیون انسان بفهمند، بدانند که در این منطقه چه گذشته، ما چه می‌گوییم، ملت ایران کیست؛ اینها معرّف ملت ایران است. نهضت ترجمه‌ی کتاب، نهضت صدور فیلم‌های خوب؛ ارشاد مسئولیت دارد، سازمان فرهنگ و ارتباطات مسئولیت دارد، صداوسیما مسئولیت دارد، وزارت خارجه مسئولیت دارد، و دستگاه‌های گوناگون...

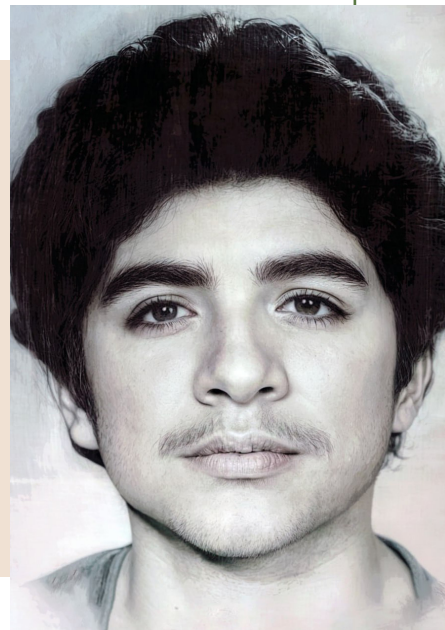
»» ۱۳۹۷/۷/۴



ورود به کتب درسی

حوادث برجسته‌ی دوران مقدّس [باید] بیاید به کتابهای درسی؛ حوادث برجسته و مسلّمی که اتفاق افتاده، منتقل بشود به کتابهای درسی تا جوانهای ما در جریان این حوادث قرار بگیرند. خب کتابهای زیادی نوشته شده؛ بعضی کتابها قطور است، مفصل است، ممکن است خیلی‌ها نخوانند؛ میتوان از اینها قطعاتی را جدا کرد و به تناسب و جا به جا اینها را در کتابهای درسی مندرج کرد.

»» ۱۳۹۶/۱۲/۱۹





استفاده از ظرفیت لوازم التحریر و لباس های بچه ها

آیا شایسته‌ی این نیست که الان در کشور تا شما می‌گویید رئیسعلی دلواری، همه‌ی آن کسانی که در هر منطقه‌ای از کشور هستند بدانند که این آدم کیست و بشناسند؟ این جور چیزی نیست؛ مثلاً اسم فلان بازیکن فوتبال فلان کشور را همه‌ی بچه‌ها میدانند، اسم رئیسعلی دلواری را نمیدانند، اسم نادر مهدوی اصلاً به گوششان نرسیده، خبر ندارند؛ کاری باید کرد تا این نامها زنده بمانند؛ اینها الگو هستند.

مثلاً فرض کنید روی کتابچه‌های بچه‌ها، دفترهای بچه‌ها، روی پشت جلد کتابها، در خود کتابهای درسی، روی لباسها، عکس اینها، خصوصیت اینها، اسم اینها [چاپ و] نوشته بشود. این مخصوص شما هم نیست؛ شما هم باید [این کار را] بکنید، اما دستگاه‌های تبلیغاتی کشور در همه جا، بخصوص در مراکز حسّاس و مهم بایست تلاش کنند این فکر جهاد را با شاخص کردن چهره‌های بزرگ جهادی گسترش بدهند و عمق ببخشند. بنابراین کار، کار بسیار مهمی است.

» ۱۳۹۸/۱۰/۲۳



به زیبایی و شیوایی بیان کنید؛ این، دل‌ها را جذب خواهد کرد

ابزارها و تکنیک روایت



آنچه خواهد آمد ...

«« بنشینند تصویرسازی کنند، کتابهایی کوتاه که جوان حوصله کند بخواند، اینها را بسازند.

«« سینمای ایران از لحاظ ظرفیت کارگردانی و گریم و بازیگری و مانند اینها، جزو سینماهای برجسته‌ی دنیا است.

«« امروز در دنیا بازیهای رایانه‌ای یکی از ابزارهای انتقال پیام است.

«« هیچ لزومی هم ندارد که مبالغه و اغراق‌گویی درباره‌ی اینها بشود.



توجه به عنوان و ظاهر کتاب

خب من دیدم این کتابهایی را که اینجا گذاشته بودید؛ حالا مجال نگاه کردن که در این فرصت نبود و نیست لکن من عناوین کتابها را که نگاه کردم، و سلیقه‌ای را که در ظاهر کتاب و کتاب‌سازی به کار رفته بود، تحسین میکنم، خیلی خوب بود.

>> ۱۳۹۹/۱۲/۲۵



ابزار

کتاب‌های کوتاه با بیان زیبا و شیوا

هنرمندان ما بیایند به میدان، هنر نگارش، هنر تصویرسازی متنی و کتابی، اینها خیلی چیز مهمی است. فقط دنبال فیلم [نباشند]؛ فیلم خوب است، فیلم خیلی لازم است، بنده بارها هم تکیه کردم و توصیه کردم، الان هم توصیه میکنم لکن این تکیه روی فیلم ما را از کتاب غافل نکند. اگر چنانچه افرادی که اهل نگارشند، اهل قلم خوب هستند، اهل ذوق در این معانی هستند، بنشینند تصویرسازی کنند، کتابهایی کوتاه که جوان حوصله کند بخواند، اینها را بسازند، کتاب تولید کنند؛ لازم نیست اغراق بکنند، لازم نیست خلاف واقع بگویند، همانی که هست را بدرستی بیان کنند، به زیبایی و شیوایی بیان بکنند؛ این، دلها را جذب خواهد کرد؛ افراد را تحت تأثیر قرار میدهد.

>> ۱۳۹۵/۷/۵

خاطره‌گویی و شب خاطره برای احیای حوادث

اولاً لازم است تشکر کنم از کسانی که این پرچم را برافراشته نگه داشته‌اند. حقیقتاً صمیمانه و از ته دل متشکرم از کسانی که شب خاطره، ماجرای خاطره‌نویسی، ماجرای خاطره‌گویی و جریان احیای حوادث دوران دفاع مقدس را زنده نگه داشته‌اند؛ واقعاً متشکرم؛ کارشان بسیار کار بزرگی است. این مطلبی که آقای سرهنگی گفت، کاملاً مطلب درستی است؛ این نوعی مرزبانی است با یک اهمّیت بالا.

>> ۱۳۹۷/۷/۴



ابزار

تولید متن فاخر

مثلاً فرض کنید که شنیدیم از همین کتاب شهید خوش لفظ، یکی از شعرای متعهد کشور ما ده غزل درست کرده؛ خیلی خب اگر شعرای متعهد وارد بشوند، ده‌ها دیوان از این کتابهای دفاع مقدس ممکن است شعر درست کنند؛ شعر هنر بزرگی است، همین طور فیلم، همین طور سینما، آثار سینمایی و مانند اینها. در دنیا هم همین جور است. در دنیا شاید بخشی از بهترین آثار سینمایی دنیا اقتباس از نوشته‌ها و متنهای فاخر است؛ از رمان‌های فاخر و نوشته‌های فاخری که قبل از آنها نوشته شده. از روی آنها می‌سازند. ما هم باید همین کار را بکنیم، باید این متنهای فاخر را تهیه کنیم، بر اساس این متنها فیلم به وجود بیاید، تئاتر روی صحنه برود و از این قبیل. بنابراین کار مهمی است. حالا در داخل کشور من شنیدم که مثلاً فرض کنید آثار نویسندگهای خارجی مثل ویکتور هوگو یا چارلز دیکنز را روی صحنه می‌برند، تئاتر اجرا میکنند. خیلی خب، کاری بکنیم که نوشته‌های ما هم در جاهای دیگر دنیا -اول در خود اینجا، بعد در جاهای دیگر دنیا- به صورت تئاتر روی صحنه برود و از آنها فیلم ساخته بشود؛ یعنی همت را باید این جوری بگذاریم روی تولید متنهای فاخر.

استفاده از ظرفیت سینمای برجسته ایران

سینمای ما انصافاً یک ظرفیت بالایی دارد، یعنی کسانی که اهل این فتنه و بلدند و مطلعند و واردند و قضاوتشان میتواند مرجع فهم انسان قرار بگیرد، معتقدند که سینمای ایران از لحاظ ظرفیت کارگردانی و گریم و بازیگری و مانند اینها، جزو سینماهای برجسته‌ی دنیا است؛ و این درست است. این ظرفیت عظیم بایستی با ظرفیت بسیار عظیم دفاع مقدس التقاء (به هم رسیدن) پیدا کند.

» ۱۳۹۳/۳/۲۶



ابزار

بازی‌های رایانه‌ای در خدمت روایت جنگ

من پیشنهاد میکنم که خود واحدهای نظامی اصفهان هم در این قضیه فعال بشوند؛ حالا مثلاً واحدهای سپاه، لشکر امام حسین، لشکر نجف، یا تیپ قمر [بنی هاشم] - که حالا [البته] الان آن منطقه جزو اصفهان نیست؛ آن وقت ظاهراً به نظرم جزو اصفهان بود - یا مثلاً واحدهای ارتش، پایگاه هشتم [که] کم کار نداشته در این قضیه، مرکز توپخانه در اصفهان و بقیه‌ی مراکزی که وجود داشتند، اینها بنشینند شرح حوادث و سرگذشت دوران جنگ تحمیلی‌شان یا احياناً قبل و بعد آن را بیان کنند، به چه وسیله؟ به شکل بازیهای رایانه‌ای. امروز در دنیا بازیهای رایانه‌ای یکی از ابزارهای انتقال پیام است؛ یعنی فقط بازی نیست. افراد با فکر می‌نشینند طراحی میکنند بازی جنگ بین ایران و خودشان را، و جوری طراحی میکنند که وقتی جوان آمریکایی، نوجوان آمریکایی نشست پای رایانه و این بازی را تماشا کرد، احساس قدرت بکند، احساس توانایی بکند، امیدوار بشود که ما در این مبارزه پیروز خواهیم شد. مثلاً باید این جوری حرکت کرد.

»» ۱۴۰۳/۸/۲۱

پرهیز از مبالغه و اغراق گویی

هرچه میتوانید راجع به اینها بنویسید، بشنوید، ثبت کنید، ضبط کنید، کار هنری انجام بدهید. هیچ لزومی هم ندارد که مبالغه و اغراق گویی درباره‌ی اینها بشود. من میبینم گاهی اوقات بعضی‌ها اغراق گویی میکنند؛ هیچ لزومی ندارد. نفس عمل اینها این قدر عظمت دارد که هیچ احتیاج به آرایش و بزرگ کردن و اغراق گویی و مانند اینها ندارد.

» ۱۳۹۷/۸/۱۴

ابزار

دوری از جنبه‌های تشریفاتی اقدامات

این کارهایی هم که اشاره کردید و این برنامه‌هایی که هست، برنامه‌های خوبی است منتها توجه کنید به اینکه جنبه‌های تشریفاتی و ظاهری و مانند اینها - که گاهی یک مقداری دخالت میکند - دخالت قابل توجه و مهمی نداشته باشد؛ نگاه کنید به تأثیر این رفتار و این کاری که شما میکنید در مخاطب؛ یعنی [به‌طور] عمده به این توجه کنید. اگر چنانچه اثر هنری منتشر میکنید یا کتاب مینویسید یا مانند اینها، جوری مشی بکنید که این بتواند در مخاطب اثر بگذارد.

»» ۱۳۹۶/۱۱/۱۶



دانشگاه جامع امام حسین

1993年12月